کارگر تبعیدی

ارگان

انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی

شماره ۲۵ و ۲۴

قیمت: ۲ مارک

سال ششم فروردین ماه ۱۳۷۳

به دفاع از مبارزات کارگران ایران برخیزیم

گرامی باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران

اول ماه مه روز تجلی قدرت و همبستگی بین المللی طبقه ما فرا رسیده است. هر ساله در این روز اردوی استثمار شوندگان با مارش عظیم و سراسری اول ماه مه در مقابل طبقه دارا و استثمارگر صف آرائی می کند و با عزم و ارادهٔ تولیدکنندگان نعمات مادی چرخهای تولید در سراسر جهان از حرکت باز می ایستد. ما این جشن پرشکوه کارگری را ، که پیام آور آزادی و برابری انسانها است به همهٔ کارگران شاد باش می گوئیم .

بقیه در صفحه ۲

اعلام میزان دستمزدها در سال جدید و سطح زندگی کارگران

سرانجام در اواخر بهمن ماه سال جاری سطح جدید دستمزدها برای سال جدید اعلام شد . براساس تصمیم شورای عالی کار سطح دستمزدها از ۲۹۹۲ ریال به ۳۸۹۴ تغییر کرد این میزان افزایش دستمزدها در مقایسه با تورم افسار گسیخته و رشد روزافزون قیمتها یعنی تحمیل آشکار فقر و فلاکت بیشتر به کارگران در سال بعد.

این نحوه تعیین دستمزد از طرف شورای عالی کار امسال نیز نشان داد که بدون دخالت و حضور کارگران بعنوان فروشندگان نیروی کار و طرف اصلی قرار داد دولت حتی به قانون کذائی مصوبه خود نیز پای بند نیست.

بقیه در صفحه ۳

در صفحات دیگر:

- از تجارب جنبش‌های کارگری کشورهای دیگر بیاموزیم- نمونه لهستان ۲
- بیاد کارگران آبادان و "فیدوس"
- دستمزدها و سطح زندگی کارگران در سال ۷۳
- تشکیل انجمن‌های صنفی بوسیله خانه کارگر
- مبارزات کارگری در سال ۹۳
- صدای در گلو خفه شده مرا هم فریاد کنید!
- مصاحبه با یکی از رهبران فلزکاران دانمارک
- درد دل کارگران ایرانی در ژاپن
- نمایشگاه آثار یک هنرمند
- مصاحبه با فعال اتحادیه اتوبوس‌رانی انگلستان
- نامه‌ها و پیام‌ها
- اخبار کارگری
- بریده‌ای از روزنامه‌های ایران
- بولتن اطلاعاتی بمناسبت ۸ مارس

زنده باد تشکل های مستقل کارگری!

www.iran-archive.com

گرامی باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران

دنباله از صفحه ۱

رفقای کارگر !

جشن همبستگی جهانی ما در شرایط کنونی بدلیل اوضاعی که در آن بسر می بریم از اهمیت ویژه ای برخوردار است. سال گذشته سال تهاجم همه جانبه سرمایه داری جهانی بر سطح معیشت و دستاوردهای تاکنونی طبقه کارگر و در عین حال نیز سال خیزش جنبش کارگری بود.

دول مدافع نظم موجود که در پی فروپاشی بلوک شرق شیپور زوال ناپذیری سرمایه داری و مرگ جنبش های برابر طلب را به صدا در آورده بودند خود را بیش از پیش در ورطهٔ بحرانی عمیق یافتند و برای خلاصی از این بحران یورش گسترده ای را به سطح معیشت و دستاوردهای تاکنونی مبارزه طبقه کارگر آغاز نمودند. بیکارسازی های وسیع ، تلاش برای کاهش آشکار دستمزدها، کاهش تامینات اجتماعی و بالاخره تحمیل بی حقوقی بیشتر بر کارگران از جملهٔ اقدامات طبقه حاکم در پاسخ به بحران کنونی بود.

اما سال گذشته در عین حال سال مبارزه و مقاومت طبقه ما در مقابل اقدامات و تضییقات فوق بود، بطوریکه اطمینان خاطر و ادعای استحکام نظام سرمایه داری را درهم ریخت . در این سال بلژیک ، ایتالیا و اسپانیا شاهد اعتصابات قدرتمند و سراسری بودند که طی سالهای اخیر بی سابقه بود. علاوه بر آن در آلمان ، انگلیس و فرانسه اعتصابات متعدد و چشمگیری شکل گرفت .

در سوئد یعنی جزیره ثبات سرمایه حرکت اعتراضی بی سابقه ای شکل گرفت که حاصل آن تظاهرات سراسری کارگران در ششم اکتبر ۹۳ بود که روز عدالت نام گرفت . در آسیا و آمریکای لاتین نیز علیرغم سرکوب عریان نشانه های این موج سراسری مبارزات کارگری خود را بنمایش گذاشت .

آری سال گذشته سال رودررونی هر چه بیشتر طبقه کارگر و سرمایه داری جهانی بود و اول ماه مه امسال اعلان استحکام بیشتر همبستگی جهانی کارگران برای پیشبرد مبارزه ای قدرتمندتر علیه نظام سرکوب و استثمار است.

طبقه کارگر در ایران نیز همدوش کارگران سراسر جهان درگیر مبارزه علیه یکی از ارتجاعی ترین دول جهان است . دولت مذهبی حاکم بر ایران طی ۱۵ سال حاکمیت خود عظیم ترین مصائب اجتماعی را برای کارگران و زحمتکشان ببار آورده و با توسل به سرکوب وحشیانه و کشتار پیشروان جنبش کارگری و آزادیخواهان به حیات ننگین خود ادامه داده است.

روند بیکارسازی های گسترده ادامه دارد و اکنون میلیونها نفر از کارگران و زحمتکشان ایران بدون برخورداری از حق تامین حداقل معیشت در چنگال بیکاری و گرسنگی زندگی مشقت باری را می گذرانند.

رفقای کارگر !

این ستم وحشیانه و بی حد و حصر در ایران تنها در سایه سرکوب دائمی مبارزات و اعتصابات کارگری و محرومیت طبقه کارگر از حق تشکل و اعتصاب میسر میگردد. انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ضمن تاکید بر لزوم تحکیم بیشتر همبستگی جهانی ما کارگران در مبارزه علیه سرمایه داری همه شما را فرا می خواند تا از مبارزات طبقه کارگر در ایران علیه سرکوب و استثمار دولت حاکم و برای دست یابی به حق تشکل و اعتصاب حمایت کنید.

زنده باد همبستگی جهانی کارگران
انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

www.iran-archive.com

اعلام میزان دستمزدها در سال جدید و سطح زندگی کارگران

دنباله از صفحه ۱

بنا بر ماده ۴۱ قانون کار جمهوری اسلامی شورای عالی کار در چگونگی تعیین دستمزدها باید دو عامل را مبنای افزایش دستمزد سالانه قرار دهد. اول نرخ افزایش تورم سالانه که به وسیله بانک مرکزی اعلام میگردد و دوم سبد هزینه کارگری یعنی سطح متوسط هزینه زندگی کارگری که براساس ارقام اعلام شده بانک مرکزی و بوسیله مرکز آمار دولتی محاسبه و تعیین میگردد.

طی نیمه اول سال جاری(۱۳۷۲) میزان تورم از طرف بانک مرکزی ۱۹/۶ درصد اعلام شد و بنا به محاسبات برخی مسئولین حکومتی طی دو سال گذشته جمعا ۴۵ درصد تورم وجود داشته است. سطح متوسط هزینه زندگی نیز ازطرف مرکز آمار جمهوری اسلامی در سال ۱۳۷۱ بالغ بر ۳ میلیون و ۷۹۵ هزارو ۷۵۲ ریال اعلام شد (روزنامه سلام ۲۷ دی ۱۳۷۲).

به عبارت دیگر بنا به ارقام رسمی اعلام شده از طرف دولت در سال ۱۳۷۱ یک خانواده کارگری در ایران بصورت متوسط برای گذران زندگی خود می باید ماهیانه حدود سی هزار تومان درآمد داشته باشد.

سید رضا میر محمدی دبیر کانون شوراهای اسلامی در مصاحبه ای با روزنامه کار و کارگر در تاریخ ۵ بهمن ماه گفت که : «با توجه باینکه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نرخ تورم در شش ماهه اول سال ۷۲ را حدود ۱۹/۶ درصد اعلام کرده است و همچنین یکی از مراجع ذیصلاح کشور سبد هزینه کارگری را ۴۱۰ هزارریال اعلام نموده است این آمار می تواند مبنای مناسبی برای تصمیم گیری شورای عالی کارباشد.»

اما مزدهای تعیین شده در سالهای ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ که به ترتیب ۲۲۶۷ ریال و ۲۹۹۲ ریال و ۳۸۹۴ ریال بوده اند هیچگاه حتی مبتنی بر ارقام رسمی تورم نیز نبوده است. این حقیقت بارها از طرف سردمداران حکومتی اعلام شده است. از جمله همین آقای میرمحمدی ضد کارگر و مجری سیاستهای سرکوبگرانه جمهوری اسلامی در کارخانجات ، در همان مصاحبه گفت که : «علیرغم افزایش دستمزدها از نظر اسمی مزد واقعی کارگران در سال ۱۳۷۲ نسبت به سال ۵۸ به میزان ۵۰ درصد کاهش یافته است».

یعنی کارگران با مزد حدود سیصدو نود تومان امسال (۱۳۷۳) قدرت خریدی به میزان نصف سال ۵۸ که مزدی حدود پنجاه و شش تومان می گرفتند ، دارند. سطح مزد تعیین شده امسال حتی بر مبنای بر آورد «مراجع ذیصلاح» فقط یک سوم مزد واقعی سال ۵۸ خواهد بود، چرا که بنا به پیش بینی کمیسیون دارایی مجلس حکومت اسلامی میزان تورم در سال آتی تا ۳۰ درصد افزایش خواهد یافت .

اما آنچه که تاکنون گفته شد تنها بیانگر گوشه ناچیزی از زندگی مشقت بار کارگران در شرایط کنونی است. رشد روزافزون قیمتهای کالاهای اساسی و مایحتاج عمومی ، هزینه سرسام آور مسکن و پوشاک و غیره وضعیت اسفبار دارو و درمان و همه و همه نشانگر اینست که حاکمیت سیاه اسلامی چه اوضاع فلاکت باری را در سال آتی برای کارگران تدارک دیده است. اینکه آمار و ارقام جمهوری اسلامی تا چه میزان با واقعیات اجتماعی فاصله دارد امریست آشکار و بدیهی و حتی بطور روزمره بوسیله برخی مقامات در مواقع اوجگیری جدال درون حکومتی به کرار اعلام شده است. لاکن نگاهی به سطح معیشت کارکران و چگونگی تعیین دستمزدها بیانگر این حقیقت است که در غیاب تشکل مستقل کارگران و بدون دخالت فعال و متشکل طبقه کارگر در تعیین سطح دستمزدها دولت جز به اشتهای سیری ناپذیر استثمار گران و مصالح ضد کارگری خود به چیز دیگری نمی اندیشد.

طی چندین سال گذشته که خواست افزایش دستمزدها محور اصلی اعتراضات و اعتصابات کارگری بود، خانه کارگر ابزار اصلی سرکوب و مهار و یا به انحراف کشاندن مبارزات کارگران بود.

انجمن های اسلامی و شوراها که مجری سیاستهای سرکوبگرانه و یا به اجرا در آوردن دیگر طرحهای ضد کارکری در کارخانجات بوده و هستند تاکنون هیچگاه سخنی از تورم و لزوم افزایش دستمزدها بتناسب تورم به میان نمی آوردند اما امسال به یاد تورم افتاده و بطور ضمنی خواست افزایش دستمزد بتناسب تورم را مطرح نمودند. خانه کارگر با طرح این خواست قبل از اینکه مزدها و ضرورت افزایش آنرا در نظر داشته باشد، قصد دارد از طریق راه انداختن تبلیغات روی مسئله تورم ، ورشکستکی سیاستهای اقتصادی جناح حاکم را اعلام نماید. جناح حاکم نیز با آگاهی بر اهداف تبلیغاتی خانه کارگر و بدون توجه جدی بدان همان میزان مورد نظر خود یعنی ۲۲/۸ درصد را بمرحله اجرا در آورد. ضمن اینکه به رقیب خود گوشزد نمود که این فاصله میان دستمزدها و سطح زندگی در درجه اول ناشی از عدم افزایش دستمزد در سالهای گذشته (یعنی دوران زمام داری مدافعین فعلی افزایش دستمزد) می باشد.

بنا به قوانین جامعه سرمایه داری خریداران و

www.iran-archive.com

بولتن اطلاعاتی واحد هلند به‌مناسبت ۸ مارس

خانه زنان هلند، که ترکیبی اززنان هلندی و ملیت های مختلف است ، طی مراسمی ، روز همبستگی بین المللی زنان را جشن گرفتند. این جشن که در سالن پارادیسو در آمستردام برگزار گردید، مهماندار زنانی بود که از نقاط مختلف کشور در آن شرکت کرده بودند. رفقای انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی واحد هلند ضمن شرکت در این شب اطلاعاتی ـ فرهنگی بولتن اطلاعاتی ویژه ای را ، که از قبل آماده کرده بودند، بین شرکت کنندگان توزیع نمودند، که مورد استقبال فراوان قرار گرفت. این بولتن که بزبان هلندی تهیه شده بود، حاوی عکسها، طرحها و مطالب مختلفی در بارهٔ زنان ایران ، بویژه زنان کارگر بود که خلاصه ای از آن بشرح زیر است :

۱ـ عکس روی جلد بولتن ، بیگاری زنان درزندانهای جمهوری اسلامی را نشان می دهد. این عکس توسط عفو بین الملل تهیه گردیده است.

۲ـ مقدمه ای با مضمون : اعلام همبستگی با شب زنان ، توضیحات کوتاهی در باره انجمن ما و اهداف آن و توجه آن به زنان ایران و بویژه زنان کارگر، سنگسار زنان و ممنوع بودن تهیه عکس و فیلم از سنگسار (که در این رابطه مثالی آورده شده که رژیم در سال ۹۳ به چندین خانه در شهر اراک یورش برده، که فکر می کرده که از حالت سنگسار فیلم گرفته شده)، محرومیت زنان ز حق طلاق ، موضوع ۳۰۰ تاکسی برای زنان (تاکسی زنانه) ، مسئله حجاب و جنایاتی که رژیم در این رابطه مرتکب می شود، بکار گرفتن دختران خردسال در صنعت قالی بافی و کشاورزی ، موضوع شهادت زنان در ایران، تحصیل زنان و . . .

۳ـ تبعیض : ترجمه مطلبی از مجله زنان شماره ۱۳ در باره وضع زنانی که در وزارت جنگ شاغلند، اخراج زنان در شرکت آزمایش ، حذف زنان در شرکت های تولیدی طبق آمار خود رژیم .

ـ مسئله تشکل های کارگری در ایران و محروم بودن کارگران ایران از حق اعتصاب و تشکل مستقل .

ـ جلوگیری از ازدیاد جمعیت و سیاست رژیم در این رابطه و محروم کردن امکانات زنانی که بیش از ۴ بچه دارند.

۴ـ مصاحبه : ترجمه مصاحبه ای از مجله زنان چاپ تهران . این مصاحبه با زنان کارگر در قبرستان بهشت زهرا صورت گرفته .

۵ـ ترجمه گزارش مسئول حقوق بشر در سال ۹۴ (دستگیری زنان در جشن ها، ترور مخالفین در خارج کشور ، تبعیض اقلیت های مذهبی ، وجود ۱۹۰۰۰ زندانی سیاسی در ایران).

فروشندگان هر کالایی صاحب اختیار کالای خویشند، تنها دارایی کارگران هم نیروی جسمانی شان است که مجبورند برای زنده ماندن و امرار معاش آنرا به سرمایه داران بفروشند. قانون کار در جامعه سرمایه داری قراردادی است که کم و کیف این رابطه مبادله ای و مبتنی بر استثمار را تعریف کرده و روشن می نماید. در ایران اسلامی اما فروشندگان نیروی کار در تعیین قیمت نیروی کار خود حتی طرف قرارداد هم محسوب نمی شوند.

هرگونه اعتصاب و اعتراض با سرنیزه و سرکوب روبرو می شود و دولت با تکیه بر این ابزار دائمی و استثمار وحشیانه کارگران و زحمتکشان به حیات ننگین خود ادامه می دهد.

مادامی که حق تشکل و اعتصاب در ایران وجود ندارد، امکان دخالت موثر و دائمی در تعیین سطح دستمزدنیز وجود نخواهد داشت. خواست افزایش دستمزد به تناسب تورم نیز مدام که نحوه محاسبه آن طبق قانون کار و بوسیله ارگانهای حکومت آخوندی صورت می گیرد به معنای واقعی کلمه عملی نخواهدشد. همانطور که خانه کارگر طی سالهای گذشته هیچ «فاصله ای» در میان دستمزدها و تورم نمی دید و امسال جزء کوچکی از ارقام را رو می کند تا از آن در کشمکش های درون حکومتی استفاده کند. جناح رفسنجانی هم متقابلا ارقام و آمار را بروال همیشگی دروغپردازی‌های سردمداران حکومتی متناسب مصالح ضد کارگری شان اعلام خواهند کرد. افزایش دستمزد به تناسب تورم تنها در شرایطی میتواند از تنزل سطح معیشت کارگران جلوگیری کند که هم میزان تورم و هم مقدار افزایش دستمزد با دخالت و نظارت تشکل مستقل و واقعی خود کارگران تعیین گردد. تنها در چنین شرایطی خواهد بود که کارگران نه تنها قادر می شوند از سطح معیشت خود دفاع کنند بلکه میتوانند در جهت ارتقاء سطح زندگی شان دولت و سرمایه داران را وادار به عقب نشینی نمایند و سپس با برخورداری از یک زندگی بهتر برای خواسته ها و اهداف مهمتر و اساسی تر خود مبارزه کنند.

م . ک

۹۴/۳/۱۳

www.iran-archive.com

از تجارب جنبش‌های کارگری کشورهای دیگر بیاموزیم!

نمونه لهستان - ۲

در شماره قبل در باره کمیته‌های موسس اتحادیه‌های آزاد که در سالهای ۷۹-۱۹۷۸ در چند نقطه لهستان بوجود آمدند، صحبت شد و نتیجه گرفته شد که این کمیته‌ها تشکل‌های نیمه مخفی و کوچکی بودند که اکثریت اعضایشان را کارگران تشکیل می‌دادند و فعالیت آنها هر چند در سطح محدود صورت می‌گرفت، اما نقش مهمی در ایجاد اتحادیه سراسری همبستگی در سال ۱۹۸۰ داشت.

همچنین تاکید شد که یکی از نقاط قوت کمیته‌های مذکور این بود که به طور مستقل و در خارج از ساختار اتحادیه‌های فرمایشی و رسمی و اساساً توسط خود کارگران بوجود آمدند.

در این شماره روند شکل گیری اتحادیه همبستگی از دل مبارزات و اعتصابات کارگری سال ۱۹۸۰ را دنبال می‌کنیم. در اینجا بخصوص این نکته آموزنده است که چگونه کارگران ظرف مدت کوتاهی گام به گام ارتباطات خود را از حد کارخانه‌های جدا افتاده به سطح مناطق و سپس به سطح کل کشور گسترش دادند و سرانجام توانستند تشکل سراسری خود را بوجود بیاورند.

پروسه ایجاد اتحادیه همبستگی(۶)

در روند تشکیل اتحادیه همبستگی می‌توان سه فاز را از یکدیگر تشخیص داد. فاز اول از شروع اعتصابات و مبارزات کارگری در اول ژوئیه تا تشکیل کمیته بین کارخانه‌ای گدانسک در ۱۶ اوت. فاز دوم از ۱۶ اوت ۱۹۸۰ تا امضای قرارداد ۳۱ اوت ۱۹۸۰ که در آن حق تشکیل اتحادیه‌های مستقل، آزادی بیان، قلم و... به رسمیت شناخته شد. فاز سوم از ۳۱ اوت تا تشکیل اولین گردهم‌آیی بنیانگذار اتحادیه همبستگی در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰.

روشن است که هیچیک از این فازها را نمی‌توان به طور مکانیکی از هم تفکیک کرد و مانند هر جنبش گسترده اجتماعی دیگر، رویدادهای مربوط به جنبش کارگری ۱۹۸۰ در لهستان نیز از چنان پیچیدگی‌ها و تنوعی برخوردار بودند که نمی‌توان همه آنها را در یک چارچوب و شمای ساده و محدود گنجاندبا اینحال تشخیص مهمترین مشخصات سه فاز مذکور به ما کمک می‌کند، تصویری عمومی از روند پیدایش اتحادیه همبستگی بدست بیاوریم.

در اول ژوئیه ۱۹۸۰ دولت اعلام کرد که قیمت گوشت و کالباس افزایش می‌یابد. در اعتراض به این مسئله، در همان روز اعتصاباتی در کارخانه تراکتورسازی اورسوس (ورشو)، کارخانه مینی‌بوس سازی آوتوسان (در سانوک) و در کارخانه ماشین و ابزارسازی پونار (تارنف) آغاز شد و در روزهای بعد به سایر مناطق لهستان گسترش یافت.

در فاز اول، اعتصابات به صورت خودجوش و به ابتکار کارگران کارخانه‌های جدا از هم برگزار می‌شد. هنوز تماس‌ها و روابط منظمی بین کارخانه‌های مختلف بوجود نیامده بود. خواسته‌های اعتصابات عموماً اقتصادی بودند و به ندرت از محدوده افزایش دستمزد و لغو افزایش قیمت گوشت و مسائل رفاهی فراتر می‌رفتند. دولت و مدیریت کارخانه‌ها غالباً در مقابل این خواسته‌ها عقب نشینی می‌کردند. در این فاز رفته‌رفته در برخی از کارخانه‌ها کمیته‌های اعتصاب و کمیسیون‌های کارگری بوجود آمدند. از جمله این تشکل‌ها، کمیسیون‌های کارگری در سه بخش تراکتورسازی اورسوس بودند. این کمیته‌ها و کمیسیون‌ها مصالح و خواسته‌های اعتصابیون را در برابر مدیریت کارخانه نمایندگی می‌کردند و با مدیریت در مورد خواسته‌های اعتصابیون به مذاکره می‌پرداختند. همانطور که قبلا ذکر شد، فاز اول تا تشکیل کمیته بین کارخانه‌ای در گدانسک ادامه داشت. از آنجا که تشکیل این کمیته نقطه عطفی در مبارزات آن دوره بود، بد نیست بر روی آن کمی مکث کنیم:

در ۱۴ اوت کارگران کشتی سازی لنین در گدانسک اعتصاب کردند و کارخانه را به اشغال درآوردند. علت بلاواسطه اعتصاب، اعتراض به اخراج آنا والنتینویچ بود. وی از رهبران اعتصابات ۱۹۷۰ و از فعالین اتحادیه‌های آزاد کارگری بود. به دنبال اخراج وی کارگران یک کمیته اعتصاب به رهبری لخ والسا که وی نیز از رهبران اعتصابات ۱۹۷۰ و از فعالین اتحادیه‌های آزاد بود، تشکیل دادند. خواسته‌های کمیته اعتصاب عبارت بودند از: استخدام مجدد والنتینویچ و والسا(۷) در کشتی سازی، بنای مجسمه یادبود قربانیان دسامبر ۱۹۷۰، تضمین امنیت اعتصابیون، افزایش دستمزد به میزان

www.iran-archive.com

۲۰۰۰ زلوتی و افزایش حق عائله‌مندی و رساندن آن به سطح عائله‌مندی مأمورین پلیس.

مدیریت کارخانه بدوا با سه خواست اول اعتصابیون موافقت کرد اما به خواسته‌های بعدی بی‌توجهی نشان داد. روز ۱۵ اوت اعتصاب به سراسر ساحل گدانسک گسترش یافت و بنادر و تعدادی از کارخانه‌ها و وسایط نقلیه شهری را در برگرفت. مذاکرات بین کمیته اعتصاب و مدیریت کشتی سازی گدانسک ادامه پیدا کرد.

در همین روز دولت به یک سلسله اقدامات علیه اعتصابیون دست زد. تمام خطوط ارتباطی سه شهر گرانسک، سوپوت و گدینیا با بقیه نقاط لهستان قطع شد. در مطبوعات دامنه اعتصاب گدانسک بسیار کمتر از میزان واقعی آن انعکاس داده شد و عصر روز ۱۵ اوت وزیر کشور وقت به‌نام بابویش طبق معمول همه دولت‌های ضدکارگری، در تلویزیون اعلام کرد که "دشمنان جمهوری خلق لهستان" کارگران را تحریک کرده‌اند. جدیت اوضاع برای قدرتمندان چنان بود که گیرک - رئیس "حزب کمونیست" و دولت - ناگهان تعطیلات خود در شوروی را قطع کرد و به لهستان بازگشت.

روز جمعه ۱۶ اوت مدیریت کشتی سازی گدانسک با افزایش ۱۵۰۰ زلوتی و همچنین افزایش مزایا به خاطر گران شدن قیمت‌ها موافقت کرد. فردای آن روز اکثریت کمیته اعتصاب به خاتمه اعتصاب رأی داد و لخ والسا ختم اعتصاب را از بلندگو اعلام کرد و گفت: "روز دوشنبه همه در سر کار خود خواهیم بود!" اما در مدتی که کمیته اعتصاب در حال مذاکره با مدیریت کشتی سازی بود، چند تن از نمایندگان موسسات دیگر در گدانسک با کارگران کشتی سازی که در بیرون سالن مذاکره، اجتماع کرده بودند، تماس گرفته و از آنها خواسته بودند، به نشانه همبستگی با اعتصابیون کارخانه‌های دیگر، به اعتصاب خود ادامه دهند. فرستادگان کارگران موسسات دیگر، لخ والسا و کمیته اعتصاب را متهم می‌کردند که به توافق جداگانه با مدیریت رسیده و به این ترتیب به کل جبهه اعتصاب در منطقه گدانسک ضربه زده‌اند. فشار فرستادگان موسسات دیگر نقش مهمی در متقاعدکردن بخشی از کارگران کشتی سازی در ادامه اعتصاب به نشانه همبستگی با کارخانه‌های دیگر منطقه داشت. این امر باعث شد که کمیته اعتصاب کشتی سازی نیز برای حفظ اتحاد اعتصابیون در تصمیم خود تجدید نظر نماید و توافق با مدیریت را باطل اعلام کند.(۸) بدین ترتیب تصمیم به ادامه اعتصاب اساسا به ابتکار توده کارگران در خارج از اتاق مذاکره با مدیریت گرفته شد.

پس از این تصمیم، بخشی از کارگران در کشتی سازی باقی ماندند و شب هنگام با نمایندگان اعتصابیون کارخانه‌های دیگر که به کشتی سازی می‌آمدند، ملاقات کردند. به دنبال این ملاقات‌ها یک کمیته اعتصاب بین کارخانه‌ای یا فراکارخانه‌ای به رهبری لخ والسا تشکیل شد. کمیته مذکور تصمیم گرفت خواسته‌های مشترکی را تدوین کند، به نمایندگی از تمامی اعتصابیون مذاکراتی با نمایندگان دولت انجام دهد و در یک موقعیت مناسب، خاتمه اعتصاب در منطقه ساحل گدانسک را اعلام نماید. کمیته فراکارخانه‌ای در اولین بیانیه‌اش اعلام کرد که پس از خاتمه اعتصاب نیز خود را منحل نمی‌کند بلکه بر امر عملی شدن خواسته‌ها توسط حکومت نظارت و اتحادیه‌های آزاد را سازماندهی می‌نماید.

در آغاز ۲۱ کارخانه عضو کمیته اعتصاب فراکارخانه‌ای بودند. اما تنها دو روز بعد یعنی در ۱۸ اوت ۱۹۸۰، تعداد اعضای کمیته مذکور به ۱۵۶ کارخانه و در ۲۰ اوت به ۳۰۴ کارخانه رسید. گسترش جهش‌وار کمیته فراکارخانه‌ای منطقه گدانسک نشان از درجه بالایی از مبارزه‌جویی و تشکل‌پذیری کارگران داشت.

این کمیته هیئت رئیسه‌ای انتخاب کرد که لخ والسا و آنا والنتینویچ نیز عضو آن بودند. همچنین این کمیته ۲۱ خواسته اعتصابیون را تدوین کرد و این خواسته‌ها را به مقامات دولتی ارائه داد. این خواسته‌های ۲۱ گانه عبارت بودند از:

۱- به رسمیت شناختن سندیکاهای آزاد، مستقل از حزب و کارفرمایان بر اساس قرارداد شماره ۷۸ سازمان جهانی کار (ILO) که مورد تصویب دولت لهستان قرار گرفته است.

۲- تضمین پذیرش حق اعتصاب برای کارکنان و تضمین امنیت اعتصابیون و کسانی که آنها را یاری می‌کنند.

۳- رعایت آزادیهای بیان، انتشارات و چاپ، تضمین شده در قانون اساسی، قطع قلع و قمع انتشارات مستقل، قراردادن وسایل ارتباط جمعی در دسترس نمایندگان کلیه مذاهب.

۴- الف) بازگشت به کار کسانی که پس از اعتصابات سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۶ اخراج شده‌اند؛ ادامه تحصیل دانشجویانی که به دلیل افکار خود از تحصیلات محروم شده‌اند؛

ب) آزادی زندانیان سیاسی (بویژه ادموند زادروزینسکی، یان کوزلوفسکی و مارک کولودزیی).

۵- انتشار اطلاعات مربوط به تشکیل کمیته اعتصاب فراکارخانه‌ای و وسایل ارتباط جمعی و انتشار مطالب آنها.

۶- دست زدن به ابتکارات موثر به منظور بیرون آوردن کشور از وضع بحرانی، از طریق:

الف) انتشار علنی هرگونه اخبار مربوط به وضعیت اجتماعی-اقتصادی؛

ب) واگذاری امکان به کلیه محافل و

گروههای اجتماعی برای شرکت جستن در مذاکرات به خاطر یک برنامه اصلاحی:

۷- پرداخت دستمزد روزهای اعتصاب به کلیه اعتصاب کنندگان و منظور داشتن این روزها به عنوان روزهای تعطیل، با برداشت از صندوق شورای مرکزی سندیکاها.

...

۱۳- انتخاب مدیران فقط بر اساس لیاقت و کاردانی و نه براساس وابستگی به حزب ...

۱۴- پایین آوردن سن بازنشستگی به ۵۰ سال برای زنان و به پنجاه‌وپنج سال برای مردان و یا حق استفاده از بازنشستگی بعد از سی سال کار در لهستان برای زنان و سی‌وپنج سال برای مردان.

...

۱۷- ایجاد شیرخوارگاهها و کودکستانها به تعداد کافی برای فرزندان مادرانی که کار می‌کنند.

۱۸- افزایش دوره مرخصی با حقوق برای مادران باردار به سه ماه(۹)

خواسته‌های مطرح شده دیگر عبارت بودند از:

افزایش دستمزد ۲۰۰۰ زلوتی در ماه، استفاده از کارت جیره‌بندی گوشت تا زمانی که گوشت کم‌یاب است، عدم فروش کالا با ارز خارجی، بهبود خدمات درمانی و افزایش هزینه اسباب‌کشی و جبران کار در روزهای تعطیل در کارخانه‌هایی که در آنها باید تمام مدت سال کار ادامه داشته باشد.

خواسته‌های ۲۱گانه فوق به‌نحوی تدوین شده‌بود که مربوط به چند کارخانه مشخص یا یک رشته خاص صنعتی نمی‌شد. خصلت همه‌گیر و عمومی این خواسته‌ها ـ بخصوص خواسته‌هایی که مربوط به شرایط کار می‌شد ـ باعث می‌گردید که اعتصابیون مناطق دیگر کشور نیز بتوانند این خواسته‌ها را به پرچم مبارزه خود تبدیل کنند و مبنای مشترکی برای اعتصابات خویش داشته باشند.(۱۰)

در روز ۲۴ اوت در گدانسک در کنار کمیته اعتصاب فراکارخانه‌ای، یک کمیسیون کارشناسان مرکب از ۷ تن از روشنفکران ورشو تشکیل شد. سه تن از آنان به نام‌های ت. مازوویکی، ب. سیوینسکی و آندره‌ی ویلوویسکی جزو افراد سرشناس در جنبش کاتولیکی بودند. چهارتن دیگر نیز جزو اپوزیسیون به‌شمار می‌رفتند و عبارت بودند از: ب. گرمک، ت. کرالیک، و. کوزینسکی و یادویگا استانیشکیس. فرد آخر از فعالین جنبش دانشجویی سال ۱۹۶۸ بود. کارشناسان تجربیات و تخصص‌های خود را در زمینه علوم سیاسی، اقتصاد و جامعه شناسی در اختیار اعتصابیون قرار دادند.

اگر چه نقش کارشناسان مهم بود و آنان می‌توانستند بر نظرات کمیته اعتصاب تأثیر بگذارند، اما کمیسیون کارشناسان بیشتر یک ارگان مشورتی و نه یک مرکز تصمیم‌گیری بود. به عنوان مثال ۲۱ خواست اعتصابیون گدانسک، قبل از ورود ۷ کارشناس مذکور به گدانسک تدوین شده بود.

تشکیل کمیته فراکارخانه‌ای گدانسک و تدوین خواسته‌های ۲۱گانه، شروع فاز دوم مبارزات کارگری سالهای ۸۱-۱۹۸۰ بود. در این فاز که تا امضای قرارداد معروف ۳۱ اوت ۱۹۸۰ به‌طول انجامید، در چند نقطه دیگر کشور کمیته‌های فراکارخانه‌ای تشکیل شدند. یکی از مهمترین آنها، کمیته فراکارخانه‌ای شچسین بود که روز ۱۸ اوت، چند ساعت پس از شروع اعتصاب در این شهر، تشکیل شد. این کمیته ۳۶ خواسته اعتصابیون را تدوین کرد که در آنها همه ۲۱ خواسته اعتصابیون گدانسک مستقر بود.

این کمیته شب ۲۳ اوت هیئتی برای مذاکره باکمیته اعتصاب فراکارخانه‌ای گدانسک به این شهر ارسال داشت. دو کمیته در مذاکراتشان به توافق رسیدند که خواست تشکیل اتحادیه‌های آزاد مبنای مبارزه آنان باشد و اعتصابات تا تحقق این خواست ادامه پیدا کند. در ۲۶ اوت یک کمیته فراکارخانه‌ای در ورکلاو بوجود آمد. این کمیته حمایت خود را از خواسته‌های ۲۱گانه اعتصابیون گدانسک اعلام کرد. در همین روز کمیته فراکارخانه‌ای دیگری نیز در والبرزیچ بوجود آمد.

بدین ترتیب اعتصابیون در فاز دوم به اشکال پیشرفته‌تری از سازمانیابی مبارزاتشان دست یافتند و زمینه‌های اولیه برای ایجاد یک اتحادیه سراسری بوجود آمد.

در فاز دوم خواسته‌های سیاسی نیز به خواسته‌های اقتصادی اضافه شدند و بویژه خواست حق تشکیل اتحادیه‌های مستقل مکان ویژه‌ای بدست آورد. در این فاز هماهنگی بیشتری بین اعتصابیون کارخانه‌ها و مناطق مختلف بوجود آمد و مبارزات با سازماندهی و برنامه‌ریزی منظم‌تری به‌پیش برده شد.

سرانجام در ۳۱ اوت می‌اشریسلاو یاگیلسکی، معاون نخست‌وزیر، به نمایندگی از هیئت حاکمه و لخ والسا به نمایندگی از کمیته اعتصاب فراکارخانه‌ای گدانسک ـ که اکنون ۳۷۰ کمیته اعتصاب با حدود ۴۰۰ هزار کارگر را در بر می‌گرفت و عملا نماینده طبقه کارگر لهستان محسوب می‌شد ـ یک موافقت‌نامه ۲۱ ماده‌ای به امضاء رساندند که در آن آزادی اعتصاب، برپایی اتحادیه‌های مستقل و آزادی بیان و قلم به‌رسمیت شناخته شد.(۱۱)

بخشی از مواد این قرارداد به شرح زیر بود:

"فعالیت اتحادیه‌ها در لهستان، خواستها و آرزوهای کارگران را برآورده نکرده است. ایجاد اتحادیه‌های خودگردان جدید که نماینده واقعی طبقه کارگر باشند مفید به‌نظر می‌رسد... اتحادیه‌های جدید از منافع اجتماعی و مادی کارگران دفاع می‌کنند..."(از ماده یک)

www.iran-archive.com

"اتحادیه‌های جدید باید این امکان را داشته باشند که در تصمیم گیریهای مهم مربوط به شرایط زندگی کارگران در زمینه‌های زیر دخالت کنند: اصول توزیع درآمد ملی... توزیع ذخیره مصرفی اجتماعی... اصول اساسی تعیین و برنامه‌ریزی سیاست دستمزدها، بویژه در زمینه افزایش اتوماتیک دستمزدها به تناسب تورم، برنامه درازمدت اقتصادی، برنامه‌ریزی سیاست سرمایه‌گذاری‌ها و تعدیل قیمت‌ها." (از ماده یک)

"در قانون تازه سندیکاها حق اعتصاب کارگران تضمین خواهد شد... مواد ۵۲، ۶۴و ۶۵ قانون فعلی کار((که اعتصاب را ممنوع می‌کنند)) تا زمان تصویب قانون تازه غیرقابل اجرا است. دولت امنیت شخصی و شغلی اعتصاب‌گران و کمک‌کنندگان به آنان را تضمین می‌کند." (ماده ۲)

"احترام به آزادی بیان و نشریات، مصرح در قانون اساسی لهستان، و در نتیجه عدم تعرض به نشریات مستقل و تأمین دسترسی همه مذاهب به وسایل ارتباط جمعی... فعالیت رادیو و تلویزیون، مطبوعات و سازمانهای انتشاراتی باید در خدمت بیان افکار، نقطه‌نظرها و عقاید گوناگون باشد..." (ماده ۳)

"الف) احقاق حقوق اشخاص اخراج شده پس از اعتصابات ۱۹۷۰ و ۱۹۷۶، دانشجویان طرد شده از آموزش عالی بدلیل اعتقاداتشان؛
ب) آزادی کلیه زندانیان سیاسی؛
پ) پایان‌دادن به سرکوب عقاید" (ماده۴) (۱۲)

امضای این قرارداد شروع فاز جدیدی بود. یرزی هولزر نویسنده لهستانی کتاب "همبستگی_تاریخ یک اتحادیه آزاد در لهستان" تذکر می‌دهد که درباره رویدادهای هفته‌های پس از قرارداد ۳۱ اوت اطلاعات بالنسبه کمی به‌جای مانده‌است. زیرا از یک طرف مطبوعات رسمی درباره پروسه سازمانیابی اتحادیه همبستگی به طور ناقص و مختصر توضیح می‌دادند و از طرف دیگر "همبستگی" هنوز دارای نشریه نبود.

با اینحال نویسنده مذکور در صفحات ۱۳۶-۱۳۵ کتابش اطلاعات زیر را در اختیار ماقرار می‌دهد:

در تمام مناطقی که قبل از امضای قرارداد ۳۱ اوت اعتصاب شده‌بود، اکنون کمیته‌های اعتصاب دست اندرکار سازماندهی اتحادیه‌های جدید بودند. در سایر شهرها، کارخانه‌های صنعتی بزرگ و کارکنان موسسات مربوط به عبور و مرور ابتکار عمل را به دست گرفتند.

در قرارداد ۳۱ اوت ابهاماتی وجود داشت و ادارات دولتی با سوءاستفاده از این ابهامات چنین وانمود می‌کردند که گویا حق تشکیل اتحادیه‌های جدید تنها مربوط به مناطق گذانسک، شچسین و یاسترزبی می‌شد و نه تمام کشور. سرانجام در ۱۱ سپتامبر ۱۹۸۰ قرارداد جدیدی بین نمایندگان دولت و کمیته کارگری فراکارخانه‌ای واقع در کاتوویتس امضاء شد. بدین ترتیب ابهامات قرارداد ۳۱ اوت برطرف و مفاد آن برای کل کشور به‌رسمیت شناخته شد.

پس از امضای قرارداد ۳۱ اوت کمیته فراکارخانه‌ای گذانسک و سایر کمیته‌ها به سرعت به کمیته‌های بنیانگذار اتحادیه‌های جدید تغییر یافتند.

روز ۴ سپتامبر نمایندگان تعدادی از کارخانه‌های ورشو در کارخانه تراکتورسازی اورسوس گرد آمدند و تأسیس اتحادیه خودگردان مستقل منطقه مازوشه را به تصویب رساندند. روز بعد در اتحادیه مازوشه کمیته موسس فراکارخانه‌ای بوجود آمد که نقش یک هیئت رئیسه موقت داشت. ریاست این کمیته را زبیگنیف بویاک به‌عهده گرفت. کمیته‌های موسس فراکارخانه‌ای در لودز، لوبلین و پوزنان نیز به ترتیب در روزهای ۵، ۱۰ و۱۱ سپتامبر بوجود آمدند.

روز ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ اولین گردهم‌آیی موسس اتحادیه همبستگی تشکیل شد. در این اجتماع نمایندگان کمیته‌های موسس فراکارخانه‌ای، کمیته‌های کارگری فراکارخانه‌ای و کمیسیون‌های کارگری فراکارخانه‌ای بیش از ۳۰ منطقه و همچنین نمایندگان اتحادیه خودگردان علم، تکنیک و آموزش، در گذانسک حضور یافتند. آنها در باره فعالیت‌های مربوط به ایجاد اتحادیه‌های جدید در منطقه‌شان گزارش دادند. اکثر آنان متذکر شدند که اتحادیه‌های جدید تمامی کارخانه‌های مهمتر را دربرمی‌گیرند و کارگران به‌صورت توده‌وار مایل به‌ورود به اتحادیه‌ها هستند. طبق گزارشات آنان تا آن تاریخ، ۷۰ درصد شاغلین در ورکلاو و ۸۰ درصد شاغلین بیتوم در اتحادیه‌ها وارد شده‌بودند. طبق اطلاعات موجود در گذانسک، تا آن زمان بیش از ۳میلیون تن از حدود ۳۵۰۰ موسسه، به اتحادیه‌های جدید پیوسته بودند.

نظر عمومی نمایندگان حاکی از آن‌بود که در مناطقی که اعتصاب نشده بود، کارگران از نظر ذهنی آمادگی کمتری برای ورود به اتحادیه‌ها داشتند.

حاضرین در گردهم‌آیی ۱۷ سپتامبر در پاسخ به تبلیغات دولت مبنی بر تلاش عناصر ضد سوسیالیست برای نفوذ در اتحادیه‌های خودگردان اعلام کردند که آنان از این امر بی‌اطلاعند و "هیچ نوع نیروی ضدسوسیالیستی، اکنون یا هر زمان دیگری، کوشش کرده‌باشد جنبش مستقل اتحادیه‌ای مسلط شود" آنان تضمین کردند که: "به نام استقلال ما به هیچگونه سازمانهای سیاسی اجتماعی نخواهیم پیوست یا از آنان اطاعت نخواهیم کرد، و به‌نام استقلال ما در حق هیچکس که بخواهد فعالیت اتحادیه‌ای بکند یا به این امر یاری رساند، تبعیض قائل نخواهیم شد".

مهمترین تصمیم گردهم‌آیی ۱۷ سپتامبر مربوط به‌شکل تشکیلاتی اتحادیه جدید بود. در گردهم‌آیی مذکور تصمیم گرفته شد یک اتحادیه واحد

کل کشور بوجود آید، این اتحادیه "همبستگی" نام نهاده شد. قرارشد ساخت تشکیلاتی همبستگی نه بر مبنای رشته‌های صنعتی بلکه بر مبنای مناطق باشد. هر منطقه از خودمختاری برخوردار بوده و مرکزیت اتحادیه نقش هماهنگ کننده داشته باشد.

همچنین کمیسیونی به‌نام کمیسیون هماهنگ‌کننده به‌منظور تأسیس اتحادیه خودگردان مستقل همبستگی و به رهبری لخ والسا انتخاب شد.

تعدادی از اعضای سرشناس کمیته هماهنگی که مقر آن در گدانسک بود، عبارت بودند از: آندره‌ی گویازدا، بوگدان لیس، یورچیک اسلویک، زبیگنیف بویاک، کوسموفسکی، آنتونی کوپاچفسکی و آندره‌ی روزپلوشوفسکی.

از ۱۲ فوریه ۱۹۸۱، کمیسیون هماهنگی یک هیئت رئیسه موقت را فراخواند. ریاست این نهاد با لخ والسا بود و معاونت آن را آندره‌ی گویازدا و ریشارد کالینوفسکی بعهده داشتند. اعضای دیگر آن عبارت بودند از: زبیگنیف بویاک، تادئوش یدیناک، یان بولفسکی، آندره‌ی اسلویک و استانیسلاو وادولوفسکی. به‌علاوه منشی هیئت رئیسه به‌نام آندره‌ی سلینسکی و سخنگوی مطبوعاتی همبستگی به‌نام کارل مودزلفسکی نیز بدون حق رأی در جلسات آن شرکت می‌کردند.

پس از کنگره همبستگی در سپتامبر ۱۹۸۱، طبق اساسنامه اتحادیه، کمیسیون ملی انتخاب شد و در رأس همبستگی قرار گرفت که ریاست آن را لخ والسا به عهده داشت.

کمیسیون هماهنگی از سپتامبر ۱۹۸۰ به‌بعد رفته‌رفته از قدرت بیشتری برخوردار شد و تا کنگره، عملا نقش بالاترین ارگان اتحادیه همبستگی را ایفاء کرد.

بدین ترتیب در مدت دوماه‌ونیم یک اتحادیه سراسری با چند میلیون عضو بوجود آمد. در ابتدای این پروسه خواسته‌های اعتصابات عموما اقتصادی بود، سازماندهی مبارزات در سطح کارخانه‌های منفرد بود و در بهترین حالت کمیته‌های اعتصاب در این یا آن کارخانه تشکیل می‌شدند. سپس کارگران گدانسک اولین کمیته فراکارخانه‌ای را تشکیل دادند و خواسته‌های ۲۱گانه‌ای را تدوین کردند. این امر سرآغازی بود برای تشکیل کمیته‌های فراکارخانه‌ای در مناطق مختلف و ایجاد ارتباط بین کارگران کارخانه‌های مختلف با یکدیگر. گام بعدی تماس‌های نزدیک و تاحدودی هماهنگی مبارزات کمیته‌های فراکارخانه‌ای بود. در این بین منطقه گدانسک ،که دارای رهبران شناخته شده‌تر و درجه بالایی از سازماندهی بود، جایگاه ویژه‌ای داشت. و بالاخره با هماهنگی و ارتباطات نزدیک‌تر اعتصابیون مناطق مختلف کشور، ترتیب برگزاری گردهم‌آیی موسس اتحادیه همبستگی در روز ۱۷ سپتامبر داده شد.

این واقعیت که اتحادیه همبستگی ظرف مدت بسیار کوتاهی تشکیل شد، نشانه درجه بالایی از قابلیت سازمانیابی کارگران بود. کارگران لهستان در طول مبارزات دهها ساله‌شان به‌خوبی درک کرده‌بودند که اگر می‌خواهند در مقابل دولت مقتدر و سرکوبگر لهستان شانسی داشته باشند، باید به‌سرعت و در ابعاد میلیونی متشکل شوند. مبارزه آنان ـ از همان ابتدا ـ مبارزه‌ای علیه سیاست‌های دولت، به عنوان کارفرمای کل، بود. دشمن همگی آنان یک کارفرمای واحد بود و طبعا این امر بهترین زمینه عینی برای متشکل شدن کارگران مناطق مختلف را فراهم می‌کرد. ضمن اینکه تجربه مبارزات سالهای ۷۱-۱۹۷۰ و ۱۹۷۶ هنوز در اذهان کارگران زنده‌بود و در آن مبارزات نیز یکی از خواسته‌های کارگران حق تشکیل اتحادیه‌های مستقل بود. (۱۳) سنت تشکیل کمیته‌های اعتصاب و کمیته‌های کارگری از همان مبارزات سال ۱۹۷۰ وجود داشت.(۱۴)

و بالاخره همانطور که قبلا اشاره شد، فعالیت کمیته‌های موسس اتحادیه‌های آزاد در سالهای ۸۰-۱۹۷۸ و روابطی که رهبران کارگران در داخل این کمیته‌ها با یکدیگر ایجاد کرده‌بودند، تأثیر مهمی در بوجود آمدن اتحادیه همبستگی در ظرف یک مدت کوتاه داشت.

یادداشت ها:

۶- اطلاعات تاریخی این بخش ـ جز در موارد ذکر شده ـ از صفحات ۱۱۰تا۱۶۱ کتاب زیر اقتباس شده است:

Jerzy Holzer, "Solidarität" _ Die Geschichte einer freien Gewerkschaft in Polen, München, 1985

۷- لخ والسا در سال ۱۹۷۶ از کارخانه کشتی سازی لنین اخراج شده‌بود.

۸- در صفحات ۱۹۱تا۱۹۷ کتاب زیر در مورد حوادث ۱۶ اوت در کشتی سازی گدانسک توضیحاتی داده شده است:

لخ والسا ـ راه امید، ترجمه دکتر عباس آگاهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول: ۱۳۶۹

۹- به نقل از:

ـ فرهنگ قاسمی، سیمای دیگر انقلاب ـ خودگردانی در لهستان، انتشارات ایران، شماره ۷، پاریس، ۱۹۸۲، صفحات۳۸_۳۶

ـ راه امید، صفحات ۲۱۵_۲۱۳

Jerzy Holzer, "Solidarität" _ Die Geschichte ..., S. 115

۱۰- ذکر این نکته بی فایده نیست که در انقلاب ایران ـ تا مقطع سرنگونی شاه ـ مطالبات و خواسته هایی که بتواند توده کارگران را به‌عنوان یک طبقه و در مقیاس کل کشور وحدت ببخشد و بسیج نماید، غایب بود و از این لحاظ جنبش کارگری ایران از جنبش کارگری لهستان که حدود دو سال پس از آن در جریان بود، عقب‌تر بود.

مطالبات کارگران ایران تا قیام بهمن ۵۷ را از نظر محتوی می‌توان به دودسته اصلی تقسیم کرد: یک دسته، خواسته‌های عمومی علیه رژیم سلطنتی. خواسته هایی نظیر الغای حکومت نظامی، انحلال ساواک، آزادی زندانیان

www.iran-archive.com

سیاسی، آزادی مطبوعات و اجتماعات و... دسته دیگر مطالباتی که غالبا در سطح کارخانه‌های منفرد مطرح می‌شدند. نظیر افزایش دستمزد، حق مسکن، پرداخت سود ویژه، برکناری نماینده قلابی کارگران در کارخانه، جلوگیری از ایجاد محیط نظامی در کارخانه و...

اما در جنبش کارگری ایران جای خواسته‌هایی نظیر درج اخبار مبارزات کارگری در مطبوعات، به‌رسمیت شناختن حق ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری در سطح کشور، تضمین حق اعتصاب برای همه کارگران، پایین آوردن سن بازنشستگی همه کارکنان و ... خالی بود.

۱۱- دانیل سینگر در مورد جوی که قرارداد ۳۱ اوت ۱۹۸۰ در آن امضاء شد، می نویسد:

"باید متذکر گردید که این مراسم در محیطی که اصولا ویژه مراسم دیپلماتیک است، انجام نگردید. بلکه در کارخانه کشتی سازی لنین جریان داشت، و آنچه در محوطه کارخانه می گذشت، از طریق بلندگو به اطلاع هزاران کارگری که در بیرون کارخانه اجتماع کرده بودند می‌رسید." پل.م. سوئیزی، دانیل سینگر، پیتر کریین، ساخت اقتصادی و جنبش کارگری لهستان، ترجمه علی مازندرانی، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۶۱، صفحه ۱۸۳.

۱۲- به نقل از:

الف. شعبان، س. حسامی، اعتصابات کارگری در لهستان(۴)- جنبش کنونی و چشم انداز آینده، رهایی شماره ۶۵، مورخ ۵۹/۱۲/۷

۱۳- به عنوان مثال کمیته‌های اعتصاب کشتی سازی در شچسین در دسامبر ۱۹۷۰، ۲۱ خواسته اعتصابیون را تدوین کردند. دو تا از خواسته‌های مهم آنان انحلال شورای مرکزی اتحادیه‌های رسمی و همچنین ایجاد اتحادیه‌های مستقل بود.(راه امید، ص ۱۱۲)

۱۴- در سال ۱۹۷۱ کمیته‌های اعتصاب گدانسک و شچسین که پس از خاتمه اعتصاب به کمیته‌های کارگری تغییر یافته بودند، قدرت و نفوذ خود را در این مناطق و مناطق اطراف حفظ کردند و بر انتخاب نمایندگان کارگران نظارت نمودند. کمیته‌های کارگران میتینگ‌های متعددی در کارخانجات مناطق بالتیک بر پا کردند و بر انتخاب اتحادیه‌های کارگران در کارخانجات کشتی سازی نظارت کردند. (ساخت اقتصادی و جنبش کارگری لهستان- صفحات ۲۹-۲۸).

لخ والسا در باره فعالیت کمیسیون کارگری در کشتی سازی گدانسک در اوایل سال ۱۹۷۱ می نویسد:

"بعد از ماه دسامبر، ما یک کمیسیون کارگری تشکیل دادیم که موظف بود، از جمله، به مسئله اخراج‌های غیرقابل توجیه یا غیرقانونی بپردازد. ما موفق شدیم سه میتینگ در کارگاه‌های کشتی سازی تشکیل دهیم که جنبه اعتراض علیه وضعیت اقتصادی به خود گرفتند. ما در جلوی دفاتر مدیریت تجمع می کردیم و در ین تجمعها کارگرانی خشن و کثیف با لباس‌های کار ضخیم خود و نقاش‌ها با لباس‌های کار پر لکه از مینیم Minium حضور داشتند و این امر تاثیر زیادی می گذاشت. مدیریت بیشتر از میتینگ‌های برگزار شده در محل تحت تاثیر قرار گرفت تا از رخدادهای ماه دسامبر!" (راه امید - ص ۱۲۳)

اخبار

۶۹ هزار اماکن تبلیغات و فعالیتهای مذهبی در ایران

بنا به گزارش مرکز آمار ایران نتایج طرح آمارگیری از اماکن تبلیغات مذهبی نشان میدهد که در سال ۱۳۶۸ حدود ۶۹ هزار مکان مذهبی در کل کشور مشغول فعالیت هستند، که از این تعداد ۷۷/۳٪(۵۳۳۳۷ مکان) مربوط به مساجد، ۱۱/۲ درصد(۷۷۲۸ مکان) مربوط به حسینیه ها و تکیه های ثابت ، ۱۰ درصد (۶۹۰۰ مکان) مربوط به امامزاده ها و زیارتگاهها و ۱/۵ درصد (۱۰۳۵ مکان) مربوط به سایر اماکن مذهبی بوده اند.

قانون لغو بیمه فرزندان چهارم به بعد به مورد اجرا در می آید

به گزارش روزنامه سلام (۱۴ اسفند ۷۲) از اول اردیبهشت ۷۳، کلیه بیمه شدگان تامین اجتماعی و خدمات درمانی اگر صاحب فرزند چهارم و یا بیشتر شوند بایستی حق بیمه ای جداگانه و براساس تعرفه دیگری بپردازند.

برای هر محصل گیلانی فقط ۸ میلیمتر فضای فرهنگی وجود دارد.

مدیر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان گیلان گفت : با توجه به ۷۰۰ هزار دانش آموز این استان به هر نفر فقط ۸ میلیمتر فضای فرهنگی تعلق می گیرد. به گزارش روزنامه سلام (۱۷ اسفند ۷۲) مدیر کانون تصریح نمود: کل کتابهای موجود در ۱۶ مرکز این کانون ۱۴۷ هزار و ۶۴۳ جلد است که به این ترتیب به هر نفر دودهم جلد می رسد.

بنگلادش

در پی تصمیمات دولت بنگلادش مبنی بر صرفه جوئی های اقتصادی که گویا با توصیهٔ بانک جهانی صورت می گیرد، ۲۰ هزار کارگر از صنایع مختلف اخراج می شوند. در سال گذشته نیز ۲۰ هزار کارگر و کارمند از سازمانهای صنایع کنف ، توسعهٔ کشاورزی و راه آهن دولتی اخراج شدند. تعداد بیکاران این کشور، اکنون از مرز ۱۵ میلیون نفر گذشته است.

www.iran-archive.com

نمایشگاه آثار یک هنرمند (تقدیر از کارگران جهان)

از تاریخ ۱۳ دسامبر ۹۳ تا ۱۳ فوریه ۹۴ نمایشگاهی از آثار هنرمند و عکاس برزیلی بنام سباستیوسالگادو بمدت دو ماه در شهر لندن برگزار شد. عنوان این نمایشگاه عکس «کارگران» بود. در طی این مدت صدها هزار نفر از علاقمندان به هنر عکاسی از آن دیدن کردند. سباستیو سالگادو با چشمان تیزبین و جستجوگر خود با استفاده از عدسی دوربین عکاسی توانسته است موقعیت ، محیط زیست ، زندگی روزمره و از همه مهمتر ستم طبقاتی کارگران سراسر جهان را به بهترین شکل هنرمندانه ، به معرض تماشای علاقمندان بگذارد.

هر بیننده ای که کوچکترین لحظه ای بر روی آثار او خیره شود براحتی وضعیت مشابه کارگران زن و مرد سراسر جهان از برزیلی و کویائی گرفته تا هندی و بنگلادشی، از کویتی و آمریکائی گرفته تا روس و آذری را در تصویرهای گویای او مشاهده می کند. هزاران کارگر معادن روباز برزیلی که چون مورچگان در لابلای خاک و گل بکار مشغول هستند همانقدر بر روی انسان تاثیر می گذارند که مشاهده کارگر زن هندی که در گرمای طاقت فرسای هند با دستی کودکی را مواظبت می کند و با دست دیگر آجری را ساختن.

سباستیو سالگادو یکی از مشهورترین خبرنگاران عکاس معاصر جهان است. او با استفاده از هنر عکاسی می کوشد که زندگی واقعی مردم زحمتکش جهان را به شکل هنری عرضه کند. زندگی کسانی که با همه مشکلات و ستمی که متحمل می شوند احترام و تحسین او را بر می انگیزند. سالگادو ۵۰ سال دارد و در برزیل متولد شده است. او تحصیلاتش را در اقتصاد تمام کرده است و از جوانی به سیاست روی آورده است و بخاطر رادیکالیزمی که در او وجود داشت به صف مخالفان حکومت نظامی برزیل پیوست و در اواخر دهه شصت از کشورش فرار کرد و به فرانسه پناهنده شد. از آن تاریخ تاکنون او پیوسته کوشیده است که وضعیت طبقه کارگر و زحمتکشان جهان بویژه وضعیت کارگران و مردم کشورهای فقیر را در عکسهایش بیان کند. او می گوید: جهان در همه جا در حال تغییر است و وارد دورهٔ جدیدی از انقلاب صنعتی نوین شده است. طبقه کارگر سنتی آنقدر برای نسل من مهم و حیاتی است که این کتاب و نمایشگاه (اشاره اش به نمایشگاه عکس «کارگران» است) علاوه بر قدردانی از آنان ، تصویری است از کاری که می کنند، کاری طاقت فرسا و غیر انسانی که منجر به سرکوب و تحقیر دائمی آنها می شود. من سرسختانه می کوشم که بحث و جدلی را بر سر وضعیت طبقه کارگر ، بویژه طبقه کارگر کشورهای عقب نگه داشته شده دامن بزنم .

او در ادامه می افزاید:

«. . . میلیون ها نفر از پرولتاریا هر روزه مشاهده و تجربه می کنند که نتیجه کار و زحمت آنها به سمت کشورهای ثروتمند سرازیر می شود. کاری که ارزان خریده می شود و در بازاری که بوسیله همان ثروتمندان اداره می شود به شکل نابرابر معامله می گردد. به این مسئله باید برخورد کرد. بهمین دلیل من با عکسهایم می خواهم با دیگران ارتباط برقرار کنم .»

سباستیو سالگادو از سوی دیگر به مسئله مهاجرت کارگران سراسر جهان برای یافتن کار نیز میپردازد. او می گوید:

WORKERS

AN ARCHAEOLOGY OF THE INDUSTRIAL AGE

«عملیات کویر جهنمی» چاه نفت درکویت

کارگران قالی‌بافی یکی از محروم‌ترین اقشار طبقه کارگر ایران

کارگران قالی بافی یکی از محرومترین اقشار طبقهٔ کارگر ایران و در عین حال فراموش شده ترین بخش آن هستند. آنان از هیچ گونه حقوقی برخوردار نیستند. در میان این بخش از کارگران حتی از بیمه های تامین اجتماعی خبری نیست و تحت پوشش هیچ قانونی ، حتی به شکل صوری آن نیز قرار ندارند. بخش اصلی نیروهای کار این رشته را زنان و کودکانی تشکیل می دهند که یا در خانه های خود و یا در کارگاههای نمور و بدون کوچکترین امکانات بهداشتی و رفاهی مشغول کارند. ساعات کار نیز اغلب طولانی است و به بیش از ۱۲ ساعت در روز می رسد.

در سطح کشور و تنها تحت پوشش جهاد سازندگی ۱۱۵ تعاونی فرش با ۴۰۰ هزار بافنده در قالب ۲۰۰ هزار دار قالی وجود دارد که قرار است طی برنامهٔ دوم اقتصادی به ۷۰۰ هزار نفر افزایش یابد . در استان آذربایجان ۱۲۰ هزار دار قالی فعال وجود دارد که بیش از ۸۰ هزار بافنده را تحت پوشش قرار داده است. در استان چهارمحال و بختیاری بیش از ۷۰ هزار تن در رشتهٔ قالی بافی مشغول بکار هستند و در اراک بیش از ۲۸۰۰۰ بافنده تنها در پوشش «تعاونی بافندگی فرش دستباف » فعالیت می کنند و در این استان سالانه بیش از ۱۶۸ هزار متر مربع فرش تولید می شود. درصد بالایی از مجموع فرشهای تولید شده توسط کارگاه ها و تعاونی های مختلف صادراتی است و به کشورهای اروپایی و بعضی کشورهای آسیایی صادر می شود. قیمت هر متر مربع فرش به ترتیب : فرش کرکی متر مربع ۳۷ هزار تومان ، فرش ابریشمی متر مربع ۷۰ هزار تومان می باشد. در ۹ ماهه سال جاری صادرات فرش ۳۷ درصد کل صادرات غیر نفتی کشور را به خود اختصاص داده است و بدین ترتیب دولت و سرمایه داران ریز و درشت بیش از ۱۵۰ میلیون دلار از طریق استثمار شدید و بی محابای کارگران ، به جیب زده اند و فقط بخش بسیار ناچیزی از این درآمدهای کلان به عنوان دستمزد به کارگران تعلق می گیرد. کارگران قالی باف با حداقل روزانه ۸ ساعت کار و اغلب بیش از ۱۲ ساعت ، فقط ۳۰۰ تومان دستمزد دریافت می کنند و از هر گونه تسهیلات ، از جمله بیمهٔ تامین اجتماعی و حتی از حداقل امکاناتی که سایر بخشهای طبقه کارگر هر چند ضعیف از آن برخوردارند، محروم می باشند. این بی حقوقی مطلق و استثمار وحشیانه در حالی جریان دارد که سود ناشی از استثمار و غارت این بخش از طبقهٔ کارگر، بنا به اظهارات مصطفی هاشمی معاون وزارت بازرگانی و رئیس مرکز توسعهٔ صادرات ، نسبت به مواد اولیه آن حدود ۹۰۰ درصد می باشد. او می گوید: «ارزش افزونهٔ صادرات سنتی بسیار بالاست ، به طوری که ارزش افزوده فرش نسبت به مواد اولیهٔ آن حدود ۹۰۰ درصد است».

به نقل ازبولتن خبری
کارگر تبعیدی شماره ۴

بقیه :

انگلستان را ببینید . پر است از کارگرانی که از هندوپاکستان و جزایر کارائیب برای پیدا کردن کار آمده اند. کاری که توسط بازار سرمایه داران دیکته می شود. آنها راه برگشتی ندارند چرا که نه تنها پولی برای خرید بلیط ندارند بلکه هیچ امیدی برای پیدا کردن کار در سرزمین های خود ندارند. ما باید ساختار اجتماعی را چنان بسازیم که انسان ها بتوانند در چارچوب فرهنگی و اجتماعی خود از نظر اقتصادی تامین باشند و نه همانند کالاهای تجاری به چهارگوشه دنیا برای استثمار فرستاده شوند.

سباستیو سالگادو معتقد است که : تنها چند دیوار کوتاه در مقابل فرهنگ ، زبان و نژاد وجود دارد. این دیوارها چند سال عمر دارند؟ بشر تقریبا ۶ هزار سال تاریخ مدون دارد که در آن بسیاری از فرهنگهای ملل گذشته با دیگران مخلوط و حل شده است و چیزی را ساخته که هم اکنون بدان فرهنگ ژاپنی ، و یا فرهنگ انگلیسی و یا . . . می گوئیم. من امیدوارم که حداکثر تا دویست سال دیگر کل بشریت با یک زبان صحبت کند، متعلق به یک نژاد باشد و از همه چیز مهمتر از شر تمام اقسام ستم و استثمار رها شود.

مترجم ــ الف از لندن

www.iran-archive.com

اخبار کارگری ایران

اعلام میزان دستمزدها در سال جدید و سطح زندگی کارگران

پس از بحث و جدلهای جناحهای حکومت جمهوری اسلامی بر سر مسئله دستمزد سرانجام شورایعالی کار در روز سه شنبه ۲۲ بهمن میزان دستمزد کارگران در سال ۱۳۷۳ را اعلام کرد.

براساس مصوبهٔ شورایعالی کار حداقل دستمزد کارگران از ۲۹۹۲ ریال در سال ۱۳۷۲ به ۳۸۹۴ ریال در سال ۱۳۷۳ و حق سنوات نیز از ۶۰ ریال در سال گذشته به ۸۰ ریال در سال جدید افزایش یافت . میزان و چگونگی پرداخت دستمزدها هر سال به وسیلهٔ دولت (شورایعالی کار) و بر اساس قانون کار (ماده ۴۱) تعیین می گردد. به دلیل ماهیت سرکوبگرانه دولت مذهبی سرمایه داران ایران و عدم وجود حق اعتصاب و تشکل ، کارگران قادر به دخالت در تعیین سطح دستمزدها نیستند.

امسال نیز میزان دستمزدها در شرایطی تعیین شد که بنا بر آمارهای منتشر شده از سوی بانک مرکزی نرخ تورم طی دوسال گذشته ۴۵ درصد و هزینهٔ متوسط یک خانوادهٔ شهری در سال ۱۳۷۱ بالغ بر ۳۷۹ هزار و ۵۷۵ تومان بوده است.

به عبارت دیگر بنا به آمار فوق یک خانوار کارگری برای این که درآمد خود را با هزینه ها در سال ۱۳۷۱ هماهنگ نماید، می بایست ماهیانه بیش از ۳۰ هزار تومان در آمد می داشت .

شوراهای اسلامی کار که با حذف شدن از حاکمیت سیاسی موجودیت خود را در خطر یافته اند و «نیاز مبرمی» به خارج شدن از انزوا در محیط کارخانجات دارند درخواست افزایش صد درصد دستمزدها را کردند. اما جناح حاکم با آگاهی بر اهداف تبلیغاتی شوراهای اسلامی بی توجه به تقاضای «دوستانه » آنها تنها ۲۲/۸ درصد به سطح دستمزدها افزودند.

با توجه به سیاستهای اقتصادی اخیر دولت و برچیده شدن بسیاری از سوبسیدها و کلا عمیق تر شدن بحران سرمایه داری در ایران حتی چنانچه این درخواست شوراهای اسلامی نیز تحقق می یافت ، باز هم دستمزدها از آمار اعلام شده بانک مرکزی برای متوسط هزینهٔ زندگی کمتر می شد.

بنا بر محاسبات برخی مسئولین جمهوری اسلامی و خانهٔ کارگر بر مبنای ارقام اعلام شده در بارهٔ تورم و هزینهٔ متوسط زندگی، علیرغم افزایش اسمی حقوقها طی چند سال اخیر قدرت خرید کارگران در مقایسه با سال ۱۳۵۸ به حدود نصف کاهش یافته است. اما نگاهی به سطح قیمتهای برخی از کالاها در این سالها نشان می دهد که این کاهش قدرت خرید به مراتب بیشتر از رقمی است که اکنون سردمداران حکومتی اعلام می کنند.

به نقل ازبولتن خبری
کارگرتبعیدی ـ شماره۴

تشکیل انجمنهای صنفی بوسیله خانه کارگر

خانه کارگر جمهوری اسلامی ایران طی ماههای اخیر اقدام به تشکیل انجمن های صنفی مختلف کرده است. دبیران و مسئولین شاخه های مختلف خانه کارگر در تهران و شهرستانها طی ماههای اخیر با انتخاب و معرفی هیئت های موسس انجمن های صنفی اصناف مختلف از طریق ارسال نامه و اطلاعیه و نشر آنها در مطبوعات از کارگران هر صنف دعوت به شرکت در مجمع عمومی صنف مربوطه می نمایند و سپس افرادی را که برای هیئتهای مدیره و بازرسی انجمن صنفی در نظر گرفته اند معرفی می نمایند. (تاکنون در تهران هیئتهای موسس و بازرسان انجمنهای صنفی زیرتشکیل شده است :

۱ـ مناطق بیستگانه شهر تهران
۲ـ صنعت چاپ
۳ـ کارگران کفاش
۴ـ کارگران ساختمانی و نقاشان ساختمانی
۵ـ خبازان
۶ـ میادین میوه وتره بار
۷ـ جایگاههای پمپ بنزین

در شهرستانها نیز این روند ادامه دارد و در خراسان مجمع مشترک انجمن های صنفی (سه صنف) برگزار شده است . با توجه به اینکه انتخاب و معرفی اعضاء هیئتهای موسس ، هیئت مدیره و بازرسان بطور کامل بوسیله خانه کارگر و تحت کنترل این ارگان صورت می گیرد تاکنون مشخص نشده است که آیا از کاندیداهای داوطلب انجمن های صنفی همانند شوراهای اسلامی امتحان عقیدتی بعمل می آیدو یا نه ؟

www.iran-archive.com

بیکاری ، دلیل عمدهٔ خودکشی در استان لرستان

خرم آباد_ خبرنگار زن روز: به دلیل نبود اشتغال ، خودکشی در سطح استان لرستان افزایش یافته است. سرهنگ محمد حسن احمدی فرمانده نیروی انتظامی ناحیه لرستان در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی ضمن اعلام خبر فوق افزود:

_ در ۹ ماهه گذشته سال جاری در لرستان ۵۴ نفر خودسوزی و ۵۷ نفر خودکشی کرده اند. وی با تاکید بر این مطلب که طی سه ماهه پاییز آمار اینگونه قربانیان در استان نسبت به مدت مشابه سال گذشته در مواردی افزایش یافته است ، گفت :

_ در مدت مشابه سال ۷۱ تعداد ۵۷ نفر خودکشی و ۴۸ نفر خودسوزی کردند که مجموع آنها به ۱۰۵ نفر رسید.

اعتراض کارگران آتش نشانی به تعویق پرداخت دستمزدهایشان

مدت سه ماه است که حقوق کارگران آتش نشانی تهران به بهانه نبود بودجه و . . . با تاخیر بسیارزیاد پرداخت می شود. کارگران آتش نشانی با تهیهٔ نامه های اعتراضی و ارسال آن به مقامات و مراکز دولتی نسبت به تاخیر در پرداخت حقوق خود اعتراض کردند.

تاخیر در پرداخت دستمزد کارگران شهرداری

کارگران شهرداری منطقه ۱۶ تهران چند ماهی است که حقوق خود را با تاخیر ۱۰ تا ۱۵ روزه دریافت می کنند. این کارگران ضمن تجمع در محل شهرداری به این امر اعتراض می کنند و شهرداری نیز اعلام می دارد که فعلا بودجه ندارد و این تاخیرها به دلیل کمبود بودجه می باشد.

اعتراض ساکنین شهرک شهرداری

ساکنین شهرک (کارکنان شهرداری) واقع در اتوبان کرج مقابل «پیکان شهر» ، آب لوله کشی ندارند و ناگزیرند که از آب غیر بهداشتی و آهک دار چاه استفاده کنند. ساکنین این شهرک با ارسال طومار و مراجعات حضوری به سازمان آب نسبت به اوضاع اسف بار خود اعتراض کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات خودشدند.

پرداخت حقوق کارگران در استان ایلام به تعویق افتاده است

بنا به اظهار معاون اداره کل صنایع استان ایلام از مجموع ۱۵۶ واحد تولیدی در ایلام بیش از ۸۰ درصد آنها پرداخت حقوق کارگران خود را به تعویق انداخته اند و یا برخی از آنها حقوقها را با تاخیر زیاد پرداخت می کنند. معاون اداره کل صنایع استان ایلام ضمن اعلام این خبر گفت که علت این امر کمبود نقدینگی و مشکل فروش محصولات می باشد.

اخاذی سازمان تامین اجتماعی در لرستان و اعتراضات کارگری

بدلیل عدم پرداخت حق بیمه از طرف کارفرمایان استان لرستان سازمان تامین اجتماعی این استان ضمن خودداری از تمدید دفترچه های بیمه کارگران مبالغی نیز از آنان مطالبه کرده است. در حالیکه طی مدت گذشته کارفرمایان حق بیمه را از حقوق کارگران کسر کرده بودند.

به همین دلیل طی ماه گذشته اعتراضات کارگری علیه سازمان تامین اجتماعی بالا گرفت. بدنبال آن شوراهای اسلامی نیز تلاش کردند تا ضمن اعلام محکومیت سازمان تامین اجتماعی از نارضایتی کارگران بهره برداری نمایند.

اعتراض کارگران کارخانهٔ ریسندگی نخ آذر به بیکارسازیها

کارخانه ریسندگی نخ آذر اصفهان مدت شش ماه است که تعطیل شده و حدود ۲۳۰ نفر از کارگران در کارخانه نیز بیکار شده اند. طی این مدت حقوق کارگران نیز پرداخت نشده است. کارگران نخ آذر ضمن جمع آوری امضاء و ارسال اعتراضی به ارگانهای مختلف دولتی و با مراجعه به مراکز این ارگانها و از جمله تجمع در اداره کار خواستار رسیدگی به وضعیت خودشدند اما تاکنون اقدامی در این جهت صورت نگرفته است.

بیش از نیمی از مردم استان لرستان در فقر مادی به سر می برند

محمدی زاده استاندار لرستان در جلسه شورای اداری این استان صریحا اعتراف کرد: «بیش از نیمی از مردم استان لرستان در فقر مادی به سر می برند.» این مطلب در روزنامه سلام (۱۴ اسفند ۷۲) به چاپ رسیده است.

www.iran-archive.com

تجمع اعتراضی کارگران پتروشیمی رازی جنوب

بدنبال تصمیم مدیریت کارخانه پتروشیمی رازی جنوب جهت بازنشسته کردن پیش از موعد تعدادی از کارگران کارخانه با هدف «تعدیل نیروی انسانی» و واگذاری کارها به پیمانکاران، کارگران پتروشیمی ضمن اجتماع و تهیه طومار اعتراضی و ارسال آن برای مسئولین دولتی علیه این اقدام دست به اعتراض زدند.

مدیریت کارخانه جهت به اجراء در آوردن طرح خود تلاش نمود تا عده‌ای از کارگران مشمول طرح را در ابتدا به مرخصی اجباری بفرستد. اما این عده از کارگران در مقابل تصمیم مدیریت مقاومت کرده و از پذیرفتن مرخصی خودداری می کنند. سپس نگهبانان کارخانه بدستور مدیریت از ورود کارگران به کارخانه جلوگیری می نمایند. در پی این اقدام مدیریت، کارگران در محیط کارخانه تجمع کرده و ضمن تهیه طومار اعتراضی و ارسال آن به مسئولین دولتی یک نامه اعتراضی نیز به سازمان تامین اجتماعی ارسال می نمایند.

دوسوم کارگران ایران از خدمات بهداشتی محرومند

طبق تحقیقات انجام شده و بنابر اظهارات مدیرکل بهداشت حرفه ای وزارت بهداشت تنها ۳۴ درصد کارگران ایران به حداقل تسهیلات بهداشتی دسترسی دارند.

میزان پاداش و عیدی کارگران و کارمندان اعلام شد

طبق تصمیم دولت میزان عیدی کارگران، معادل ۲ ماه حقوق آنان و میزان عیدی کارگران و کارمندان دولتی معادل یک ماه حقوق آنها اعلام شد. لازم به یادآوری است که میزان عیدی مستمری بگیران (بازنشسته ها) مشمول صندوق بازنشستگی سازمان تامین اجتماعی، برای متاهلین ۹۰۰۰ تومان و مجردها معادل ۷۰۰۰ تومان در نظر گرفته شده است. این در حالی است که در سال ۱۳۷۲ قیمت مایحتاج عمومی چندین برابر افزایش یافته است.

۸۰ درصد از کارگران کارگاه های بجنورد بیمه نیستند

بنا به اظهارات مسئول مرکز بهداشت بجنورد در این شهرستان بیش از ۱۲ هزار کارگاه کوچک و بزرگ وجود دارد که ۸۰ درصد از ۶۰ هزار کارگر مشغول به کار در این واحدها فاقد دفترچهٔ بیمه و محروم از هرگونه مزایای قانونی هستند. بنا به همین گزارش در این کارگاه ها از وسائل ایمنی و از جمله کفش ایمنی، لباس کار، کلاه ایمنی، عینک جوشکاری و . . . خبری نیست. به دلیل عدم رعایت نکات ایمنی در محیطهای کار اکثر کارگران این کارگاه ها به بیماریهای مفصلی، استخوانی، پوستی و بیماریهای تنفسی مبتلا شده اند. در این میان کارگران قالی باف در ردیف اول این بی حقوقی قرار دارند.

عدم پرداخت هزینه ناهار کارگران پست

مدت ۲ سال است که هزینه ناهار کارگران پست پرداخت نمی شود. بخشی ازاین کارگران با ارسال نامه های اعتراضی به مراکز دولتی خواستار رسیدگی به مشکل خود شدند.

آدینه/۸۸

روایت غمبار پیاده‌ها

چندی پیش، نامه‌ای به دفتر مجله رسیدکه بغض در گلوی آدمی می‌نشاند. نامه کوتاه و مختصر و خصوصی بود، اما دردی عمومی را نیز مطرح می‌کرد.

«دختری هستم در مرز سی و دوسالگی، قیافه‌ام معمولی است و از زیبایی چندان بهره‌ای ندارم. حدود ۱۳ سال است که کار می‌کنم و حقوق بگیرم. خانواده‌ام از طبقات پائین جامعه است و از این بابت دلگیر نیستم که دلشادم، چون پدرم از کارگران زحمتکش و پرسابقه شهرداری و از رفتگران زحمتکش این مملکت بود و اینک چند سالی است که به علت سکته ناقص روی صندلی چرخدار با نگاهی درد آلود نظاره‌گر گذران زندگی پردرد وغصهٔ ماست. این مرد که سالیان دراز کله سحرگاه سرکار می‌رفت وغروب برمی‌گشت نان‌آور ۷ سرعائله ما بود. سال‌ها پیش که جوان‌تر بودم، هراز گاهی خواستگاری در منزل ما را می‌زد، اما چند سالی است که دیگر کسی در منزل ما را نکوبیده است. ازاین مسأله هم خوشحالم وهم غمگین. خوشحالم که کمک خرج پدرم هستم و تمامی دریافت ماهانه‌ام صرف هزینه‌های خانه کوچک‌ما می‌شود و نمی‌گذارم که این مرد ساکت و باشرف خم به ابرو بیاورد و غمگینم چرا که وقتی که به آینه نگاه می‌کنم، پشتم می‌لرزد. چین وچروک‌ها آرام آرام در چهره‌ام نقش می‌بندند و می‌بینم که جوانی را به سرعت پشت سر گذاشته‌ام غمگین گوشه‌ای کز می‌کنم و پدر هر بار که مرا در این حالت غافلگیر می‌کند با دو قطره اشک همدردی خود را با دخترش بیان می‌کند.

چند روزپیش، بقال سرکوچه‌مان، مردی میانسال است که حدود ۵۰ سال دارد و ظاهرا زنش مرده است وسه فرزند دارد، برای خواستگاری من به منزل ما آمد. وضع مالیش خوب است ودستش به دهانش می‌رسد. پدرم طبق معمول تصمیم‌گیری را برعهدهٔ خودم گذاشت. امادر نگاهش کوهی از غم خانه داشت. ازدواج کردن من مساویست با قطع کمک (حقوق ماهیانه من) به خانواده‌ام. چگونه می‌توانستم پدرم وخانواده‌ام را تنها بگذارم. این خواستگار راهم به بهانه‌ای واهی رد کردم و کنار صندلی پدر، از پنجره اتاق به آسمان غبار گرفته شهر زل زدم، نگاهم به پیاده رو بود که دختری همسن و سال خودم را دیدم که از یک اتومبیل شخصی آخرین مدل پیاده شد. لحظه‌ای دلم گرفت. سعی کردم در خیال در نشاط و سرور آن دختر شریک و سهیم باشم. گرچه او هرگز نمی‌تواند در غم و اندوه من شریک باشد. چرا ما فقیریم و بی‌پول و فرسنگ‌ها با هم فاصله داریم. به قول معروف، سواره از پیاده خبر ندارد. این درد، اما درد من تنهائیست. درد جامعهٔ ما است. خودتان بهتر از همه می‌دانید که فاصله طبقاتی در مملکت ما چنان زیاد است که ازحد تحمل برگذشته است وانگار در برنامه‌های گوناگون توسعه واقتصادی نیز هیچ کس خودرامسئول نمی‌داند.

درجامعه ماگروهی از ثروت و مال و منال نمی‌دانند چه بکنند و گروه عظیمی همانند خانواده من از نداری وتنگدستی مجبورند خوشبختی خود را به دلیل فقر فدا کنند.» ■

www.iran-archive.com

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه نازپوش در فرمانداری بندر انزلی

در اواخر آذر ماه امسال بیش از هفتاد نفر از کارگران کارخانه نازپوش بندر انزلی در محل فرمانداری این شهر تجمع کرده و خواهان حقوق عقب افتاده خود شدند. کارگران نازپوش که مدت ۵ ماه است حقوق خود را دریافت نکرده اند در چند نوبت با جمع آوری امضاء و تهیه طومار و ارسال آن برای مسئولین دولتی نسبت به شرایط خود اعتراض کرده بودند اما وقتی با بی تفاوتی و وعده ووعیدهای مسئولین مواجه شدند با مراجعه دسته جمعی به فرمانداری انزلی در آنجا تجمع کرده و خواستار پرداخت حقوق عقب افتاده و طرح سایر مشکلات خود شدند. فرماندار انزلی که از این حرکت کارگران به هراس افتاده بود با حضور در میان کارگران قول داد که سریعا جهت رفع مشکلات آنان اقدام نماید. شرکت نازپوش بندر انزلی دارای ۲۷۰ کارگر است و تولید آن نیز البسه می باشد، این کارخانه در سال ۱۳۶۱ راه اندازی شده و تحت پوشش سازمان صنایع ملی قرار داشت اما در جریان خصوصی سازی های اخیر ۳۵ درصد سهام این شرکت به کره جنوبی ، ۶۰ درصد به بخش خصوصی داخلی و ۴/۹۵ درصد نیز به مسئولین کارخانه واگذار شده است.

اعتراض کارگران تراکتور سازی تبریز علیه بیکارسازی

در پی سیاستهای اخیر هیئت مدیره تراکتور سازی تبریز مبتنی بر تعدیل نیروی انسانی و کاهش هزینه های تولید از مجموع ۷۰۰ نفر کارگران بخش خدمات این کارخانه ۱۱۰ نفر اخراج شدند.

این کارگران که اکثرا از کارگران با سابقه تراکتور سازی می باشند از همان ابتدا نسبت به تصمیم مدیریت اعتراض کرده و با تهیه طومارهای اعتراضی و ارسال آن به مراکز و مسئولین دولتی و مراجعه مستقیم به ارگانهای مختلف رژیم خواهان رسیدگی به وضعیت خودشدند.

اما علیرغم مقاومت سه ماهه کارگران حدود ۹۸ نفر از آنان بالاجبار بازخرید می شوند و ۱۲ نفر دیگر ضمن ادامه اعتراض ، خواهان بازگشت به کار خود هستند. این سیاستهای ضد کارگری در شرایطی به اجراء در می آید که بنا به گفته های دست اندرکاران فقط صادرات تراکتور سازی تبریز از سال ۶۹ تا ۷۱ به ۴۲ برابر افزایش یافته است و طی شش ماهه اول سال جاری ارزش این صادرات معادل ۵ میلیون دلار بوده است.

کارگران فنر سازی غرب کرمانشاه بیکار شدند

از تاریخ ۲۸ آبان ماه با تصمیم هیئت مدیره فنر سازی غرب کرمانشاه (واقع در شهر صنعتی کرمانشاه) این کارخانه تعطیل و کارگران آن بیکار شدند . طی ۹ ماهه اول سال جاری این چندمین کارخانه در استان کرمانشاه می باشد که تعطیل و کارگران آن بیکار می شوند، بنا بر اظهارات رسمی رژیم از نظر رشد بیکاری این استان با داشتن بیش از ۲۲ درصد نرخ بیکاری دارای مقام اول در کشور می باشد.

کارگران کارخانه های خودکارسازی و میخ سازی در ایرانشهر بیکار شدند

با تعطیلی کارخانه خودکار سازی اوژن و کارخانه میخ سازی در شهرستان ایرانشهر تمام کارگران این دوکارخانه بیکار شدند. کارخانه اوژن دارای ۱۲ کارگر و ظرفیت تولید سالانه ۲۵ میلیون خودکار در سال ۶ و کارخانه میخ سازی دارای ۲۳ کارگر و ظرفیت تولید ۱۷۵۰ تن انواع میخ مفتولی در سال ۶۷ احداث شده اند.

کارگران کارخانه خانه سازی اهواز بیکار شدند

این کارخانه در سال ۱۳۶۵ با هدف تولید قطعات پیش ساخته بتونی برای آپارتمان سازی تاسیس شد به گفته مدیر این کارخانه مهندس منصور تجویدی در حال حاضر قطعات پیش ساخته بتونی ۳۰۰ واحد مسکونی در انبارهای این کارخانه بعلت عدم سفارش بلااستفاده مانده است . با تعطیلی این کارخانه کارگران آن بیکار شدند.

www.iranarchive.com

حزب الله در خدمت صاحبان صنایع

خویی مدیر عامل کارخانه کبریت ممتاز: وجود نهادهای کارگری در کارخانه کبریت ممتاز تبریزموجب افزایش کمی و کیفی تولیدات شده است.

وی افزود با پایان یافتن جنگ تحمیلی ، اینک نظارت بر امور کارخانجات و تولید محصولاتی با کیفیت بالا از وظایف خطیر بسیجیان است . همچنین به گزارش کار و کارگر (۷۲/۱۰/۷) یعقوب زر مسئول پایگاه کبریت ممتاز طی مصاحبه ای گفت: پایگاه مقاومت کبریت ممتاز از ۱۳۶۶ تاسیس و شروع به فعالیت نموده است که از اهم فعالیت پایگاه سازماندهی و آموزش ۵٪ ، هماهنگی بین برادران بسیجی در کارخانه ، ارائه برنامه های اعلام شده از طرف سپاه پاسداران ، جذب نیرو برای پایگاه و تشکیل گردانهای عاشورا ، انجام مراسم رژه به مناسبتهای مختلف با همکاری نهادهای انقلابی و در کل پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی را میتوان نام برد و چون این کارخانه با مدیریت شخصی اداره میشود لهذا در زمینه امر به معروف و نهی از منکر خود مدیران نقش موثری دارند و با هماهنگی مدیریت ، پایگاه مقاومت یکی از عوامل ازدیاد تولید کارخانه می باشد اما در طول ۸ سال دفاع مقدس تعداد ۸۰ نفر اعزام به جبهه و ۲۱ نفر شهید و ۲۲ نفر مجروح و جانباز و سه نفر آزاده داشتیم. وی اضافه کرد: همه ما در تلاش هستیم تا تولید کارخانه به حدی باشد که دچار مشکل مالی نشویم و با انجام به موقع کارها ، نماز جماعت و سایر فرایض دینی را نیز بجا آورده و همیشه در کارخانه نماز را به جماعت اقامه می کنیم که در هر دو حالت توفیق الهی نصیب و روزی ما شده است.

کارگران از حداقل تسهیلات بهداشتی بی بهره اند

به گفته مدیر کل بهداشت حرفه ای وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی ، تنها ۳۴ درصد از کارگران کشور به حداقل تسهیلات بهداشتی دسترسی دارند.

دکتر علی اصغر فرشاد روز یک شنبه گفت: طبق تحقیقات انجام شده ، ۹۱ درصد کارگران کشور از کمترین اطلاعات بهداشت حرفه ای بهره ندارند. وی افزود: نداشتن اطلاعات بهداشتی در محیط کار و فقدان سیستمهای امنیتی در واحدهای تولیدی و صنعتی در بلندمدت صدمات جبران ناپذیری به سرمایه کاری کشور وارد می سازد.این خبر در روزنامه کارو کارگر (۲۱ دی ۷۲) به چاپ رسیده است.

انتخاب و معرفی «کارگران نمونه» در جمهوری اسلامی و اعتراض «کانون خواهران خانه کارگر»

جمهوری اسلامی در آستانه ولادت فاطمه هفته ای را بعنوان مقام زن و روزی را هم به عنوان روز مادر اعلام کرد و تلاش نمود تا با تکیه بر تبلیغات همیشگی خود کارنامه سراسر جنایات خود را علیه زنان جامعه و بویژه علیه زنان کارگر را در پس هیاهوی این تبلیغات پنهان نماید. در بحبوحه همین تبلیغات نیز بروال هر سال برنامه نمایشی انتخاب کارگر نمونه زن صورت گرفت . پس از انتخاب «کارمندان» نمونه زن طی مراسمی در کارخانه پارس الکتریک آنان معرفی شدند. ویژگی برنامه نمایشی امسال این بود که مسئولان انتخاب کارگر نمونه زن تلاش کردند تا این مراسم را نیز بزعم خودشان در خدمت اهداف برنامه پنجساله (رشد تولید) قرار دهند و به همین دلیل علاوه بر معیار مورد تایید بودن کارگر نمونه از طرف ارگانهای وابسته نقش و مشارکت «کارمندان» نمونه در بالا بردن سطح تولید و . . . نیز در نظر گرفته شده بود.

حوادث محیط کار

در جهان سالانه بیش از ۳ میلیون نفر بر اثر حوادث ناشی از کار آسیب می بینند و صدها هزار نفر جان خود را از دست می دهند. تنها در ایران، براساس مجموع حوادث ثبت شده که فقط کارگران تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی را در برمی گیرد، سالانه ۲۰ هزار نفر بر اثر سوانح کار آسیب می بینند و بیش از ۱۰۰۰ نفر جان خود را از دست می دهند.

ایران

مینی بوسی حامل ۲۳ نفر از کارگران کشت و صنعت کارون که از حومهٔ خرم آباد عازم محل کار در شوشتر بود، به علت نقص فنی با کامیونی برخورد کرد. در جریان این حادثه دلخراش ۱۰ تن از کارگران در دم جان سپردند و بقیه به شدت زخمی شدند.

* یکی از کارگران متروی تهران که در شرق تهران پارس مشغول کار بود، هنگام شب کاری به دلیل استفاده از زغال و چوب برای گرم کردن محل کار سرد خویش ، در اثر استنشاق گاز حاصله از زغال جان خود را از دست داد.

www.iran-archive.com

یک معدنچی در شاهرود بر اثر ریزش معدن جان باخت

ریزش سقف یکی از تونلهای معدن ذغال سنگ رزجای شرقی شاهرود روز شنبه جان یکی از معدنچیان را گرفت. برات محمدیان کارگر ۳۲ ساله بخش استخراج معدن به هنگام انجام کار در انتهای تونل در زیر آواری از سنگ و ذغال مدفون شد. این خبر در روزنامه کارو کارگر ۴ بهمن ۱۳۷۲ به چاپ رسیده است .

انگشتان دست کارگری در لای دستگاه تریکو بافی له شد

در ساعت ۱/۵۰ بامداد دیروز در میدان امام حسین اول هفده شهریور به هنگام کار با دستگاه در یک کارگاه تریکو بافی انگشتان دست ابراهیم کارگر ۲۸ ساله تریکو بافی لای دستگاه گیر کرده و به شدت مجروح شد. نیروهای نجات ۲ آتشنشانی بلافاصله به محل رسیده و دست مصدوم را از لای دستگاه آزاد کرده و با همکاری اورژانس به بیمارستان منتقل نمودند. این خبر در روزنامه کارو کارگر (۷۴/۱۱/۲۶) به چاپ رسیده است.

* ۲ کارگر که مشغول گچکاری دیوارهٔ آسانسوری در تهران بودند، بر اثر سقوط اتاقک آسانسور جان خود را از دست دادند.

* بر اثر ریزش معدن منگنز قم یک کارگر جان خود را از دست داد و ۲ نفر دیگر به شدت مجروح شدند.

* با انفجار سیلندر گاز، یک کارگاه قنادی در تجریش به آتش کشیده شد که در جریان این حادثه ۲ کارگر جان خود را از دست داده و ۳ نفر دیگر به شدت زخمی شدند.

چین

درجریان یک آتش سوزی در معدن زغال سنگ درشرق چین۱۴ کارگر جان خود را از دست دادند، حادثه زمانی رخ داد که بیش از ۷۰۰ کارگر در عمق معدن مشغول کار بودند.

لازم به یادآوری است که طی ۲ ماهه اول سال ۹۴ بیش از ۲۰۰ معدنچی در چین بر اثر حوادث گوناگون جان خود را از دست داده اند. سالانه هزاران معدنچی به خاطر عدم رعایت نکات ایمنی در معادن چین کشته و زخمی می شوند.

کره جنوبی

بر اثر ریزش معدنی در کره جنوبی ۹ کارگر در اعماق معدن محبوس شدند. در این حادثه ۲ تن از کارگران در زیر خروارها خاک و سنگ مدفون شده و بقیه نجات یافتند.

آرژانتین

۲۱ نفراز کارگران آتش نشانی درجنوب آرژانتین در جریان مهارحریق درمیدان آتش قرارگرفتندو همگی زنده زنده در آتش سوختند.

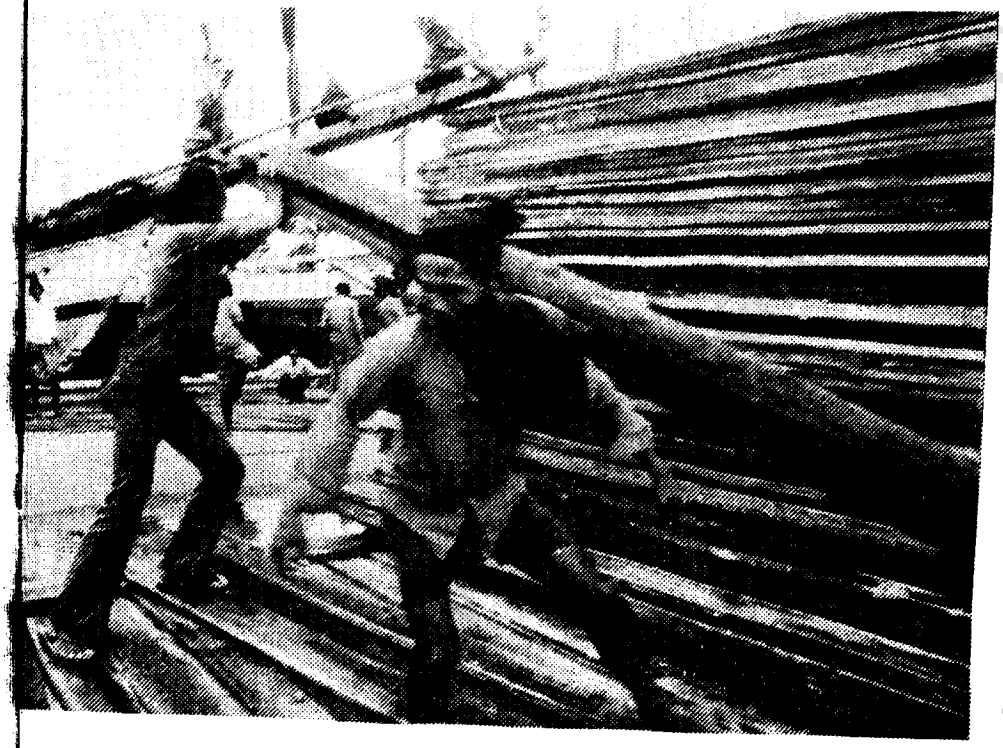

اعتراض به سرکوب در مکزیک

در تاریخ ۹۴/۲/۳ در اعتراض به سرکوب مردم تحت ستم مکزیک توسط دیکتاتوری حاکم بر این کشور و حمایت از زاپاتیستها، آکسیونی در مقابل کنسولگری آمریکا در آمستردام برگزارشد. در این حرکت اعتراضی گروه های مکزیکی ، هلندی و ایرانی شرکت داشتند و با افشاگری و توزیع بولتن تهیه شده ، اقدامات جنایتکارانه دولت مکزیک را محکوم نمودند.

این آکسیون یکساعت ادامه داشت و در آن سرود انترناسیونال به زبانهای هلندی ، فارسی ، مکزیکی ترکی و کردی خوانده شد.

خبرارسالی از واحدهلند

اخبار کارگری کردستان عراق

گسترش اعتراضات در کردستان عراق

در روزهای اخیر قیمت کالاهای اساسی زندگی مردم به شیوه سرسام آوری رو به افزایش نهاده است. قیمت اجناس آنچنان افزایش یافته که دستمزد روزانه یک کارگر، قادر به تامین حتی یک نوع کالای اساسی نیست. برای نمونه اگر یک یا دوسال قبل ، یا بهتر بگوئیم، قبل از جنگ ارتجاعی خلیج فارس ، قیمت یک عدل آرد به ۳/۵ دینار می رسید، حالا ارزش همان عدل آرد ۷۰۰ تا ۸۰۰ دینار شده است وآن ۳/۵ دینار قبلی حالا قیمت ۳ عدد نان می باشد. بقیه نرخهای دیگر هم به همین صورت است. این در حالی است ، که دستمزد کارگران و کارمندان نه تنها در ابعاد سرتاسری افزایش نیافته ، بلکه در بعضی جاها کاهش نیز داشته است. برای نمونه در کارخانه سیمان سازی سلیمانه و سرچنار و کارگاه البسه جائزه ، مدتی قبل دستمزدی که قرار بود افزایش یابد، نصف آن را نیز کاهش داده اند. بدینصورت که قرار بود کرایه کارگران به ۴۰ دینار افزایش یابد و این افزایش البته عملی گشت اما بعدا ۲۰ دینار از دستمزد کارگران را کاهش داده اند. تحت این شرایط کارگران مجبورند یا بر علیه این وضعیت مبارزه کنند ویا مرگ تدریجی در انتظار آنهاست. بخصوص که فصل سرما و زمستان هم فرا رسیده و بعلت بارش برف و راه بندان ، مرزها هم مسدود شده ، و تاجرها هم از این وضعیت به نفع خود و برای افزایش بیشتر قیمت دست بکار شده و هرچه بیشتر سود می برند. اکنون خواست افزایش دستمزد در راس همه خواستهای دیگر قرار دارد. در این مدت چندین اعتراض و اعتصاب برای افزایش دستمزد صورت گرفته است که به پاره ای از آنها اشاره می کنیم :

اعتصاب کارگران البسه جائزه

در چند سال قبل اعتصابی در کارگاه البسه جائزه برای افزایش دستمزد بوقوع پیوست که با دخالت احزاب حاکم که نفوذ قابل ملاحظه ای در میان کارگران دارند از مسیر خود خارج گشته و به شعار پاکسازی افراد بعثی در کارگاه تبدیل شد این امر باعث شکست اعتصاب گشته است .

قطعنامه کارگران سنگ سلیمانیه

کارگران کارگاه سنگ سلیمانیه با صدور قطعنامه ای خواهان افزایش دستمزد شده اند و در تدارک اعتصاب برای خواستهای خود بودند که کارفرمای شرکت مزبور با اخراج کارگران فعال و پیشرو حرکت کارگران را به شکست کشاند.

اعتراض کارگران سیمان سلیمانیه و سرچنار

تاکنون کارگران کارگاه سیمان سلیمانیه و سرخپار طی چندین اطلاعیه خواستار افزایش دستمزد خود گشته اند و مبادرت به پخش این اطلاعیه ها در سطح جامعه کرده اند.

اعتراض کارگران برق سلیمانیه

کارگران برق سلیمانیه طی اعلامیه ای خواهان افزایش دستمزد گشته اند وتاکنون چندین اعتراض را سازمان داده اند.

اعتراض کارگران و کارمندان بیمارستانها

کارگران و کارمندان بیمارستانها با جمع آوری امضاء و ارسال طوماری به حکومت کردستان خواهان افزایش دستمزد خود شده اند. همچنین اعتراض کنندگان مبادرت به پخش اعلامیه در میان مردم کرده اند.

اعتصاب ادارات دولتی کردستان

کارگران و کارمندان پست سلیمانیه ، سردوکان، اداره دادگاه سلیمانیه برای خواست افزایش دستمزد دست به اعتصاب زده اند که مدیریت سردوکان با افزایش دستمزد کارگران موافقت نموده است. با پخش خبر اعتصاب کارگران و کارمندان دادگاه سلیمانیه این مسئله بازتاب وسیعی در میان کارگران و کارمندان بیمارستانها، آموزش و پرورش و ادارات دیگر داشته که کارگران ادارات مزبور در تدارک اعتصاب برای افزایش دستمزد هستند. لازم به یادآوری است که حکومت کردستان با اعلام بخشنامه ای با افزایش ۳۰ دینار به حقوق کارگران و کارمندان موافقت کرده است.

اخبار مبارزات مردم

مراسم چهارشنبه سوری ، مراسمی علیه رژیم

علیرغم اخطارها و تهدید های سردمداران و سران امنیتی رژیم علیه برگزاری مراسم چهارشنبه سوری ، و تبلیغات گسترده ای که توسط رسانه های دولتی علیه تجمع مردم در این روز صورت گرفت ، جمعیت وسیعی از مردم تهران و بخصوص جوانان شب چهارشنبه سوری به خیابانها آمده و در محلات آتش برافروختند. در این مراسم که به یک اعتراض سیاسی علیه رژیم اسلامی تبدیل شده بود، مردم لاستیک های ماشین در خیابانها را به آتش کشیدند.

www.iran-archive.com

برای مقابله با تجمع مردم نیروهای سرکوبگر رژیم ، کمیته ، سپاه پاسداران و شهربانی به خیابانها می ریزند و با شلیک تیرهوایی در صدد پراکنده نمودن تجمعات مردم بودند، اما این اقدام آنها موثر نمی افتد. این نیروها عاجز از سرکوب مردم ، از نیروهای ارتش نیز کمک خواستند. در عین تهاجم نیروهای سرکوب رژیم ، مردم شعارهایی علیه جمهوری اسلامی می دادند.

یورش نیروهای رژیم به مراسم نوروز در سنندج

شب عید نوروز مردم سنندج و بویژه جوانان مراسم آغاز سال جدید را در خیابانها ، با آتش بازی ، ترقه بازی و آتش زدن لاستیک جشن گرفتند و به رقص و پایکوبی دسته جمعی پرداختند و شعارهایی علیه جمهوری اسلامی دادند. علیه اجتماع و شادی مردم کمیته چی ها و سپاه پاسداران وارد عمل شده و با شلیک تیرهوایی آنها را پراکنده می کنند.

اعتصاب در کارخانجات اندونزی

روز ۱۷ ژانویه بیش از ۱۱ هزار کارگر هفت کارخانه در شهر تانگوانک نزدیک جاکارتا در اعتراض به خودداری کارفرماها از پرداخت حقوق یکسان با کارگران جاکارتا، دست به اعتصاب زدند. طبق قانونی که اخیرا در اثر مبارزات کارگران تصویب شده بود، قرار بود از اول ژانویه حداقل حقوق کارگران صنایع تانگوانک با حداقل دستمزد کارگران جاکارتا یکسان شود. ولی کارفرمایان از پذیرش آن خودداری کردند و به دنبال آن اعتصاب کارخانه های تولید کنندهٔ کفشهای ورزشی ، پوشاک ، وسایل خانگی و کارخانهٔ قوطی سازی را فراگرفت .

اخبار کارگری جهان

انگلستان

کمپانی «بیشرتیش گس» که در زمینه حمل و نقل و ذخیره سازی مواد سوختی فعالیت دارد اعلام کرده است که ۲۰ هزار تن از کارگران خود را اخراج می کند . این شرکت قصد دارد تا تعداد کارگران خود را طی ۳ سال آینده به میزان یک سوم کاهش دهد.

سوئد

در اواخر سال گذشته بیکاری در سوئد به مرز بی سابقه ۱۲/۸ درصد نیروی کار این کشور (یعنی ۵۴۳۰۰۰ نفر) رسید. نرخ بیکاری در میان کارگران ساختمانی ۳۱/۶ درصد، جنگلها ۲۹/۲ درصد و کارگران نقاش ۲۱/۲ درصد می باشد.

آمریکا

براساس سیاستهای عمومی صرفه جوئی در هزینه ها که اخیرا بوسیله اغلب کارخانجات و شرکتهای آمریکائی اتخاذ شده است بسیاری از روزنامه های آمریکا نیز دست به بیکارسازی کارگران و کارمندان خود زده اند. در این میان تنها روزنامه لوس آنجلس تایمز ۲۳ درصد از نیروی کارخود را اخراج کرده است که رقمی معادل ۲۰۰۰ نفر از مجموع ۸۵۰۰ نفر کارکنان روزنامه را در بر می گیرد.

اخراج در بوئینگ آمریکا

بر اساس سیاستهای صرفه جوئی اقتصادی و کاهش هزینه های تولید، شرکت هواپیما سازی بوئینگ آمریکا تعداد کارگران خود را تقلیل میدهد. بنا به اظهارات مسئولین این شرکت بزودی تعداد ۳۰۰۰ نفر از مجموع نیروی کار بازخرید و یا پیش از موعد بازنشسته خواهند شد.

آمریکا

۱۷ هزار تن از کارگران کمپانی «ج ، تی ، ای » اخراج می شوند

به دنبال تصمیم مدیریت این کمپانی مبنی بر اخراج تعدادی از کارگران به زودی این کمپانی که یکی از بزرگترین کمپانیهای تلفن شهری آمریکا می باشد ، ۱۷ هزار نفر از کارگران خود را اخراج می کند.

فدراسیون کارگران فلزکار «اوروآسیا» تشکیل شد!

به دنبال گردهمایی مسئولین سندیکاهای کارگری ۱۶ کشور در آنکارا، فدراسیون کارگران فلزکار «اوروآسیا» تشکیل شد. این فدراسیون که مرکز آن در آنکارا قرار دارد، جمعا ۱۰ میلیون کارگر عضو اتحادیه ها و سندیکاها را در بر می گیرد. در این فدراسیون سندیکاها و اتحادیه های کارگران کشورهای : ترکیه ، رومانی ، بلغارستان، روسیه ، ازبکستان، مالداوی، استونی ، قیرقیزستان، قزاقستان ، اوکراین ، مقدونیه، ترکمنستان، تاجیکستان ، مجارستان و جمهوری آذربایجان عضویت دارند. ریاست آن را «مصطفی ازبک » رئیس سندیکای فلزکاران ترکیه به عهده دارد.

آلمان

بیکاری بی سابقه در صنایع نساجی

بنا بر اظهارات اتحادیهٔ صنایع نساجی آلمان در جریان برگزاری

www.iran-archive.com

نمایشگاه منسوجات «هایم تکستایل» تعداد کارگران در صنایع نساجی به شدت کاهش یافته، به طوری که آمار نشان می دهد، مجموعا ۳۴۰۰۰۰ نفر از این صنایع اخراج شده اند. بنا بر همین گزارش تعداد کارگران شاغل در این رشته تا پایان سال ۹۳ و فقط در بخش غربی آلمان از ۵۰۰ هزار نفر به ۱۶۰ هزار نفر کاهش یافته و در ایالت شرقی که تا پیش از اتحاد دو آلمان حدود ۲۲۰ هزار کارگر در صنایع نساجی مشغول به کار بوده اند، اکنون تعداد آنها به ۱۸ هزار نفر کاهش یافته است.

طبق پیش بینی کارشناسان اقتصادی آلمان روند بیکارسازی در صنایع نساجی همچنان ادامه خواهد داشت و احتمال می رود که تعداد کارگران در این رشته طی چندسال آینده حتی به رقمی کمتراز۱۰۰هزارنفربرسد.

بیکاری در صنایع ماشین سازی آلمان

صنایع ماشین سازی آلمان نیز همچون صنایع نساجی خبر از بیکارسازی وسیع کارگران در این شاخه از صنعت می دهد. بنا بر گزارش صنایع ماشین سازی ، تعداد کارگران در این بخش بیش از ۲۰ درصد کاهش یافته و از یک میلیون و ۱۶۰ هزار نفر به ۹۷۰ هزار نفر رسیده است و قرار است در سال ۹۴ نیز ۵۰ هزار تن دیگر از این صنایع اخراج شوند. اوضاع در صنایع ماشین سازی بخش شرقی نیز بحرانی است. در این بخش پیش از اتحاد دو آلمان ۴۰۰ هزار کارگر مشغول به کار بوده اند، در حالیکه اکنون تعداد آنها به ۱۰۰ هزار نفر کاهش یافته است. بنا بر همین گزارش در سال ۹۴ نیز ۲۰ هزار نفر دیگر از این صنایع اخراج خواهند شد.

بیکار سازی در کمپانی زیمنس

زیمنس بزرگترین کمپانی تولید کننده وسایل الکتریکی اروپا، اعلام کرد که ظرف ۶ ماه آینده ده هزار تن از نیروی کار خود را بیکار خواهد کرد. این در حالی است که میزان فروش این شرکت در سه ماهه مالی ۹۴_۹۳ از رشدی دودرصدی معادل ۱۷/۳ میلیون مارک برخوردار بوده و سود خالص آن نسبت به سال قبل (۹۳_۹۲) ۴/۵ میلیون مارک افزایش یافته است. تعداد کارگران این کمپانی در داخل آلمان ۲۳۵ هزار نفر و در خارج آلمان ۱۳۵ می باشند.

اعتصاب ۴۶۰ هزار کارگر بنگلادش

بیش از ۴۶۰ هزار کارگر پنج واحد صنعتی در بنگلادش برای دست یابی به خواسته های خود دست به اعتصاب زدند. لغو انعقاد قرارداد با بانک جهانی در بخش کنف ، اجرای قانون دستمزد و آزادی تمامی فعالیتهای اتحادیه ها از جمله خواستهای کارگران بود. به دنبال این اعتصاب ، ۲۴ ساعت فعالیت در بخشهای صنایع کنف ، بافندگی ، تولید شکر، فولاد و راه آهن نیز متوقف شد.

تعطیلی کارخانجات و بیکارسازی در روسیه

در ادامهٔ اصلاحات اقتصادی درروسیه،تاکنون بسیاری از کارخانه های بزرگ از جمله ماشین سازی در شهر ماسارا، کارخانهٔ ماشین لباسشوئی در شهر نیژنی نووگورد، کارخانه تولید رادیو در مسکو و چندین کارخانه دیگر تعطیل و کارگران آن بیکار شدند. در سایر رشته ها نیز تولید نسبت به سال ۹۳ به نصف کاهش پیدا کرده است .

ترکیه

اخراج و بیکارسازی در صنایع اتومبیل سازی ترکیه با توجه به بحران اقتصادی ترکیه وسیاست کاهش هزینه ها در این کشور بیش از ۱۳ هزار کارگر صنایع اتومبیل سازی طی ماههای جاری اخراج خواهند شد. به همین دلیل، اکنون گروه اتومبیل سازی «توفاش» تولید کنندهٔ اتومبیل فیات، دو هزار و پانصد نفر از کارگران خود را به تعطیلات اجباری فرستاده است. همچنین شیفت کاری این کارخانه از ۳ شیفت به ۲ شیفت کاهش یافته است. لازم به یادآوری است که در کارخانجات «توفاش» بیش از ۸ هزار کارگر و در کارخانهٔ «رنو» بیش از ۴ هزارو پانصد نفر مشغول به کار هستند.

www.iran-archive.com

مصاحبه با جری دانینگ (یکی از فعالین اتحادیه اتوبوس‌رانی انگلستان)

بخش اول

ممکن است مختصری در مورد وضعیت شغلی و سیاسی خود توضیح دهید؟

اسمم جری دانینگ، متولد ایرلند جنوبی هستم و ۴۳ سال سن دارم. شغلم راننده اتوبوس و عضو اتحادیه اتوبوسرانی هستم. در سال ۱۹۷۵ به حزب انقلابی کارگران (WRP)[1] پیوستم. این حزب در ابتدا به لحاظ خط مشی سیاسی خط به اصطلاح ارتدکسی در مارکسیسم را پیش می برد. برای مثال در رابطه با مسئله انقلاب ۵۷ ایران، موضع غیرانتقادی به رژیم خمینی را اتخاذ کرد و این در راستای خط سیاسی‌اش در رابطه با رژیم قذافی و همچنین سازمان آزادیبخش فلسطین و در آخر هم رژیم صدام حسین بود. یعنی خط دفاع از تعدادی رژیم بورژوایی در خاور میانه. در سال ۱۹۸۵ در این حزب انشعابی صورت گرفت که به از هم پاشیدن آن منجر شد. یکی از مهمترین اختلافات سیاسی-ایدئولوژیک که به این انشعاب منجر شد، دفاع حزب از رژیم صدام بود. دو تن از فعالین اتحادیه‌ای در عراق که به کنفرانس حزب دعوت شده بودند، پس از بازگشت به عراق دستگیر و اعدام شدند. هیچگونه عکس العملی در این رابطه از طرف حزب مذکور صورت نگرفت. از دیگر اختلافات این بود که رهبری طوری وانمود می‌کرد که انقلاب به زودی فرا می‌رسد و مبارزه طبقاتی همیشه در حال جلو رفتن است و هیچ سر بالایی در کار نیست و چون انقلاب هر چه بیشتر نزدیک و نزدیکتر می‌شود، کافی است اعضاء بیشتر و با سرعت زیادتر به فعالیت های خود ادامه دهند تا همه چیز بر وفق مراد گردد. این گونه تعبیرها از اوضاع اما با واقعیت آنچه در سال ۱۹۸۵ وجود داشت کاملاً فرق می‌کرد. اعتصاب عظیم معدنچیان که در طول ۸۴-۸۵ ادامه یافت تازه شکست خورده بود و حزب از قبول این شکست امتناع می‌ورزید. پس از انشعاب در حزب به گرایش (WP) - Workers Press پیوستم و تا سال ۸۸ با آنها بودم. پس از یک سال و نیم اختلافاتم با آنها نیز آغاز شد. زیرا می‌دیدم در این گرایش هم همان خط سابق اما به شکل دیگری به حیات خود ادامه می‌دهد. از همه مهمتر برخورد این گرایش به کار در اتحادیه‌های کارگری بود که به دلخواه خود اعضاء گذاشته شده بود و از هیچ‌گونه دیسیپلین تشکیلاتی برخوردار نبود. هیچ گونه برنامه و یا سیاستی در مورد چگونگی کار در اتحادیه‌های کارگری وجود نداشت. در سال ۱۹۸۸ من و عده دیگری از این گرایش جدا شدیم و پس از آن من به عضویت Socialist Outlook (S • O) در آمدم. S • O بخش انگلستان دبیرخانه متحد سازمان بین الملل چهارم است. البته من اختلافات اساسی با برخی از مواضع ارنست مندل (یکی از رهبران اصلی بین الملل چهارم) در مورد انقلاب ایران و خط غیر انتقادی او به رژیم خمینی، دارم.

هر مبارزهٔ کارگری توأم با برخی موفقیت ها و شکست های مقطعی است. ممکن است تجربه خودت را در این مورد برایمان باز گو کنی؟

در این رابطه بهتر است به پر اهمیت ترین نمونهٔ اخیر مبارزات کارگری اشاره کنیم. اعتصاب معدنچیان انگلیس نمونهٔ خوبی است. این اعتصاب با شکست روبرو شد و اکنون ما با بسته شدن معادن زغال سنگ متعددی روبرو هستیم. امروز تقریباً ۲۰ هزار معدنچی عضو اتحادیه معدنچیان هستند. در آغاز اعتصاب ۸۴-۸۵ تعداد معدنچیان عضو این اتحادیه ۲۰۰ هزار نفر بود. تأثیر عواقب این شکست امروز کماکان از طرف طبقه کارگر احساس می‌شود. البته این اشتباه خواهد بود که فقط بگوییم این یک شکست بود. این اعتصاب موفق شد حمایت و همبستگی نسبتاً زیادی را از سوی بخش‌های دیگر طبقه کارگر به خود جلب کند. البته باید بگویم مقدار زیادی از این حمایت ها به صورت مادی (پول، غذاو غیره) بود. اما این خود آغاز گردهم آیی عناصر رادیکال و آغاز شکل‌گیری همان کمیته‌های کارگری - آنچه من آنها را نهادهای پیشا شورایی می‌خوانم - بود. این نشان می‌دهد که این سنت همچنان در میان طبقه کارگر زنده باقی مانده است. در این گیرو دار خیلی درس‌ها در رابطه با متد مبارزه با دولت آموخته شد و از ماهیت آن شناخت کسب کردیم. درس‌هایی که یا فراموش شده بود و یا تنها در کشورهای به اصطلاح جهان سوم هنوز به کار گرفته می‌شوند.

برای مثال، بزرگترین رو در رویی

www.iranarchive.com

معدنچیان با پلیس و دولت نزدیک معدن اولگریو به وقوع پیوست. آنان مشاهده کردند که چطور دولت ابزار سرکوب خود را به کار می‌گیرد و خیلی جالب است که آنها این وضعیت را با حضور ارتش انگلیس در ایرلند شمالی مقایسه کردند. آنها دیدند که چطور همین سرکوب به شکل دیگری در آنجا انجام می‌گیرد. مطمئناً این درس‌های ارزشمند بار دیگر در روند مبارزه طبقاتی به کار گرفته می‌شود. این ها دستاوردهایی است که سال‌های سال برای طبقه کارگر باقی خواهد ماند. البته می‌توان در این زمینه به اعتصاب چاپچی‌ها هم اشاره کرد که درس‌های ویژه خود را برای کارگران به ارمغان آورد. کارگران چاپ آموختند که چطور باید اعتصاب سیاسی سازمان داد و چگونه آن را با مبارزات روزمره کارگران پیوند زد.

تعداد کل شاغلین در انگلستان چقدر است و چه درصدی از آنان را می‌توان به عنوان کارگر صنعتی به حساب آورد؟

در حدود ۲۶ میلیون شاغل در انگلیس وجود دارد که تقریباً نصف جمعیت کشور است. در حدود ۱۸ درصد از آنان را کارگران تشکیل می‌دهند؛ و این درصد در حال کم شدن است. آمار و ارقام نشان می‌دهند که از ۵ سال پیش به بعد میزان درصد واردات کالاهای مصرفی نسبت به صادرات کالاهای ساخت انگلیس خیلی زیادتر شده است. این خود گویای وضعیت شغلی طبقه کارگر است.

به نظر شما از میان رفتن رونق صنعتی در انگلستان و تقلیل یافتن طبقه کارگر به لحاظ کمی، چه تأثیری می تواند بر روند مبارزات آن بگذارد؟

علی‌رغم تقلیل کمی کارگران صنعتی و ازدیاد تعداد کارگران در بخش خدمات و علی‌رغم صدور سرمایه به کشورهای در حال توسعه جهت به دست آوردن کار ارزان و در نتیجه سود زیاد، اهداف طبقه کارگر تغییری نکرده است. اهداف سیاسی که این طبقه به طور کلی دنبال می‌کند همچنان از حقانیت برخوردار است. طبقه کارگر همچنان تولید می‌کند و ثروت می‌آفریند. حمل و نقل کالاها و غیره هنوز بر دوش طبقه کارگر است و به طور کلی اقتصاد را می‌چرخاند. در نتیجه اگر کارگران اعتصاب کنند همه چیز متوقف می‌شود.

اکنون در کشوری مثل انگلیس ما شاهد جابجایی طبقه کارگر از یک بخش صنعتی به بخش های دیگر مثل خدمات و غیره هستیم. از طرفی شاهد پیوستن این بخش به مبارزه و رو در روبی آنان با دولت حاکم هستیم که از زاویه منافع طبقه کارگر مسئله مهمی است. به نظر شما این جابجایی چه تأثیری روی مبارزات کارگران می‌گذارد.

به نظر من علی‌رغم اینکه تعداد کارگران صنعتی رو به کم شدن است، اما در نهایت این قشر از طبقه کارگر است که می‌تواند تأثیر خود را بر مبارزات کارگران بگذارد. آنها هنوز کلید انقلاب هستند. من فکر می‌کنم بخشی از طبقه کارگر که لنین در کتاب "امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری" به آن اشاره می‌کند، کماکان به قوت خود باقی است. شرکت های چند ملیتی هنوز فرجه زیادی برای مانور دادن دارند. آنها همچنان قادر به کنترل اقتصاد کشورهای خاور دور هستند؛ و از این طریق مبارزه خود را علیه طبقه کارگر انگلیس ادامه می‌دهند. برای مثال نه در خاور دور، بلکه در اسکاتلند و در زمان اعتصاب کارخانه "تایمکس". این کارخانه اکنون به فرانسه منتقل شده است. در مقابل کارخانه‌ای از فرانسه به اسکاتلند نقل مکان داده شده است. در نتیجه سرمایه‌داران می‌توانند آنچنان که می‌خواهند مانور بدهند. به همین دلیل امروز از هر زمان دیگری نه تنها لزوم ساختن یک رهبری جهانی احساس می‌شود، بلکه اتحادیه‌ها و تغییر ساختار آنها در رابطه با روابطشان با یکدیگر در کشورهای مختلف و ارتباط اعضاء آنها با یکدیگر، اکنون از هر زمان دیگر بیشتر احساس می‌شود.

برای مثال در چهارچوب کشورهای بازار مشترک، کمپانی فورد قادر است که از کارگران یک کشور علیه کارگران کشور دیگر سوء استفاده کند. تنها راه مبارزه با این حملات ارتباط بین‌المللی کارگران است. به نظر من تنها شکلی که می‌توان این ارتباط را برقرار کرد، ساختن یک رهبری انقلابی بین‌المللی است.

امروز حتی رادیکال‌ترین رهبران

www.iran-archive.com

اتحادیه‌های کارگری در این کشور همچون آرتور اسکارگیل روی دفاع از اقتصاد ملی تأکید دارند و مثلاً می گویند: باید از زغال سنگ انگلیس حفاظت کرد. او حتی از ابزارهای به اصطلاح حقوق بشری هم در این رابطه استفاده می‌کند. مثلاً مطرح کردن این که زغال سنگ کلمبیا نباید به انگلیس وارد شود، زیرا این زغال سنگ در معادن کلمبیا توسط بچه‌های کم سن استخراج می‌شود؛ و ما ضد کار کردن بچه‌ها هستیم. واقعیت این است که ۹۰ درصد زغال سنگ کلمبیا توسط ماشین استخراج می‌شود. مشکل ما فقط کار کردن بچه‌ها در معادن کلمبیا نیست، مشکل زغال سنگ کلمبیایی است. عدم ارتباط با معدنچیان کلمبیایی است که باید مد نظر قرار گیرد.

گسترش اتحادیه خدمات و اتحادیه‌های طبقات متوسط برای ما بسیار مهم است. آنان بخشی از پرولتاریا را تشکیل می‌دهند؛ و در بعضی موارد نشان داده‌اند که می‌توانند خیلی رادیکال عمل کنند. اما متأسفانه رادیکالیزم آنها، در مقایسه با رادیکالیزم کارگران صنعتی، مشکل زیادی برای طبقات حاکم به وجود نیاورده است. قدرت اتحاد کارگران صنعتی متشکل در یک اتحادیه چیز دیگری است و در موارد اعتصاب و مبارزات، توسط اتحادیه های دیگر احساس می‌شود. مورد معدنچیان مثال خوبی است. در دوره اعتصاب همه می‌دانستند که حق با آنها است و باید به خواسته‌های خودشان برسند. فقط رهبری بود که جلوی رادیکالیزم اعضاء عادی ایستاده بود.

سالهاست که شاهد مبارزه تدافعی طبقه کارگر در انگلستان، به ویژه در دو دهه اخیر هستیم. این مبارزه هیچگاه حالت تهاجمی به خود نگرفته و قدرت حاکم را نفی نکرده است. دلیل این مسئله را چگونه توضیح می‌دهید؟

روش تدافعی مبارزات طبقه کارگر در کشورهای صنعتی را می‌توان با اشاره به شرایط بعد از پایان جنگ ویتنام و مبارزات و اعتراضات کارگری حول آن که تا اوائل دهه ۷۰ ادامه پیدا کرد، توضیح داد. این اعتراضات توسط امپریالیسم متوقف گردید. به نظر من این مسئله روی رهبری طبقه کارگر تأثیر زیادی گذاشت و نوک حمله مبارزات طبقه کارگر که به طرف طبقات حاکم نشانه رفته بود را صرفاً به طرف مبارزات اقتصادی کشاند. مثلاً در فرانسه حزب کمونیست اعلام کرد که این مبارزات کارگران صرفاً برای گرفتن حقوق صنفی خودشان صورت می‌گیرد و ربطی به تصاحب قدرت دولتی ندارد. حرکات ابتدایی طبقه کارگر حتی اگر صد در صد هم کارگری باشد به چنان رهبری‌ای نیاز دارد که امر رهبری این حرکات را جدی تلقی کند. بحران تروتسکیزم هم از همین مسئله ناشی می‌شود. بدین معنی که رهبری‌ای که بتواند مبارزات کارگران در سطح جهانی را علیه قدرت دولتی جهت دهد، وجود ندارد. بنابراین راه مبارزه سد و به عقب کشانده شده است. اکنون هم با شرایطی روبرو هستیم که امپریالیزم از اوائل دهه ۸۰ تاکنون در حالت تهاجم است. با روی کار آمدن جناح مارگرت تاچر (نخست وزیر سابق) در این کشور این تهاجم دو چندان شد.

رهبری سنتی طبقه کارگر مدام در حال عقب نشینی در برابر این تهاجم است. در حال حاضر به طور عینی کار زیادی در این مورد نمی‌توان کرد. برای این که حالت مرغ و تخم مرغ شده است. طبقه کارگر عقب نشسته برای اینکه رهبری درستی ندارد؛ و رهبری را هم نمی‌توان تغییر داد مگر این که خود طبقه کارگر قدم جلو بگذارد و حالت تهاجمی در مبارزه را برگزینند.

بنابراین به نظر من تروتسکیست ها و مبارزین کارگر و رادیکال باید راهی پیدا کنند که نه تنها این حالت تدافعی در مبارزه حفظ شود و جلوی حملات آتی گرفته شود، بل که برنامه‌ای پیش پای طبقه کارگر بگذارند که برنامه‌ای تهاجمی به کلیه بخش‌های سرمایه‌داری باشد. به نظر من یک مارکسیست در جنبش کارگری باید خود را در موقعیتی قرار دهد که بتواند در آن واحد از عهده دو وظیفه زیر بر آید. اول، سازمان‌دهی اعضاء عادی جهت برخورد به بوروکراسی حاکم بر اتحادیه ها و رهبرانی که طبقه کارگر را به کج راه می‌کشانند. دوم، قرار دادن کارگران در موقعیتی که بتوانند هر لحظه مستقل از بوروکراسی اتحادیه، دست به اعتصاب بزنند. این دو کار باید در ارتباط با یکدیگر انجام گیرند

www.iranarchive.com

تا بتوان نهادی مثل TUC را وادار کرد که اعتصاب عمومی فرا خواند.

با توجه به صحبت های بالا و بدون اینکه بخواهیم مبارزات اقتصادی را از مبارزات سیاسی طبقه کارگر جدا کنیم، اگر فرض کنیم چنین سازماندهی‌ای درون اعضاء عادی انجام گرفت، پس از آن به نظر شما چه نوع مطالباتی را باید در مقابل سرمایه‌داری قرار داد؟

البته این مسئله جایگاه خود را در بطن بحث‌های حاضر حول مطالبات انتقالی دارد. به نظر من مطالبات انتقالی را باید به طریقی مطرح کرد که بتوان توده‌ها را حول آن بسیج کرد. یعنی مطالباتی که برای آنها قابل درک باشد و احتمال برآورده شدن آن‌ها را احساس کنند. اشتباه خواهد بود که مطالباتی را پیش روی کارگران بگذاریم که مطمئن هستند بدان‌ها نخواهند رسید. اما در عین حال باید به آن ها گفته شود که مطالبات بر حق دیگری هم وجود دارند که شما می‌توانید از طبقات حاکم درخواست کنید. از قبیل حق کنترل کارگری؛ و یا به آنها گفته شود که شما نیاز دارید که سرمایه‌داران دفاتر خود را باز کنند تا مثلاً سرمایه‌داران فاسدی که سودهای کلان، سودهایی که باید برای شما و در راه رفع بیشتر نیازهای شما استفاده شود را به جیب می‌زنند افشاء شوند. منظورم این است که ما به یک سری مطالباتی احتیاج داریم که آگاهی و مبارزهٔ کنونی طبقهٔ کارگر را با آن مبارزهٔ استراتژیکی که آن را به هدف نهایی خود می‌رساند، پیوند دهد. این همان وظیفهٔ خطیری است که ما امروز با آن روبرو هستیم.

بنابراین دو مسئله را باید از هم تشخیص داد؛ و آن اینکه باید فهمید که طبقه کارگر دارای پیشروان سیاسی و طبیعی خود است. یعنی آگاه‌ترین و رادیکال‌ترین قشر آن. بنابراین باید برای ایجاد و زنده نگاه داشتن این پیشروان تبلیغات سیاسی خود را سازمان دهیم؛ و در عین حال آژیتاسیون در درون توده طبقه کارگر، جهت بدست آوردن حمایت آنان را به پیش برد. بنابراین بین تبلیغات سیاسی برای پیشروان کارگری و آژیتاسیون در میان توده کارگران باید تفاوت قائل شد. اما ماهی بدون آب نمی تواند شنا کند. برای انجام آژیتاسیون در میان توده‌ها باید ابتدا آنها را به مبارزه فرا خواند.

بنابراین نمی‌توان در حالی که مطالبات نهایی انقلاب را در مقابل طبقه کارگر قرار می‌دهیم، توده این طبقه را از یاد ببریم. از سوی دیگر نبایستی کاری کرد که بعضی از سازمان‌های سیاسی در این کشور انجام می‌دهند، یعنی کارگران را تنها با شعارهای اقتصادی به مبارزه فرا خواند و خود را هم در آخر به عنوان دنبالچه‌ای از آن مبارزات قرار داد. این سازمان‌ها فقط نگاه می‌کنند طبقه کارگر چه می‌گوید، پس از آن همان را به زبان بهتری تکرار می‌کنند. این روش نه تنها طبقه کارگر را به جایی نمی‌رساند، بلکه به لحاظ تئوریک امکان

وقوع انقلاب را برای همیشه ازبین می‌برد.

مبارزات طبقه کارگر هرگز به جلو سوق پیدا نخواهد کرد اگر شما آنچه را که کارگران می‌گویند فقط تکرار کنید.

(ادامه دارد)

یادداشت

(۱) در سال ۱۹۶۳ ، وقتی که دو جناح بین الملل چهارم با هم وحدت کردند، گرایشی فعالیت جداگانه خود را به نام بین الملل چهارم ـ کمیته بین المللی ادامه داد. گروه اصلی این گرایش بخش‌بریتانیای‌آن ـحزب انقلابی کارگران ـ نام داشت. در سال ۱۹۸۶ انشعاب این گروه موجب ایجاد چند گروه ، منجمله حزب انقلابی کارکران (نشر کارکران) و اتحادیه بین الملل کارگران گشت .

www.iran-archive.com

صدای در گلو خفه شده مرا هم فریاد کنید!

با سلام و درودهای کمونیستی ، ضمن قدردانی فراوان از کلیه رفقائیکه در تهیه و توزیع این نشریه همکاری بعمل آورده ، نشریه کارگر تبعیدی حاوی مطالب و اخبار ارزنده ای است در جهت روند و پیشبرد جنبش کارگری. باشد تا با این تلاشهای پی گیر دین انقلابی و کمونیستی خود را نسبت به این جنبش در حال رشد هر چه بیشتر ادا نمائیم . چنین باد !

چندی پیش در شهر وستروس در بیمارستان بستری بودم. روی تخت بیمارستان ،کارگر تبعیدی شماره ۲۱ را مطالعه می کردم. در صفحهٔ ۱۷ (قسمت مطالب رسیده به «کارگر تبعیدی») به مطلبی برخورد کردم .

«رفیق م ـ الف ـ گزارش مشروح و جامع شما در بارهٔ مصادرهٔ زمینهای منطقهٔ ساوجبلاغ و نظر آباد کرج توسط ایادی رژیم و مقاومت کشاورزان برای جلوگیری از مصادرهٔ زمینهای شان بدستمان رسید. این نوشته حاوی اطلاعات با ارزشی است اما از آنجا که نشریه کارگر تبعیدی یک نشریهٔ کارگری است از درج مطالب دیگر با محدودیت مواجه است و متاسفانه نمی توانیم آنرا به صورت مقاله چاپ کنیم ، معهذا از اطلاعات آن به شکل های مناسب دیگر استفاده خواهیم کرد. منتظر نامه ها و گزارشات کارگریتان هستیم . موفق باشید.»

با اینکه یک روستایی هستم و متاسفانه به اینجا، یعنی اروپا به شکل ناخواسته پرتاپ گشته ام، اما تمام رنج و شکنج و ستم های روا رفته به آن دیار همیشه روی گرده ام سنگینی می کند. ضمن خواندن این مطلب ناگهان بغضی سنگین گلویم را فشرد و دیگر نتوانستم جلوی اشکهایم را بگیرم و هق هقهای متوالی هم به کمک اشکها شتافت و مرا در خود پیچید . تا رسیدن پرستارها ، خود را در روستایم یافتم ، در کنار آنها، روی زمین و کشت و کار، دیداری در روستای دیگر داشتم که جهت کمک به آشنایی برای درو کردن گندم رفته بودم و زنی را پیشاپیش مردان در مزرعه دیدم که آدمی را حیران می کرد و داسش حکم عَلَمی در پیوند با پتک کارگران بود که زمین کشت را در می نوردید. دستان ترک خورده و مردانه اش هیچ لطافت زنانگی نداشت و زمخت و سخت ، چون گذران زندگی اش . . . دیگر از شالی کاران شمال نمی گویم که تا زانو در آب فرو رفته و کمر خم کرده تا لقمه‌ای نان جهت کودکانشان از دل گل و لای بیرون برکشند.

اگر غم را چو آتش دود بودی
جهان تاریک بودی جاودانه

از زمین نان خواستن تحت شرایط کنونی ایران سخت و جانکاه است و باید در دل قطعه ای زمین جوانی گذاشت و عمر برباد داد تا به رزق و روزی رسید. البته اگر خشکسالی و سایر عوارض طبیعی با ما یار باشند! هنگامیکه در باغ انگور کار می کردم و با هزار مشکلات و بدبختی به همراه سایر اعضاء

خانواده اسیر می شدیم ، در موقع برداشت محصول سروکلهٔ دلالان پیدا میشد و نرخ را آنها تعیین می کردند و هزار منت هم بر ما می گذاشتند که محصولمان را خریده اند و به نیمتی چند برابر خود در بازار می فروختند، همیشه به این فکر بودم که آیا کسی نیست این ظلم ها را که بر ما روا میشود فریاد کند و یکی از آرزوهایم همیشه این بوده که در برابر هر حق ناحق شده ای باید وباید بپاخاست . از آنجا که روستازاده ای بیش نیستم ، حرفهایم همانند کشت دیم همان روستایمان می باشد: خودرو و چیزی که می گویم روی آن هیچ فکر و تعمقی نشده است بلکه از ته دلم و آن چیزی که بر من گذشته است سرچشمه می گیرد. روی این اصول بود که با خواندن آن مطلب در نشریه غمگین شدم و در صدد بر آمدم تا این نامهٔ خجالتی و بی سوادی ام را برای شما رفقا ارسال نمایم که چه کسی باید یاور من کشاورز بدبخت از همه جا وامانده ، بدون بهداشت و مدرسه و سایر فلاکتهای دیگر بشود. منهم کارگرم عینهو مثل شما ، اگر تو را در کارخانه به بند می کشند، مرا روی زمین. اگر در کارخانهٔ ریسندگی قسمت حلاجی گردو خاک پنبه روزگار تو را سیاه می کند، روی زمین هم گردوخاک به هنگام بوجاری مرا خفه می کند. اگر در پشت دستگاه و ماشین عرق امانت نمی دهد ، من با گاو و خیشم زمین را شیار میدهم و عرق هم تن مرا شیار میدهد. خلاصه ما دارای درد مشترک هستیم. که باید همدیگر را فریاد کنیم تا صدایمان به اقصی نقاط دنیا

www.iran-archive.com

درد دل کارگران ایرانی در ژاپن

«درخواست ارسال کننده گزارش از هیئت تحریریه »

«در صورت امکان مقاله را خلاصه نکنید. بخصوص در مواردی که صحبتهای عامیانهٔ مسعود و امثالهم و کارگران دیگری که از درددل خود در ژاپن صحبت به میان میآورند، منظورم است . معتقدم واقعیت تمامی لحظه هایی که بر سر ما در اینجا می آید نباید چیزی را از نوشته ها کم و کسر کرد. هر چند ممکن است از نظر ادبی و کلمات و سخنانی که این کارگران بر زبان میآورند،کیفیت آنهادر سطح پائینی باشد اما واقعیت این است که خیلی از آواره های کارگر ایرانی در ژاپن چنین درددلهایی را دارند و با چنین مسائلی گلاویز هستند و صحبتها و گفته های عامیانه ای را با خود به همراه دارند که در خیلی موارد بایستی انسانهای دیگر از این قضایا با خبر شوند.»

برسد، منتهای مراتب تو متشکل هستی ، ولی من متفرق ، اما من هم به جان تو ، آدمم ! . . . آخر منهم میخواهم زندگی کنم . منهم میخواهم دستهایم بیاسایند، منهم میخواهم مکانیزه بشوم ، اختلافم با شهر از بین برود، از جادهٔ خاکی نجات پیدا کنم ، دیگر دوست ندارم مثل نیاکانم فرزند مریضم یا زن حامله ام را برای دوا و دکتر سوار بر الاغ راهی شهر کنم که در بین راه بمیرند، دیگر نمی خواهم ، نمی خواهم . . .

آری من برادر گرد و غبار گرفته ام ـ وتو ـ داداش روغنی ـ بیا تا دست همدیگر را بگیریم و خوشبختی را برای کودکانمان به سوغات ببریم . راستی غیر از ما قشرهای دیگری هم هستند که مثل ما دردمند و استثمار شده هستند، مثلا کارگران ساختمانی (کارگران فصلی) کارگران کوره پزخانه ها، کارگران صنوف و . . . این جوری که نمی شود هر کس سنگ خودش را به سینه بزند، به قول شاعر :

من اگر ما نشوم تنهایم
تو اگر ما نشوی خویشتنی

آخر ما هم خیلی هستیم ، میخواهی بگوئی نه ، نگاه کن :

بر اساس سرشماری عمومی کشاورزی در سال ۱۳۶۷ ، ۲۴ استان ۱۹۶ شهرستان ، ۴۹۵ بخش ۱۵۵۹ دهستان و ۱۰۴۲۶۹ آبادی وجود دارد که ۶۴٪ از آبادی ها دارای سکنه و ۳۶ ٪ خالی از سکنه هستند ، که هم ولایتی های ما یعنی ۳۶٪ را به بهانه های مختلف آنقدر اذیت کردند و گلویشان را فشار دادند و عرصه بر زندگی آنها تنگ کردند تا فرار را بر قرار ترجیح دادند و به حاشیهٔ شهرهای شما پناهنده شدند و هر روز بگونه ای آنهارا می کشند و حلبی آبادهایشان را هم سرشان خراب می کنند و به نوعی قوز بالای قوز برای شما شهرنشینان می شوند.

طبق آمار سال ۱۳۶۷ از ۱۰۴۲۶۹ آبادی کشور ۱۶۱۲۳ آبادی دارای ۵۲۴۸ حلقه چاه عمیق برای استفاده در فعالیت های کشاورزی است ...و بالاخره تعداد خانوارهای بهره

بردار کشاورزی ۳۳۰۸۶۸۱ خانوار می باشد.

دیدی داداش روغنی ، ما هم جمعیت چند میلیو
هستیم ! قول میدهی که اگر من یک بار دیگر مریض شد
اشکم را در نیاوری ؟ . . .

زنده باشید!

داس دراز

دی ماه ۱۳۷۲ خورشید

در سالهای ۶۹ ، ۷۰ ، ۷۱ (مطابق با سالهای ۹۰، ۹۱، ۹۲ میلادی) ، با شروع بحران خلیج و آغاز جنگ آمریکا و همپیمانانش با عراق و محتاج شدن ژاپن به نفت ایران و با از بین رفتن راههای واردات نفت این کشور از کشورهای منطقهٔ خلیج فارس ، معاهده ای مابین دو کشور مبنی بر سرازیر شدن هنگفت نفت ایران به ژاپن و در مقابل لغو ویزای مسافرتی از طرف دولت ژاپن برای ایرانیها، بسته شد. این امر باعث گشت که در طی این سالها گروه کثیری از ایرانیها وارد ژاپن شوند. ورودی که مدت زمان آن طبق قانون مسافرتی نمیبایست بیشتر از ۳ ماه میبود. طبیعی بود که این مسئله خود بخود باعث میشد که بطور غیر قانونی ایرانیهای وارد شده به این جزیره مدت زمان بیشتری را در اینجا بمانند، ماندنی که بدون شک بهمراه خود مسائل مختلفی را برای این انسانهای آواره در کشوری بیگانه آنهم همچون ژاپن بوجود میآورد.

اکثر طیف ایرانیان آواره که برای یافتن کار راهی ژاپن شده اند، جوانانی هستند که مثل همهٔ انسانهای دیگر، در سالهای سیاه حکومت جمهوری اسلامی سالهایی که بجز بیکاری، گرانی ، تورم ، خفقان ، جنگ ، آوارگی ، سرکوب و نبود امنیت چیزی دیگر برای مردم نداشته برای جستجوی کار راهی دیار غربت شده تا از این طریق بتوانند کمبودهای کمرشکنی که روزها و سالها بر آنها مسلط بوده تا حدود اندکی آنها را از پیش پا بردارند و با امید اینکه بلکه بتوانند آینده نامعلوم خود را بعد از برگشتن به ایران با بدست آوردن مقداری سرمایه معین کنند.

این کارگران مهاجر بیشتر کسانی هستند که بعد از پایان خدمت سربازی در هیچ جایی در ایران موفق به یافتن کار نشده اند و یا افرادی که سالها در کارگاهها، صنایع و ادارات مختلف مشغول به کار بوده اند اما بعلت گرانی و تورم سرسام آور ، بالا بودن هزینهٔ زندگی ، بالا بودن اجارهٔ خانه و خیلی از مسائل دیگر برای تامین هزینهٔ زندگی خود و خانواده مجبور به ترک ایران شده تا خود را از زندگی بخور و نمیری که در ایران دارند با چند مدتی کار کردن در خارج نجات دهند.

ناگفته نیست که رژیم جمهوری اسلامی نیز با به فال نیک گرفتن اینکه از طریق راهی کردن جزیی از ارتش بیکاران ایران به خارج ، از میزان بیکاری در جامعه خواهد کاست و یا به حربه قرار دادن اینکه ، هنگام برگشتن این نیروها به کشور، مقدار زیادی ارز خارجی به خزانهٔ دولت سرازیر خواهد شد، همیشه نظر به خروج این نیروهای فعال جامعه به کشورهای دیگر را داشته تابلکه بدین وسیله نیز از جو نارضایتی توده های مردم ، بخصوص اعتراضات بیکاران جامعه به خیال خود، اندکی بکاهد. در سالهای اخیر و ماههای گذشته بر اثر فشار دولت ژاپن به ایرانیها و با برقرار کردن لزوم مجدد ویزا برای ورود به این کشور(۱) ، درصد آمدن ایرانیها به ژاپن بخصوص در سالهای ۷۱ ، ۷۲ و در شرایط کنونی بحد بسیار چشم گیری کاهش یافته ، طوری که در واقع این روزها به سختی میتوان وارد این جزیره شد.

رفتار ناشایست و ناانسانی مسئولین و پلیس ژاپن به هنگام دستگیری افراد و کسانی که اجازهٔ اقامت و ویزا ندارند و روانه کردن اجباری آنها به ایران ، هجومهای نابهنگام پلیس به نقاطی که محل تجمع ایرانیها بوده مثلا بارها معاصره کردن پارک Uneo در توکیو و نیز پارک Yoyogi و یا شینجوکو یکی از نقاط مرکزی شهر و دستگیری عدهٔ زیادی ایرانی در این محلها ، خود عرصه را بر خیلی از ایرانیهایی که در اینجا هستند، تنگ کرده که در اثر آن ناراحتیهای روحی و اجتماعی زیادی را برای این آواره های زحمتکش بوجود آورده است . از یک طرف نیز با وجود این فشارها این فکر به نظر همهٔ انسانهایی که از ایران به اینجا آمده اند، می آید که چگونه میشود با تمامی رنجهایی که تاکنون متحمل شده اند و خود را به اینجا رسانده اند، حال دوباره به جهنم جمهوری اسلامی برگردند. جهنمی که همه چیز را به نابودی کشانده ، جهنمی که نه کار هست ، نه زندگی نه نان،نه راحتی .

این مسائل و خیلی مشکلات دیگر همه و همه دست به دست هم داده و داستانها و قصه های دردناکی را از زندگی ایرانیهای مقیم ژاپن بوجود آورده ، قصه هایی که سرگذشت انسانهای تنها و بی پناه را بیان می کند، قصه هایی که از فشار و جبر نظام های ایران و ژاپن می گوید ، درددلهایی که از کمبود محبت و نبود دوستی ، حرف برای گفتن زیاد دارد.

در این بین ، موقعیتی هم برای من پیش آمد که من هم بتوانم خود از نزدیک مسائل را لمس کنم و در بارهٔ زندگی واوضاع و احوال ایرانی های آواره در ژاپن و چگونگی روزگاری که بر سر آنها میآید، شرح حال هایی بنویسم . شرح حالهایی که با وجود تلخی های دردناکی که دارد، اما امید است رد آورد دورانهای شیرینی برای آیندهٔ همهٔ ما ایرانیها و تمامی انسانهایی که مجبور به ترک و فرار از حکومتها و رژیمهای ترور و سرکوبگر ، رژیمهایی که هیچ حقوق اجتماعی را بر انسانها روا نمی دارند، باشد. با امید اینکه از این طریق با بازگو کردن خاطرات این کارگران مهاجر بتوانم قدر ناچیزی از این درددلها را بگوش دیگر انسانها و دیگر خواننده ها چه در ایران و چه خارج از ایران برسانم ، امیدوارم همچنین این مجموعه هدیه و یادگار ناقابلی برای تمامی کارگران و زحمتکشانی که در ژاپن رنج بسیار کشیده اند، بوده باشد.

www.iran-archive.com

آنروز که با مسعود بودم ، اولین جملاتی که بر زبان آورد این بود که :

« در تمامی روزها و سالهایی که اینجا بوده ام یک شب ، یک شب برای نمونه خواب راحت نداشته ام فقط همین دوهفته ای که کارم را تحویل داده ام و کار نمی کنم توانسته ام شبهای راحتی داشته باشم .»

بیش از ۲ ساعت تمام برایم از غصهٔ دلش میگفت . او بیشتر از من صحبت برای گفتن داشت چرا که طبیعی بودباوجود شرایطی که بروی گذشته بود و مدت زمان بیشتری از من در اینجا بسر می برد درد دل هم برای گفتن بیشتر از من داشت . از شرایطی که در طی ۴/۵ سال به خاطرش می آمد، شروع کرد. میگفت که در کارگاه قالب سازی مشغول به کار بود تا اینکه دوهفته پیش کارش را به برادر کوچکتر از خودش احمد تحویل داده و اینک روزهاست که قصد برگشتن به ایران را دارد. با چهرهٔ غمگین و افسرده ای که صورتش را غمزده تر از همیشه نشان میداد، گفت که کارها را در حال ردیف کردن است و میخواهد تا چند وقت دیگر به ایران برگردد.

میگفت نمیخواهد اینجا بماند. خسته شده، چقدر کار یکنواخت و چقدر صبح برو سرکار شب بیا منزل مثل یک حیوان یک گوشه ای را بگیر و پهن شو. مثل یک گاو نزدیک به چهار سال و نیم است که کار میکنم . آخرش چی . مگه چقدر میتوان پس انداز کرد. مگه با پولی که در آورده ایم چه آینده ای میتوان روبراه ساخت . هر روز بیشتر از ۱۱ ساعت کار.صبح ساعت ۸ تا۱۲ظهر و ۱ تا ۸ شب . دیگه روحیه اش را ندارم . همه کاره شدیم ، مادر شدیم ، پدر شدیم ، فرزند شدیم ، زن خانه شدیم ، همه چی شدیم . این که زندگی نیست. کارها را روبراه کردم رفتم ادارهٔ معرفی نامه . کاغذ پاغذها را گرفته ام و کارهای فرعی کوچکی هم مانده که باید انجام بدم . سفارت هم باید برم . آنجا هم میری آنقدر باید ناله و شفا کنی تا ۲۰ روز تمدید پاس را بهت بدنور کلی هم ناسزا و فحش نثارت می کنند . و اگر هم بخواهند اذیتت کنند بایستی چنان گریه و زاری کنی که بالاخره دلشان به حالت بسوزد تا مهر چند روز تمدید پاس را بدست آوری و در غیر اینصورت میگویند تمدیدی در کار نیست و بایستی بروی ایران تمدید کنی ما مسئول نیستیم باید ادارهٔ گذرنامه این کار را بکند. خیلی بی شرفند. رحم و مروت هم ندارند. بی ادب و بی تربیت با مردم رفتار می کنند.تا وارد سفارت میشوی یا اصلا جوابت را نمی دهند و یا در واقع با طعنه و فحش بیرونت می کنند. دودل هستم . فعلا دوهفته ای ست که دست از کار کشیده ام ولی تصمیم قطعی دارم که برگردم ، اینجا نمیشه دیگه زندگی کرد. آبرویی برایمان نمانده . هیچ جا تحویلمان نمی گیرند. نوکرتم آنقدر این ایرانیها آبروریزی کردند که حیثیت برای هیچ ایرانی نمانده . همه جا صحبت از ایرانیهاست . خلاف کاری تا چه حد. آنروز که آمدم ، بجان تو کفش جلوی پای ایرانیها جفت می کردند، حالا ، حالا دیگه هیچ جا تحویلت نمی گیرند. چقدر کار کثیف . دختر مردم ، دختر ۱۶ ساله ، ۱۲ ساله را بلا سرش آوردند، تجاوز کردند. آخر سر هم فهمیدند که کار ایرانیها بوده . حالا هم خیلی ها تو هلفدونی اند و خیلی ها را هم پس فرستادند. مگه نبود طرف بخاطر ۲ میلیون فقط ۲ میلیون ین سر دختره را برید و فرار کرد. توی ترکیه پیداش کردند و بالاخره پلیس بین الملل گرفتش .

آره داداش ، قربونت واقعا که رغبتی دیگه نمونده . صبح تا شب پرسه زدن ، علاف شدن ، نتیجه ش چی . ادارهٔ آگاهی بی شرف هم چند وقت پیش تو روزنامه های ایران اعلام کرده بود که از زمانی این عده به ژاپن رفته اند ۸۰ درصد دزدیها کمتر شده . این پست فطرتها این چنین میخواهند خودشان را پاک نشان دهند و اینهائی که برای کار آوارهٔ ژاپن شده اند بعنوان دزد قلمداد کنند. دیگه صبرم به لبم رسیده . اونجا پیش ننه بابا هر چه باشه نون شب داریم که بخوریم . دیگه خسته شدم.هیچکسی به تومحل نمی ذاره. زندگی همه اش این نیست که صبح تا شب سرکار بری و آخر سر مثل حیوان بشی . مردم اینجا خویند اما محبت و عاطفه ندارند. عاطفه اصلا سرشان نمیشه . حتی به بچه خودشان . ممکنه سگ و گربه توی خانه ای که دارند بهش محبت کنند و ببوسنش اما بچه و فرزند خودشان را نمی بوسند. زندگی شان شده کار کار کار. کارشده پدر و مادرشان. آخر سر هم مثل حیوان آنقدر مشروب و آبجو بخورند مست کنند تا بلکه فشار کار روزانه را فراموش کنند و صبح دوباره سرکار، این شده زندگی اینجا. شاید همین باعث شده که این چنین پیشرفت کنند. ولی این کارکردنها هم فقط مربوط به طبقهٔ سن کرده هاشان است. طبقه جوان را هم می بینی . لفت و عیش و نوش کرده دنبال عرق خوری و صفا و پاچینکوی (۲) خودش است و علاقه ای به کار نشان نمی دهد. ما را هم که مردمش تحویل مان نمی گیرد. بخصوص ما ایرانیها خیلی منزوی شدیم . هر کار خلاف و کثیفی که ملاء عام متوجه آن خواهد شد، ایرانیها مشغول انجام دادن آن هستند. نگاه کن همین توی Unco ورق فروشی، کارت فروشی ، مواد، همه و همه بدست ایرانیها رد و بدل میشود. ایرانیها بدبختند. تمامی کار سازماندهی و تجارت مواد مخدر را در سطح بزرگ این بنگلادشیها، پاکستانیها، هندیها انجام میدهند و ظاهر قضیه و خرحمالی ش را ایرانیها می کنند. تو چشم و تو ملاء عام جلو چشم این همه ژاپنی دست به چنین کارهایی می زنند و طبیعی ست همه اش به نام ایرانی

www.iran-archive.com

تمام میشه. صد درصد و معلومه که خود دست اندرکاران ژاپنی برنامه ریز ، و تمامی موضوع ، توی دستشون است. ولی هیچوقت خود اینها نمی آیند در انظار عموم خودشان را به دردسر و اسارت بیاندازند. چه کار می کنند، می بینند که ایرانیها احتیاج دارند و دنبال کار می گردند با آنها تماس میگیرند و از این طریق بچه های ایرانی را توی این خط میاندازند. احتیاج به نیرو دارند و منتظرند و خوشحالند که چنین آدمهای محتاجی را در اختیار دارند. هنوز هم هستند که عده ای مشغول چنین کارهایی هستند. کارتهای تلفن را شارژ میکنند و سوراخهایش را با چسب می چسبانند و دوباره میفروشند. دستگاه دارند.

قیمتهای سابق نمونده ، حسابی دیگه حالا رسخ می کشند، ۷ تا ۸ تا اگه تازه بدند. بهانه دستشون آمده . رومال می زنند . جواب هیچکسی را هم نمی دن .

الان با تمام وضعیت سختی که هست ولی میشد از راه آبی با کشتی به اینجا وارد شد. در مقابل سفارت هم میتوان ، از کسانی که به ایران بر می گردند اطلاعات کار و چیزهای دیگر را بدست آورد. دم سفارت کسانی هستند که بر می گردند و با گرفتن انعام ، آدرس و محل کار کردن را به کسانی که دنبال کار باشند می دهند. کسی دیگه نمانده ، دارن همه بر می گردند. نمیتونن اینجا دوام بیارند. اینجا آینده نداره،اعصابها همه داغون شده،اینهایی هم که مانده اند

نوذر،تم اینرا هم بگم که اینجا تو مملکت غریب خوب میشه همونطوران را شناخت . میشه دید که چه همدردی و یا چه همبستگی با همدیگر دارند. اصلا و ابدا اعتناء به یکدیگر نمی کنند. هر که به فکر مال و اندوختن اسکناسه و هیچکسی را معرفت سرش نمیشه. توی ایران هم متاسفانه همینه . آخه این آخوندهای بی ناموس تمامی کشور را زیر سلطه شان گرفتند و تمامی فک و فامیلهایشان را هم سرکار آوردند و هستی و نیستی ملت را هم به نابودی کشاندند. این جوانهای بیچاره را هم آوارهٔ این خاک فلاکت بار کرده اند.

اولها خوب بود آنوقت من آمدم،چندسال و نیم پیش احتیاج داشتند، کارگر میخواستند. برای مثال جوشکار ۱۳ تا (۳) ۱۲ تا ، قالبساز ۱۲ تا ۱۳ تا، کار ساختمانی ۱۰ تا ، ولی امروز اوضاع خیلی خراب شده . خود ژاپنی ها هم وضعشان خوب نیست . از مسئله استفاده می کنند و دیگه اون قدیمی‌هایی هستند که صدتهاست اینجا هستند. اون اوایل که آمدم باور کن ۶ ماه تمام از مایه میخوردم . بیشتر از ۶ تا براه آب خورد(شش هزار دلار) هر چی پس انداز داشتم همه اش رفت . جون تو نمی دانستم که چه باید کرد. حتی پول خرج کردن راهم بلد نبودیم . کسی نبود راهنمایی کنه و اصلا طرز خرید و طرز زندگی کردن را کسی نبود که به ما یاد بده. بعد یواش یواش بعد از ۶ ماه. تازه کار پیدا کردم و تازه فهمیدم چگونه اصلا کار باید کرد و چگونه پولی پس انداز کرد.

در هر صورت امیدوارم در طی چند روز آینده موفق بشم بر دودلیه غلبه کنم و تصمیم نهایی را برای رفتن بگیرم. آخه میدونم برگردم ایران آنجا هم تمامی فکر و دلم پیش اینجاست. نمیتونم که براحتی اینجا را فراموش کنم . توی مملکت با آنهمه بیچارگی و بدبختی که هست آدم باد اینجا می افته و دیگه نمیشه کاری کرد. آهی هم در بساط نداری که

به اینجا برگردی ، مایه دوباره از کجا تهیه کنی .

مسعود(۴) در حالیکه آهی بلند سر کشید، سیگاری را به من تعارف کرد و ادامه داد: زمانیکه از ایران به اینجا آمدم، دیگه به سیم آخر زده بودم . کار نبود، زندگی نداشتم ، شب و روز کارم غصه خوردن و فکر کردن بود، با وجودیکه پیش ننه بودم ، اما اعصابم از بیکاری و دربه دری توی خیابانها و نبود سرگرمی خورد شده بود، روزها را تاظهر می خوابیدم و روی بیرون آمدن از خانه را هم نداشتم . گرانی و تورم و از طرفی چپاول مملکت از طرف این آخوندهای بی همه چیز ، خود بار غصه را برایم بیشتر کرده بود و حال با بودن اوضاع گذشته و بدتر شدن آن در ایران چطوری میتونم به سادگی تصمیم برگشتن را بگیرم. توی اینمدت که اینجا هستم ۲ بار برای نمونه نامه از ایران نداشته ام . کی حوصله نامه نوشتن داره . چی بنویسی. همه اش تلفنی صحبت کرده ام. کسی هم از ایران به دیدارم نیآمده چطوری بیآن با کدام توانایی.

آرزودارم آنروزهم برای کسی پیش نیآدکه اینجا یقه اش پیش کسی گیر کنه . حسن دوستم تقریبا با هم آمدیم . سالهاست عاشق یه دختره شده . تمامی هستی و نیستی و هر چی که در آورده به پای این دختره ریخته . این از همه بدتره . بیایی کلی زحمت بکشی ، پس انداز ناچیزی بکنی بعدش هم اینجوری عاشق بشی . نه ازدواج میتونی بکنی ، نه مایه اش را داری ، نه توانایی ش هست. دیروز که با حسن بودم قسم میخورد، میگفت به ابوالفضل که دیگه دارم قاطی می کنم ، نمیدونم چکار کنم ، پام گیره ، چه کار کنم . آره داداش اینهم یک سره قضیه س . اگه اینجوری ش را هم داشته باشی ، اون دیگه بدتر از همه چیز است . ازدواج کردن که شوخی نیست ، جرات میخواد که ازدواج کنی ، شهامت میخواد.

داداشم را حالا سرکار خودم گذاشتم ، جوانتر از منه ، ۲۱ ساله شه . بذار یه مدت کار کنه . هنوز اول کارشه نیروشو داره . کاری که داشت بد نبود اما کار من بهتر و مفیدتر بود بخاطر همین چون تصمیم گرفتم که برگردم اونو گذاشتم سرکاری که بودم . اما هنوز بر دودلیم فائق نشده ام که تصمیم نهایی را بگیرم. فرمولهای ادارهٔ خارجیها را هم پر کرده ام که تحویل بدم ولی ببینم که بالاخره چی پیش میآد. فعلا اینمدت استراحت و خلاص شدن از کار برایم خوب بوده تا روزهای دیگه حتما تصمیم گیری نهایی را خواهم گرفت ولی همه اش به فکر این هستم که چطوری میتوانم دوباره آن شرایط بدبختی و درماندگی اوضاع داخل ایران را تحمل کنم !

بیژن ـ ژاپن
۱۱ مارس ۱۹۹۴

توضیحات

(۱) با وجود سختگیریهای حکومت ژاپن در قبال خارجیهای کارگر مقیم اینجا و در خیلی موارد دستگیری و اخراج آنها، اما هنوز از راههای مختلف و از طریق راه آبی ، از راه کشورهای آسیایی مثل هندوستان و کشورهای آسیای جنوب شرقی توسط باندهای قاچاق کسانی که قصد ورود به ژاپن را داشته باشند، میتوانند با پرداخت تقریبا ۱۲۰۰ دلار ، خود را به اینجا برسانند. این مسئله بوضوح روشن است که پلیس و دولت ژاپن از همه قضایا آگاه است و بخاطر به جریان انداختن کارگاهها و بازار خود احتیاج به نیروی کار ارزان بخصوص کارگران ارزان قیمت آسیایی دارد. حتی در خیلی موارد چشم پوشی از محل اقامت و محل زندگی خارجیها می کند، چرا که خیلی از صنایع کوچک و کارگاهها با رغبت نیروی کار خارجی را پذیرا هستند و به راحتی از آنها به اندازهٔ ۲ الی ۳ نفر کار می کشند و در کنار آن با پرداخت دستمزد بسیار ناچیزی آنها را به کار می گیرند. طبق آخرین آمار ۳۰۰۰۰ کارگر مهاجر خارجی که از کشورهای پاکستان ، بنگلادش ، کره جنوبی ، چین ، فیلیپین و . . . که بطور غیر مجاز در ژاپن بسر می برند در اینجا مشغول به کار هستند که این عده از حداقل ترین امکانات و حقوق اجتماعی ـ انسانی خود بی بهره و بی نصیب هستند.

(۲) پاچینکو: محل و مکانهایی ست برای بازی با ماشین های اتوماتیک که با پرداخت و انداختن پول به این دستگاهها در صورت داشتن شانس امتیاز بیشتری بدست خواهی آورد و شاید برنده شوی یا در عوض حسابی به ورشکستگی برسی.

(۳) منظور در اینجا ۱۳ هزار الی ۱۴ هزار ین میباشد.

(۴) تمامی نامهایی که در اینجا آورده شده اند، بخاطر حفظ مسائل امنیتی ، نامهای مستعار هستند.

●

سرنگون باد رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی!

www.iran-archive.com

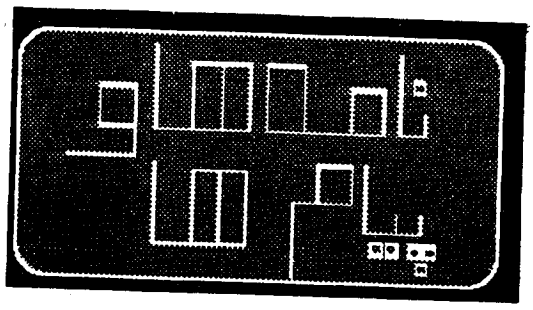

عراق

رفقای اتحادیه بیکاران کردستان ـ نامه و مطالب ارسالی شما رسید. از ابراز تمایل شما برای همکاری در پیشبرد اهداف مشترک بسیار خوشحالیم. نوشته ها و مطالب زیر را از شما دریافت کردیم :

ـ نشریه صدای بیکاران و چند اعلامیه

ـ بیانیه نمایندگان اتحادیه بیکاران سلیمانیه (اکثریت)

ـ نوشته ای در باره جریان بوروکراتیسم و سلطه طلبی در اتحادیه

ـ دو جزوه از فرهاد فرج

ـ اعلامیه عده ای از فعالین جنبش کارگری کردستان عراق و جداشدگان از گروه موسوم به کمونیست کارگری در اعتراض به عملکرد رهبری گروه .

رفقای عزیز : در رابطه با مطالب نامه ها و نوشته های شما توضیح نکته ای را ضروری می دانیم . به عقیده ما تلاش و مبارزه برای تشکل یابی کارگران و آگاهی و وحدت کارگری مبنا و پایهٔ هر گام موثرتر در راه طبقهٔ ما است. به همین سبب شکستن یک تشکل نوپای کارگری ـ بویژه در شرایط حساس منطقه شما ـ و تلاش برای شقه شقه کردن آن با هر هدف و انگیزه ای که باشد علیه منافع طبقه کارگر است و از طرف انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی قویا محکوم می باشد. چنین اقدامی نشان می دهد که مسببین آن یا به آنچه می کنند آگاهی ندارند ویا اینکه اهدافشان ربطی به طبقه کارگر ندارد. بدیهی است که در حد توان خود جهت انتشار اطلاعیه های شما و انعکاس وقایع تحولات جنبش کارگری در منطقه شما خواهیم کوشید. طبیعی است که این تلاش قبل از هر چیز باید در جهت همکاری و همفکری برای غلبه بر مشکلات و حفظ وحدت کارگری باشد. در این راستا نیاز به اخبار و اطلاعات بیشتری از وضعیت شماو موضوعات مورد بحث داریم . با آرزوی موفقیت شما در حفظ وحدت اتحادیه .

ترکیه :

ـ رفیق عزیز یحیی بنا به درخواست شما تائیدیه‌ای از طرف انجمن کارگران به U.N ترکیه ارسال گردید. ضمنا با خبر شدیم که تقاضای پناهندگی شما نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. با آرزوی موفقیت شما منتظر نامه هایتان هستیم . بسیار خوشحال خواهیم شد اگر در باره اوضاع اخیر جنبش کارگری کردستان ایران برایمان مطالبی ارسال کنید.

ـ رفیق گرامی ح ـ م . ما به دودلیل در ارتباط با آن خانواده امکان اقدام نداشتیم . اولا خبر زمانی بدستمان رسید که متاسفانه آن خانواده دپورت شده بودند. ثانیا اطلاعات دریافتی ما در باره آن خانواده و وضعیتشان بسیار ناچیز بود.

ـ هاشم عزیز . نامه ای به همراه مطالب و نوشتجات و نشریات انجمن برایتان ارسال گردیده ، چنانچه آنرا دریافت کرده اید ما را مطلع نمایید.

ـ الف . الف . از اینکه شما از پنجمین هیئت کشورهای پناهنده پذیر رد شدید متاسف شدیم . ما در باره وضعیت شما و شیوه رفتار U.N یک نامه اعتراضی تنظیم کرده و به ژنو و ترکیه و امنیستی ارسال نمودیم . ضمناً جهت اقدام موثرتر با چند تشکل دیگر صحبت کرده و درخواست همکاری نموده ایم . امیدواریم که این تلاشها موثر افتد.

ـ کمیته پناهندگان آنکارا و شهرستانهاء مدتهاست از شما نامه یا نوشته ای دریافت نکرده ایم. آیا فعالیت کمیته شما تداوم دارد یا نه ؟ معتقدیم چنانچه فعالیت تان به دلیل انتقال به کشور ثالث یا هر دلیل دیگر تداوم ندارد بهتر بود آنرا رسما اعلام می نمودید.

کانادا

ـ ف . ف. نامه ها و مطالب ارسالی شما رسید. اخبار تهیه شده برای بولتن خبری و یک مقاله شما در پاسخ به مطالب نشریه کارگر امروز بدستمان رسید. بابت زحماتی که جهت تهیه و ارسال آنها کشیده اید سپاسگزاریم. رفقای عزیز راجع به مقاله شما توضیح یک نکته ضروری است . نوشته شما اگر چه مفید و شامل مطالب ارزشمندی است اما نظر ما این است که برخورد آن دوستان متاسفانه فاقد ارزش انتقادی یا مباحثه است و با اهداف و دلایل معینی صورت گرفته

www.iran-archive.com

اما در عین حال معتقدیم نباید به همان زبان و شیوه که آنها علیه ما سخن گفته اند، به آنها پاسخ بدهیم. درگیر شدن در شیوه های سیاستمدارانه و جنجال های تبلیغاتی در شأن کارگران سوسیالیست نیست. با آرزوی موفقیت شما . منتظر نامه هایتان هستیم .

دانمارک

ـ ب ج. ضمن تشکر از زحمات شما مطالب ارسالی و مصاحبه با یکی از فعالین جنبش کارگری بدستمان رسید. موفق باشید.

نروژ

ـ رفیق ص . نامه شما رسید. یک نامه به همراه مطالب دیگری برایتان ارسال گردید.

هلند

ـ الف . س . نامه شما رسید. بولتن خبری و نشریه کارگر تبعیدی را بنا به درخواستتان برایتان ارسال کردیم . جهت دریافت منظم آنها، پیشنهاد می کنیم با واحد هلند تماس بگیرید.

سوئد

ـ مسعود عزیز، نامه شما را دریافت کردیم . در جریان وضعیت شما و مشکلاتی که اکنون با آن درگیر هستید نبودیم . نشریه را به آدرس جدیدتان ارسال خواهیم کرد. منتظر نامه شما هستیم .

ـ سیامک عزیز، نامه و گزارش ارسالی شما بدستمان رسید، سپاسگزاریم .

ـ الف (داس دراز) داشتن رفقایی چون شما موجب دلگرمی ماست. مطلب انتقادی دلنشین تان و دیگر نامه ارسالی بدستمان رسید. اعلامیه های اول ماه به انجمن نیز برایتان ارسال گردید. موفق باشید.

ـ **قابل توجه مشترکین نشریه کارگر تبعیدی :**

واحدهای توزیع نشریه در سوئد، انگلستان و آلمان از آندسته مشترکینی که حق اشتراک خود را پرداخت ننموده اند درخواست می نمایند تا جهت کاستن از بار فشارهای مالی حق اشتراک نشریات دریافتی را به آدرس آن واحدها ارسال نمایند.

انگلستان

ـ رفیق گرامی «م» . هیئت هماهنگی از زحماتی که شما بابت تهیه متون درخواستی و ارسال آنها کشیدید، تشکر می کند.

ـ رفقای بولتن انگلیسی ، شماره اول بولتن انگلیسی را دریافت کردیم . زحمات شما قابل قدردانی است. امیدواریم که این اقدام شما تاثیر بسزایی در ارتقاء فعالیتهایمان در ارتباط با اتحادیه داشته باشد.

با توجه به اینکه بولتن حاوی مطالب برگزیده است ارسال آن برای اتحادیه ها و شعبات آنها بسیار مفید است و به نیاز ما در این عرصه پاسخ می دهد. موفق باشید.

ـ اعضاء و واحدهای انجمن ! رفقای گرامی گزارش دوره ای ششماهه هیئت هماهنگی به آدرس های شما ارسال گردید. منتظر نظرات و نامه های شما هستیم .

ـ دوستان ایران بولتن ، نامه شما رسید. تلاش می کنیم تا از هر شماره نشریه یک عدد برایتان ارسال کنیم .

در توزیع و پخش

کارگر تبعیدی

ما را یاری دهید.

نامه ها و مطالب رسیده به «کارگر تبعیدی»

* رفیق عزیز امین . گ هر دو نامه شما بدستمان رسید. در باره اطلاعاتی که از ما جویا شده بودید، جداگانه نامه ای برایتان ارسال شده است. دستتان را به گرمی می فشاریم و برایتان در جهت پیشبرد اهداف مشترکمان آرزوی توفیق داریم .

* رفیق عزیز صادق، نامه ات بدستمان رسید. در باره اطلاعاتی که نوشته بودید از لطف شما متشکریم. دستتان را به گرمی می فشاریم و منتظر نامه های دیگری از شما هستیم.

* دوست گرامی فرجی ، در مورد درخواستتان پیرامون رسیدگی به پرونده شما در آلمان ما پیگیری به عمل آوردیم و نتیجه آنرا طی نامه ای برایتان ارسال نمودیم .

* مولف محترم معین الدین محرابی ، ضمن خرسندی از دریافت نامه تان ، از توضیحاتی که پیرامون مجموعه اول و دوم «معرفی کتاب» دادید، سپاسگزاریم و منتظر دریافت این مجموعه هستیم.

* رفیق عزیز سهند، شعر و دو مقاله ارسالی شما بدستمان رسید. همانگونه که ملاحظه می کنید ما یکی از مطالب شما را در این شماره به چاپ رسانده ایم. خواهشمندیم آدرسی در اختیار ما قرار دهید تا پیرامون چگونگی ادامه همکاری هایمان مکاتبه مستقیم با هم داشته باشیم.

* رفیق آزاده ک. د از هلند، ضمن قدردانی از تلاشهای شما به

www.iran-archive.com

اطلاع می رسانیم که اخبار ارسالی تان بدستمان رسید.

* هادی ـ ش ـ ح ، دو مطلب از شما به نام های «سرنوشت رقت بار کودکان اعضای سازمان مجاهدین خلق » و «ساواک رجوی فعال میشود» در ارتباط با شیوه های سرکوبگرانه و چهره ضد انسانی این سازمان، بدستمان رسید. از اطلاعاتان متشکریم .

* دوست گرامی ه بخ ، نامه تان دریافت شد ، به اطلاع می رسانیم که به آدرس مورد نظرتان نشریات و توضیحات مورد نظر را فرستادیم .

* رفیق بیژن (ژاپن)، نامه مورخ ۱۱ مارس ۹۴ بدستمان رسید. در این نامه شما نکاتی را طرح کرده اید که بدان پاسخ می گوئیم .

۱ـ در رابطه با «درددل» کارگران ژاپنی بنا به توصیه شما بدون هیچگونه تغییری چاپ خواهد شد.

۲ـ از اینکه می توانید رابطه انجمن را با چند اتحادیه کارگری و دهقانی ژاپن برقرار نمائید متشکریم.در همین رابطه ما یک نامه مفصلی تهیه کرده ایم که برای شما ارسال خواهیم کرد.

۳ـ متن ترجمه مقاله ای که در باره کارگران زن تایلندی را ارسال کرده بودید به همان نشریه مزبور که خواسته بودید ارسال کرده ایم.

۴ـ نشریه آلمانی زبان انجمن را حتما به آدرس کتابخانه پست خواهیم کرد.

منتظر نامه های دیگر شما هستیم و برای شما در راه نبرد مشترکمان آرزوی پیروزی داریم .

* ق ـ ص عزیزمطلب شما تحت عنوان «به یاد اعتصاب تاریخی کارگران نفت در ۶۵ سال پیش » بدستمان رسید. از همکاری شما سپاسگزاریم.این مطلب را در شماره های آتی نشریه به چاپ خواهیم رساند. همچنین ، مطابق با درخواستتان تصحیحات مورد نظر را وارد مطلب نمودیم .

ـ رفیق صادق ، نامه دوم ت
به همراه مطلب ارسالی برای نشر
بدستمان رسید. با تشکر فراوان از ش
در اسرع وقت نامه ای برایتان خواه
فرستاد.

ـ رفیق ایوب ، مبلغ ..
شلینگ اتریش بابت هزینه نشریا
ارسالی بدستمان رسید، متشکریم .

ـ رفیق ح. خدری .مبلغ (۲۰
مارک فنلاند معادل ۲۰ مارک آلمان
بابت بهای اشتراک نشریه بدستما
رسید.

ـ رفقای هیئت هماهنگ
نامه ها، گزارشات وضعیت واحدها
انجمن، گزارشات سیاسی ـ اجتماعی
مقالات و اعلامیه های شما بدستما
رسید. با تشکر فراوان از زحماتتان.

ـ رفقای واحد کانادا نامه
مطلب ارسالی تان بدستمان رسید.
این باره نامه جداگانه ای برایتان ارس
خواهیم داشت . پشتکار شما ما
دلگرمی ماست .

کتابها و نشریات رسیده

* ورزش قهرمانی در جمهوری اسلامی ایران ـ دو مقاله ـ انتشارات آغازی نو ـ تابستان ۱۳۷۲
* بولتن آغازی نو ـ ویژه کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین ـ سال چهارم ـ شهریور ۱۳۷۲
* آوای زن شماره ۱۷ ـ نشریه زنان ایرانی ـ سال سوم ـ ژانویه ۱۹۹۴
* پیوند شماره ۱۰ـ دسامبر ۹۳ـ انجمن مهاجرین و پناهندگان ایرانی بریتیش کلمبیا
* پیشرو ـ ارگان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران ـ کومه له ـ به زبان کردی ـ شماره ۴۷ (ژانویه ۹۴) و شماره ۴۸ (فوریه ۹۴)
* رسانه ـ نشریه تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران ـ شماره ۷۱ـ ژانویه ۹۴
* کمونیست ـ ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران ـ شماره ۶۸ ـ آذرماه ۷۲
* بولتن آغازی نو ـ شماره ۲۵ ـ بهمن ۱۳۷۲
* انترناسیونال ـ نشریه حزب کمونیست کارگری ایران شمارهای ۱۱ و۱۲ ـ بهمن ۷۲
* دفترهای کارگری سوسیالیستی ـ شماره ۲۰ـ مارس ۹۴
* اتحادکار ـ ارگان مرکزی سازمان فدایی ـ ایران ـ شماره ۵۱(دیماه ۷۲) و شماره ۵۳(اسفند ۷۲)
* بولتن خبری ـ کمیته خارج سازمان فدایی ـ ایران ـ شماره ۱۷ و ۱۹
*Human Rights_under the Islamic Republic of Iran
*Kampf gegen die Faschisierung in Deutschland
*Neue Arbeiter Presse Nr.773 bis 787

www.iran-archive.com

بیاد کارگران آبادان و "فیدوس"

سالهای ۴۰ تقاضا برای کار در شهر آبادان زیاد بود. صدها هزار تن از سراسر شهرهای ایران برای کار بطرف آبادان سرازیر میشدند. آبادان شهری بود استثنائی که بعلت وجود پالایشگاه عظیم نفت ، کار منظم و فرهنگ خاصی را بوجود آورده بود. هر روز صبح هزاران کارگر با صدای «فیدوس» از خواب بیدار میشدند و پس از صرف صبحانه همچون پرندگانی که بدامن طبیعت بپرواز در میآیند، بسوی بخشهای مختلف موسسات نفتی هجوم میبردند. عده ای با پای پیاده ، عده ای با دوچرخه و عده ای هم با تریلرهای(۱) سبز رنگ و درازی که به صندوق درازی میماند، بسر کار میرفتند. اکثر این کارگران ناهار خود، که در «سه پرتاس»(۲) و یا دستمالی بود با خود حمل میکردند. آنها صفا و هیبتی عظیم و زیبا داشتند. انسانهائی که برادروار با قلبهای شاد بسوی سازندگی میرفتند، انسانهائی که حامل محبت و دوستی برای یکدیگر بودند، در میدان کار ، در منزل، در قهوه خانه غرق شادی بودند. با چهره های سادهٔ شان ، با لباس کارشان ، با شوخی و خنده ها و متلک های شیرینشان . لینهای احمد آباد مملو از جوانان و نوجوانانی بود که بانواع بازیها و از جمله فوتبال مشغول بودند. در این لینها مردها همه صمیمی ، زنها همه غم خوار هم و بچه ها همچون پسر عمو و دختر عمو مینمودند. روابط بین آنها بسیار بسیار نزدیک و ساده بود. بسادگی میشد از این خانه به آن خانه رفت. در شبهای تابستان مردم روی پشت بامها میخوابیدند و بسادگی میشد با چند خانواده تماس گرفت و از گفتگو با آنها لذت برد. این روابط نشانی بود از اینکه در میان زحمتکشان دیوار پلید طبقاتی بسیار بسیار کوتاه بود، پنجره قلبها بسوی یکدیگر باز بود و بسادگی میشد بدرون آن رفت.

من در آنروزها در یک آهنگری نزدیک حمام «جرمن» کار میکردم با روزی ۸ تومان . ظهرها با همکارم به قهوه خانه ای در آن نزدیکی میرفتیم و دونفری یک دیزی میخوردیم که فقط ۲۵ ریال میدادیم . ابتدا کمی دنبه و یک گوجه را میکوبیدیم ، سپس آب دیزی را ریخته و «ترید» میکردیم، و دونفری در یک کاسه میخوردیم . عصرها گاهی به سینما و گاهی هم به بازار صفای احمدآباد برای خرید لباس و یا کفش میرفتیم . بازار صفای احمد آباد واقعا صفائی مخصوص داشت: صدها نفر با لباسها و قیافه های کارگری در آنجا پرسه میزدند، هر کس چیزی برای فروش یا خرید داشت . دلالها با فریادهای مخصوص خود مردم را متوجه خود میکردند.

آری ، آبادان شهر صفا و صمیمیت و کار ، شهر کارگران فولادی ، کارگرانی که هزاران تن فولاد را بر سر دست در آسمان نگهداشته بودند، شهر هزاران کارگر زحمتکشی که نمونه ای عظیم از رابطه انسانی و تولیدی را بنمایش گذاشته بودند . تجمع آنهمه زحمتکش در این شهر، فرهنگی متحدانه نیز در بین این مردم بوجود آورده بود. بهمین جهت بود که این اتحاد کارگری توانست در روزهای انقلاب نقش پر اهمیتی را بازی کند. وقتی کارگران فولادین شرکت نفت بمیدان مبارزه آمدند، سایر مردم در سراسر ایران احساس غرور کرده و انقلاب از پشتوانه عظیمی برخوردار شد، پشتوانه ای که ضربه ای کاری به نظام متعفن شاهنشاهی وارد ساخت و شاه را به زباله دان تاریخ پرتاپ کرد.

فراموش نکنیم آبادانمان را ، شهر زحمتکشان متحد، شهری که نقش عظیمی در مسیر مبارزه علیه ستمشاهی داشت. ارتجاع خمینی و حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی پس از انقلاب بیشترین ضربه را بر مردم آبادان وارد کرد. رژیم خمینی بسیار کوشید تا کارگران شرکت نفت را مقهور کند، اما آنان براه خود ادامه داده و بدون شک اینبار نیز آنان ضربه کاری تری بر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی خواهند زد.

زنده باد اتحاد کارگران

درود برانجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی

سهند _ ۹۳/۱۱/۲۸

توضیحات :

۱ـ سه پرتاس: ظروف غذای فلزی (روی یا آلومینیم) که روی هم قرار می گرفتند، و معمولا از ۳ و یا ۲ ظرف تشکیل میشدند، کارگران نفت معمولا غذای خود را از خانه به سر کار می بردند.

۲ـ تریلری: سرویس کارگران نفت . شرکت نفت علاوه بر کارگران ، از همین تریلریها بعنوان وسیله نقلیه خانواده های کارگری در سطح شهر آبادان نیز استفاده می کرد. مشابه شهرداریها که از اتوبوس های واحد بعنوان وسیله نقلیه اهالی شهرها استفاده می کنند.

www.iran-archive.com

مصاحبه با یکی از رهبران اتحادیه فلزکاران دانمارک

مصاحبه زیر توسط رفیق حمید(ازدانمارک) بایکی از رهبران اتحادیهٔ کارگران فلزدانمارک صورت گرفته است.

ـ کمی در مورد خودت صحبت می کنی ؟

ـ اسم من Johnny Lausen است. من دبیر یکی از شعبات اتحادیه کارگران فلز کار دانمارک هستم . این اتحادیه در کل شامل ۱۰۰ شعبه بوده و من دبیر شعبه ۱۲ این اتحادیه هستم . من فعالیت اتحادیه ای خود را بعنوان نماینده منتخب کارگران در کارخانهٔ موتور سازی B &W آغاز کردم و از نظر سیاسی نیز من مدت ۳۰ سال عضو حزب کمونیست دانمارک بودم ، ولی در سال ۱۹۹۰ ، هنگامیکه این حزب به حزبی رویزیونیستی تبدیل گردید به فعالیتهای خودم در این حزب پایان داده و از آن کناره گیری کردم.

ـ کمی درمورد اتحادیه کارگران فلزکار دانمارک بگو

ـ شعبه ۱۲ اتحادیه کارگران فلز کار دانمارک ، که من دبیر آن هستم ، در تمام دوران موجودیت خود فعالانه احزاب چپ دانمارک را در عرصه مبارزات سیاسی تقویت و پشتیبانی کرده است . شعبه ۱۲ سابقه شرکت فعال در حرکتهای توده ای متعددی را در دانمارک دارد. برای مثال میتوانم به جنبش مردم علیه بازار مشترک اروپا ، جنبش های ضد نژادپرستی، جنبش های صلح و جنبش های کارگران بیکار علیه بیکاری، اشاره کنم . تعداد اعضاء شعبه ۱۲ اتحادیه کارگران فلزکار دانمارک ۱۰۰۰ نفر بوده، اما مجموع اعضاء ۱۰ شعبه اتحادیه کارگران فلز دانمارک حدود ۱۴۰۰۰۰ نفر است این بدان معناست که کارگران فلز کار متشکل در اتحادیه کارگران فلزکار حدود ۹۵ درصد کل کارگران شاغل در این رشته از صنایع را در دانمارک شامل میشود.

ـ دلیل بیکاری در میان اعضاء شما چیست و بنظر توچگونه میتوان علیه این بیکاری مبارزه کرد؟

ـ توضیح علل بیکاری در میان اعضاء اتحادیه کارگران فلزکار و بطور کلی در میان کارگران دانمارک ، کار چندان ساده ای نیست ، چرا که علل وجود بیکاری را میتوان بخشا در سیاستهای اقتصادی دولت ، پیشرفت تکنیک تولید و بالاخره تسلط اقتصادی کارفرماها جستجو کرد. اما میتوان با اطمینان گفت از آنجا که بیکاری ساخته دست انسانها است بهمین دلیل نیز میتوان آنرا به وسیله مبارزات مشترک انسانهای دیگر از سر راه برداشت .

ـ نظرت در مورد اینکه ادعا میشود بیکاری کارگران اروپائی به دلیل وجود مهاجرین و پناهندگان است چیست ؟

ـ وقتیکه عده ای میگویند که دلیل بیکاری در میان کارگران اروپا وجود مهاجرین و پناهنده در این کشورهااست ، این متاسفانه از یکسو به دلیل ناآگاهی و از سوی دیگر تشدید وخامت اوضاع اجتماعی است که بویژه هنگام افزایش روزافزون تعداد بیکاران به نحو چشمگیری عمل می کند. اکنون در کشورهای عضو بازار مشترک اروپا تعداد بیکاران به مرز ۲۰ میلیون نفر رسیده است و حتی بفرض اینکه بتوان تمام پناهندگان و مهاجرین ساکن در این کشورها را وادار به ترک اروپا کرد، تعداد بیکاران از تعداد فعلی تنها کاهشی برابر با ۱۰ درصد خواهد داشت ، یعنی تنها ۲ میلیون نفر از تعداد بیکاران این کشور کم شده ولی هنوز ۱۸ میلیون نفر از داشتن کار محروم خواهند بود.

ـ درآخرین«قراردادد ستجمعی»که ازسوی اتحادیه شماواتحادیه کارفرماهابه امضاء رسید، کارگران چه خواسته هائی داشتند؟

ـ در آخرین «قرارداد دستجمعی » ، اتحادیه ما خواهان کاهش ساعات کار از ۳۷ ساعت به ۳۵ ساعت در هفته بود. ما اینرا نیز میدانستیم و به اعضاء خود نیز گفته بودیم که اگر بتوان از طریق کاهش ساعات کار هفتگی کارگران شاغل کمی به حل معضل بیکاری کمک کرد این تنها در صورتی خواهد بود که ساعات کار هفتگی به ۳۰ ساعت کاهش یابد. البته روشن است که این کاهش ساعات کار هفتگی به معنی کاهش دستمزدها نبوده و در واقع ماخواستار ۳۰ ساعت کار هفتگی با دستمزد کامل خود بودیم و هستیم .

ـ نظرت در مورد بازار مشترک اروپا و پی آمدهای آن برای کارگران دانمارکی چیست ؟

ـ اتحادیه کارگران فلز کار دانمارک یکی از مخالفین سرسخت بازار مشترک اروپا بوده و خود من از سوی «جنبش مردم علیه بازار مشترک» برای انتخابات نمایندگان «پارلمان اروپا» که در سال ۹۴ برگزار خواهد شد، کاندید شده ام. ما می گوئیم که تمام تصمیمات مربوط به سیاستهای اقتصادی و اجتماعی کشورهای عضو بازار مشترک تنها توسط انحصارات سرمایه داری که قدرت واقعی را در بازار مشترک در دست دارند، اتخاذ میشود و این شیوهٔ تعیین روندهای اقتصادی و اجتماعی نمیتواند بنفع کشورهای عضو بازار مشترک اروپا باشد.

www.iran-archive.com

مبارزات کارگری در سال ۹۳

حمید ـ دانمارک
۱۵ ژانویه ۱۹۹۴

در پی فروپاشی کشورهای بلوک شرق و در راس آنها «اتحاد شوروی» و بر هم خوردن موقت توازن قوای جهانی بنفع امپریالیستها، فرصت مناسبی برای سرمایه داران کشورهای امپریالیستی دست داد تا یورش همه جانبه ای را به دستاوردهای مبارزاتی طبقه کارگر کشورهای خود آغاز کنند. این فرصت از این زاویه نیز قابل بررسی و دارای اهمیت است که امپریالیستها توانستند با تبلیغات کر کننده خود حول «پیروزی سرمایه داری بر سوسیالیسم » و تقدس اقتصاد بازار آزاد سرمایه داری ، توجه توده های کارگر و زحمتکش کشورهای خود را از بحران عمیق اقتصادی که خود با آن دست به گریبان هستند، منحرف کرده و بار دیگر توده های مردم را نسبت به اثرات اقتصاد بازار آزاد سرمایه داری دچار توهم نمایند. سرمایه داران کشورهای امپریالیستی به بهانه «لیبرالیزه» شدن بازار جهانی و در نتیجه تشدید رقابت با کشورهای آسیای شرقی و اروپای شرقی که از نیروی کار ارزان برخوردار بوده ، یورش همه جانبه ای را در شکل صرفه جوئی در هزینه های تامین اجتماعی ، اخراج هزاران کارگر به بهانه «تعدیل اقتصادی» و تقویت قدرت رقابت با دیگر سرمایه داران ، به طبقه کارگر کشورهای خود آغاز نمودند. در نتیجه این یورش در سالهای اخیر شاهد تعطیل کارخانجات و اخراج کارگران کشورهای اروپائی و انتقال همین کارخانجات به کشورهای آسیای شرقی و اروپای شرقی که امکان تامین «نیروی کار ارزان» را برای سرمایه داران اروپائی و آمریکائی دارند ، بوده ایم . در مورد فریبکاری سرمایه داران همین بس که آنها تولید کالاهای مزدبر خود را به همان کشورهائی انتقال می دهند که دائم به بهانهٔ تشدید رقابت با این کشورها دست به اخراج کارگران و اعمال تضییقات اقتصادی به توده های مردم می زنند. ولی همانگونه که اشاره رفت این یورش سرمایه داران تنها زمانی به اهداف ضد انسانی خود دست خواهد یافت که بتواند تمامی دستاوردهای مبارزاتی جنبش طبقهٔ کارگر اروپا را که در طول

ـ زمانیکه سرمایه داران کارگران را اخراج کرده و در پی سود بیشتر، کارخانه های خود را به کشورهای «نیروی کار ارزان » انتقال می دهند(مانند تعطیل کارخانجات صنایع دوزندگی و ریسندگی در دانمارک و انتقال آنها به کشورهای اروپای شرقی)، وظیفه اتحادیه های کارگری چه میتواند باشد؟

ـ روشن است که در این شرایط وظیفه ما نه تنها همبستگی با کارگران اروپای شرقی است بلکه باید به آنها کمک کنیم تا با ایجاد تشکل های مستقل و واقعی خود بتوانند سطح دستمزدهای خود را افزایش داده و دیگر برای سرمایه داران اروپائی «نیروی کار ارزان » محسوب نشوند. زمانیکه کارگران کشورهای «نیروی کار ارزان » در مقابل همان کاری که کارگران دانمارک برای انجامش دستمزد بالاتری مطالبه می کنند، دستمزدی ناچیز و کم دریافت می دارند، این تنها نشاندهندهٔ استثمار وحشیانه و غیر انسانی تر نیروی کار این کارگران در مقایسه با کارگران دانمارک است.

ـ آیا میدانی که کارگران ایران حق ایجاد تشکلهای مستقل صنفی خود را ندارند و با توجه به وخامت اوضاع اقتصادی و نبود حق بیکاری ، وضعیت دشواری را در مبارزه خود علیه اجحافات سرمایه داران از سر می گذرانند؟ در این شرایط چگونه می توانید به مبارزات کارگران ایران یاری رسانید؟

ـ اتحادیه ما شناخت کافی از وضعیت کارگران ایران دارد. ما همیشه و از طریق تشکیل و شرکت در کمیته های همبستگی نه تنها از مبارزات کارگران ایران ، بلکه از مبارزات کارگران در دیگر کشورهای جهان پشتیبانی و حمایت کرده ایم. ما هم اکنون عضو ۲ کمیتهٔ همبستگی در دانمارک هستیم که امر حمایت از مبارزات کارگران در کشورهای دیگر را به پیش می برد.

ـ در خاتمه آیا صحبتی با خوانندگان «کارگر تبعیدی » داری؟

ـ من از فرصتی که در اختیار من قرار دادید تا در مورد اتحادیه کارگران فلز کار دانمارک صحبت کنم از شما تشکر کرده و برای شما در مبارزه تان آرزوی موفقیت دارم.

کاهش ساعات کار تا رفع بیکاری بدون کاهش دستمزد!

www.iran-archive.com

صد سال اخیر موفق به کسب آن شده است ، بازپس گیرد. و از همین روست که بررسی وضعیت جنبش طبقه کارگر اروپا در سالی که گذشت اهمیت می یابد. در سال ۹۳ سرمایه داران و ایدئولوگهای مزد بگیر آنها با دست باز به پیش برد سیاستهای نئولیبرالی خود مشغول بوده و در مقابل جنبش کارگران نیز از حالت سکون خارج شده و تحرک بیشتری را در میان صفوف این طبقه به نمایش گذاشت . در یک کلام ، سال ۹۳ ، سال مقابلهٔ همه جانبهٔ طبقه کارگر اروپا با نتایج مخرب و ضد انسانی نئولیبرالیسم و معجزه اقتصاد بازار آزاد سرمایه داری بود. با هم نگاهی به مهمترین حرکات اعتراضی کارگران اروپائی در این سال بیندازیم .

دولت بلژیک همچون دیگر دولتهای سرمایه داری در اروپا با مشکلات و معضلات متعدد اقتصادی روبرو بوده و به همین دلیل تمام تلاش خود را معطوف به تخفیف بحران فعلی به قیمت فشار بیشتر به کارگران و توده های زحمتکش مردم این کشور کرده است. از سوی دیگر بنا به خواستهٔ «اتحادیه اروپا» کشورهای عضو این اتحادیه باید هزینه های دولتی خود را به میزان ۳ درصد کاهش می دادند در نتیجه دولت بلژیک برای پیشبرد این اهداف دست به تهیه برنامهٔ اقتصادی موسوم به «برنامهٔ مقابله با بحران » زد و با تصویب این پیشنهاد دولت توسط پارلمان این کشور دست به کار اجرای این برنامه شد. بر اساس این برنامه سطح دستمزدها باید منجمد شده، مالیات مستقیم و عوارض دولتی افزایش یافته و هزینه های تامین اجتماعی کاهش می یافت . در مقابل تمام این اجحافات بود که دهها هزار نفر از کارگران بلژیک روز ۲۹ اکتبر یعنی روزی که سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا در بروکسل گرد هم می آمدند، دست از کار کشیده و با اعتصاب گسترده خود، نارضایتی و خشم خود را از این تلاشهای دولت سرمایه داران به نمایش گذاشتند. موج اعتصابات و اعتراضات کارگران بلژیک که در روز ۲۹ اکتبر آغاز شده بود به مدت یکماه ادامه داشته و نقطهٔ اوج این حرکات اعتصابات کارگران در روزهای ۲۶ و ۲۹ نوامبر بود. روز ۲۶ نوامبر ، روزی بود که صدها هزار نفر از کارگران بلژیک در یک اعتصاب عمومی ۲۴ ساعته ، چرخ اقتصاد این کشور را متوقف کردند. در این حرکت اعتصابی که از سال ۱۹۳۶ تاکنون بی سابقه بوده است قطارهای راه آهن ، اتوبوسها ، ادارات پست ، فرستنده های رادیو و تلویزیون ، بانکها، کارخانجات ، مراکز آموزشی و خلاصه هر جائی که نشان از فعالیت انسانها در زمینهٔ اقتصادی ـ اجتماعی داشته به تعطیل کشانده شد. همین اعتراضات در روز ۲۹ نوامبر یکبار دیگر با تمام گستردگی نارضایتی طبقه کارگر بلژیک را به نمایش گذاشته و در همین روز کارگران اعتصابی تدارک اعتصاب عمومی دیگری را برای روز ۱۰ دسامبر دیدند. روز ۱۰ دسامبر که سران ۱۲ کشور عضو «اتحادیه اروپا» برای برگزاری اجلاس شش ماهه خود در بروکسل گرد هم آمدند، مجددا میلیونها نفر در سراسر بلژیک دست از کار کشیده و خواهان عقب نشینی دولت از مواضع تاکنونی خود شدند. این حرکات بالاخره دولت بلژیک را وادار کرد که اجرای سیاستهای ضد کارگری خود را به نحوی دیگر و تحت شرایط دیگر به پیش ببرد و بهمین دلیل این دولت وادار به عقب نشینی موقتی گشت. اما اعتصاب عمومی روز ۲۶ نوامبرنه نقطه پایان این موج اعتصابی بلکه تنها آغاز حرکتی همه جانبه نه تنها از سوی کارگران بلژیک بلکه از سوی تمام کارگران اروپا در اعتراض به اجحافات طبقهٔ سرمایه دار بود. چرا که نه تنها در بلژیک بلکه در ایتالیا ، آلمان ، فرانسه و اسپانیا نیز کارگران و توده های ناراضی مردم متحدا بر علیه تلاشهای سرمایه داران و دولتهای آنها برای انتقال بار بحران فعلی بر دوش طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم ، دست به مبارزه و مقابله زدند. وجه مشترک تمام این حرکات اعتراضی را باید شرکت وسیع کارگران و کارمندان بخش دولتی کشورهای مختلف اروپائی دانست. دلیل این امر نیز تاکتیک شناخته شده دولتهای سرمایه داری در هنگام بروز بحران اقتصادی است. این دولتها برای حفظ و بقاء خود مجبور به کاهش هزینه های خود به حداقل بوده و در این راه نیز گام اول جز اخراج های وسیع در بخش دولتی و صنایع وابسته به دولت ، چیز دیگری نمیتواند باشد. در همین زمان کارگران ایتالیا نیز حرکات اعتراضی خود را به صورت موردی آغاز کرده بودند و نقطه اوج این حرکات نیز اعتصاب گستردهٔ قریب ۱۵ میلیون نفر از کارگران و زحمتکشان این کشور در روز ۲۸ اکتبر بود. در این روز کارگران بنادر ، ترابری هوائی ، راه آهن و راننده های اتوبوس و قطار دست از کار کشیده و اعتراض خود را بر علیه اخراجهای دسته جمعی سرمایه داران و فساد دستگاه اداری این کشور به نمایش گذاشتند.

در آلمان شرقی سابق کارگران مبارزهٔ خود را بر علیه اخراجهای دسته جمعی سرمایه داران آغاز نموده و همزمان صدها هزار نفر از فولز کاران بخش غربی آلمان تظاهرات وسیعی را در چند نوبت و در اعتراض به تعطیلی کارخانه های این بخش از صنایع آلمان انجام دادند. در همین زمان در شهر بن پایتخت آلمان بین ۱۰۰ تا ۱۳۰ هزار نفر از کارگران بخش ساختمان این کشور، در اعتراض به سیاست صرفه جوئی دولت هلموت کهل در هزینه های تامین اجتماعی ، دست به تظاهرات زدند. بر اساس برنامه ریزی دولت آلمان در سال ۹۴ مبلغ ۶۵

www.iran-archive.com

میلیارد مارک از هزینه های تامین اجتماعی این کشور صرفه جوئی خواهد شد. از سوی دیگر ۱۵ هزار نفر از معدنچیان آلمان نیز روز ۱۸ اکتبر تظاهرات وسیعی بر علیه کاهش تولید در تعدادی از معادن این کشور برگزار کردند.

در فرانسه نیز همچون دیگر کشورهای اروپائی تمام تلاش دولت محافظه کار این کشور معطوف به حل و یا تخفیف بحران اقتصادی به قیمت فشار هر چه بیشتر به طبقهٔ کارگر فرانسه بوده است . وخامت اوضاع اقتصادی فرانسه به حدی است که از سال ۱۹۴۵ تاکنون بی سابقه بوده . برای مثال در آخرین ماه سال ۹۳ تعداد بیکاران این کشور به رقم ۳/۲ میلیون نفر رسید که ۱۱/۸ در صد نیروی کار فرانسه را تشکیل میدهد. در این شرایط تنها راه حل دولت خصوصی کردن همه جانبهٔ تمام موسسات و کارخانجات وابسته به دولت بود. با این کار دولت فرانسه امیدوار بود که بتواند از وخیم تر شدن هر چه بیشتر بحران اقتصادی این کشور جلوگیری نماید. اما نتیجه مستقیم پیشبرد چنین سیاستی نمیتوانست چیز دیگری جز افزایش تعداد بیکاران در این کشور باشد. تنها از ماه مارس ۹۳ که دولت ادوارد بالادور زمام قدرت را در فرانسه بدست گرفت تا آخر سال ۹۳، تعداد بیکاران فرانسه افزایشی برابر با ۲۵۰ هزار نفر داشته و تمام شواهد حاکی از افزایش تعداد بیکاران در سال ۹۴ است. این سیاستهای اقتصادی دولت با مخالفت شدید اتحادیه های کارگری فرانسه مواجه شد. هزاران نفر از کارگران و کارکنان موسسات دولتی در یکرشته از حرکات اعتراضی ، نارضایتی خود را از وضعیت موجود به نمایش گذاشتند. نقطهٔ اوج این موج حرکات اعتراضی، اعتصاب کارگران شرکت هواپیمائی «ایرفرانس» در ماه اکتبر ۹۳ بود. بر اساس تصمیم مدیریت این شرکت باید ۴۰۰۰ نفر از کارگران و کارکنان این شرکت اخراج شده و در عین حال دستمزد کارگرانی که میتوانستند به کار خود ادامه دهند نیز باید کاهش می یافت. در تقابل این اجحاف آشکار کارگران «ایرفرانس» دست به اعتصاب زده و باندهای پرواز چندین فرودگاه بزرگ فرانسه را به اشغال خود در آوردند. در نتیجه این حرکت ارتباط هوائی فرانسه با دیگر کشورهای جهان با مشکلات متعددی مواجه شد و در نتیجه تنها به کارگیری نیروهای سرکوب دولت می توانست اوضاع را به حال عادی بازگرداند. برای این منظور نیروهای ویژه پلیس فرانسه دست به کار شده و به کمک ماشین های آب پاش و گاز اشک آور موفق شدند کارگران مبارز ایرفرانس را مجبور به ترک باندهای پرواز فرودگاههای فرانسه بکنند. اما این حرکت اعتراضی که نشان از قدرت عظیم کارگران متحد در مبارزه داشت مدیریت «ایرفرانس» و دولت فرانسه را وادار به عقب نشینی کرده و ضمن اینکه از اخراج کارگران صرف نظر شد، مدیر این شرکت نیز اخراج گشت. از سوی دیگر در همین ماه اکتبر و همزمان با نشست سران کشورهای عضو «اتحادیه اروپا» ، کارگران مبارز فرانسه به دعوت سه اتحادیه بزرگ این کشورCGT.CFDT به مدت یکهفته یکرشته حرکت اعتراضی انجام دادند که با موفقیت کامل و پشتیبانی هزاران کارگر فرانسوی مواجه شد.

در اسپانیا نیز دولت سوسیال دمکرات این کشور روز سوم دسامبر طرح لایحهٔ جدید قانون کار را به پارلمان ارائه نمود. اساسی ترین نکته ای که این قانون جدید کار متضمن آن خواهد بود، افزایش انعطاف پذیری بازار کار اسپانیا است. این به این معنی است که کارگران دیگر امنیت شغلی نداشته و باید خود را برای فروش نیروی کار خود در هر نقطه ای از اسپانیا و برای انجام هر کاری آماده سازند. از سوی دیگر ساعات کار هفتگی نیز بنا به تصمیم سرمایه داران انعطاف پذیر بوده و زمان و مدت تعطیلات نیز بسته به وضعیت تولید هر کارخانه مجددا توسط سرمایه داران تعیین خواهد شد. بر طبق این قانون جوانان اسپانیائی نیروی کار خود را نه از طریق «قراردادهای دسته جمعی» که اتحادیه سرمایه داران و اتحادیه های کارگری منعقد می کنند بلکه از طریق قراردادهایی بنام «قرار داد آموزشی» نیروی کار خود را به سرمایه داران فروخته و به این ترتیب و به بهانه «کسب تجربه» توسط جوانان ، ارائه نیروی کار کارگران جوان بصورت «نیروی کار ارزان» در بازار کار اسپانیا تضمین خواهد شد. از سوی دیگر دولت اسپانیا برای تکمیل این سیاستهای ضد کارگری خود، برنامه ای نیز تحت عنوان «برنامه اصلاحات اجتماعی» را به تایید پارلمان این

برای اشتراک نشریه کارگرتبعیدی با آدرس زیر تماس بگیرید !
Verein der Iranischen Arbeiteremigranten
Postfach 1951
30019 Hannover
Germany
بهای اشتراک یکساله (برای ٦ شماره): ۲۰ مارک آلمان و یا معادل آن
اسم:
خیابان:
شهر:
کشور:
تعداد مورد درخواست:

کشور رسانده است. براساس این برنامه که هم اکنون دولت سعی در اجرای آن دارد، سطح دستمزد کارکران اسپانیا در طول سه سال آینده ثابت مانده و دستمزد کارگران بخش خصوصی کاهشی معادل ۵ درصد خواهد داشت. اما این طرح پیشنهادی دولت برای قانون جدید کار با مخالفت شدید اتحادیه های کارگری اسپانیا مواجه شده و در مقابله با تمام این اجحافات آشکار و بی شرمانهٔ سرمایه داران ، کارگران اسپانیا بنا به مناسبتهای مختلف همچون همزنجیران خود در دیگر کشورهای اروپائی دست به اعتراض و اعتصاب زده اند. برای نمونه اتحادیه های سراسری CCOO وUGT ، بلافاصله پس از ارائه طرح لایحهٔ قانون جدید کار توسط دولت به پارلمان اسپانیا، اعضاء خود را برای برپائی یک اعتصاب عمومی در ماه ژانویه فراخوانده است.

همانگونه که در آغاز اشاره کردم اگر در سالهای ۸۹ تا ۹۲، شاهد تبلیغات کر کنندهٔ امپریالیستها در مورد «شکست ناپذیری» سرمایه داری و اقتصاد بازار آزاد آن بودیم، و همین تبلیغات توانسته بود تا حدی باعث رکود موقت مبارزات کارگران اروپا گردد، اکنون با مرور مبارزات کارگران اروپا در سال ۹۳ میتوان با اطمینان بیشتری گفت که سیاستهای نئولیبرالی سرمایه داران و یورش همه جانبهٔ آنان برای بازپس گرفتن تمامی دستاوردهای مبارزاتی کارگران اروپا در یکصد سال اخیر با مقابله و مقاومت کارگران مواجه گشته و همین مقاومت یکپارچه کارگران ، سرمایه داران را وادار به عقب نشینی هائی نموده است. هر چند نمیتوان گفت که

مبارزات طبقهٔ کارگر اروپا نقطهٔ عطفی را پشت سر گذاشته ولی مشاهده و بررسی مبارزات کارگران بلژیک ، آلمان ، فرانسه ، ایتالیا و اسپانیا مبین این واقعیت است که تنها نیروی متحد و متشکل کارگران و مبارزهٔ یکپارچهٔ آنان است که سرمایه داران را به عقب نشینی واداشته و دستاوردهائی برای کارگران در برخواهد داشت. کارگران اروپا به وضوح دستاوردهای مبارزهٔ متحد خود را دیده و از اینرو به ضرورت مبارزهٔ متحدتر و همه جانبه تر علیه سرمایه داران پی می برند.

نشانیهای پستی

انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی

انگلستان
IRWA
P.O. Box 3646
London Sw 11-5yT
England

آلمان
Postfach 1951
30019 Hannover
Germany

سوئد
Bahar
P.R
S 40256
Göteborg
Sweden

نروژ
A SADEGIH
Deichmans gate 103A
3925 Porsgrunn
Norway

کانادا
P.O.Box 622-STNB
OTTAWA - ONT
K1P 5 P 7
Canada

هلند
Weena 745
3013 AL Rotterdam
Holland

www.iran-archive.com